

مجموعه‌ای از خطبه‌های مسجد نبوی 3

ارکان ایمان

برخی از خطبه‌های مسجد نبوی



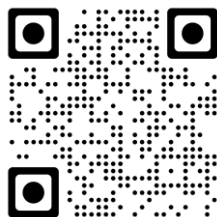
تألیف:
شیخ عبدالمحسن بن محمد القاسم
امام و خطیب مسجد نبوی شریف

مترجم بالفارسیة

ارکان ایمان

از خلال خطبه های مسجد نبوی

برای دانلود کتاب، کد را اسکن کنید



a-alqasim.com

ارکان ایمان

از خلال خطبه های مسجد نبوی

تألیف

د. عبد المحسن بن محمد القاسم

إمام وخطیب المسجد النبوی الشریف



مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ
وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.
أَمَّا بَعْدُ:

ایمان شش رکن اساسی دارد، که به شخص مسلمان گفته نخواهد شد مگر با ایمان آوردن به هر شش رکن آن، و با نبود یکی از این شش رکن شخص از دین خارج خواهد شد.

و حقیقت ایمان: اقرار کردن با قلب، و بیان نمودن با زبان، و عمل کردن با اعضاء می باشد، و ایمان با عبادت زیاد شده و با گناه ضعیف می شود.

و در محتوای ایمان: عمل نمودن به اوامر - واجبات و مستحبات -، و دوری از منہیات - اعمال مکروهه و امور محرم - قرار دارد.

و جهت بیان اهمیت ایمان برای هر رکن آن جداگانه خطبه هایی در مسجد نبوی ایراد نمودم، و سپس آنها را مرتب نموده و در غالب کتاب

در آوردم، که مجموع آنها (۱۷) خطبه می باشد، و آنرا «ارکان ایمان؛ از خلال خطبه های مسجد نبوی» نامیدم.

از الله متعال خواهانم تا آنرا مفید نموده و فقط در راه رضایت خویش قرار دهد.

وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّم عَلَى نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

د. عبد المحسن بن محمد القاسم

إمام وخطيب المسجد النبوی الشریف

ایمان به الله

شناخت بنده نسبت به پروردگارش^(۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را همانگونه که شایسته اوست پیشه کنید؛ چرا که نعمت حقیقی در پیروی از قرآن و سنت نهفته است، و شقاوت و گمراهی در پیروی از هوای نفس.

ای مسلمانان:

الله متعال مخلوقات را آفرید فقط جهت اینکه او را پرستش نموده و برای او سر تعظیم فرود آورند، و بالاترین درجه خوشبختی در شناخت الله و ایمان به او نهفته است، و شناخت بنده نسبت به پروردگارش اولین رکن از ارکان ایمان است که بر بنده دانستن آن واجب می باشد، و نیز اولین چیزی است که بنده در قبر از آن سؤال خواهد شد، مخلوقات را از عدم آفرید، و نعمت ها را بر آنان سرازیر

(۱) این خطبه در روز جمعه پانزدهم صفر، سال هزار و چهار صد و بیست و شش در مسجد نبوی ایراد شده است.

نموده، و روزی دادن آنان بر عهده گرفت:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾

(و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست)
[سورة هود: ۶].

موجودات را از عدم پدید آورد:

﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا﴾

(آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکر نبود) [سورة
الإنسان: ۱].

پروردگاری که در آفرینش و روزی دادن و تدبیر امور یکتا و بی همتاست:

﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾

(گاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست فرخنده خدایی است پروردگار
جهانیان) [سورة الأعراف: ۵۴].

یکتا و یگانه است، و دارای عظمت و جلال و شکوه می باشد، کلید تمامی
امور در دست اوست، قدرتمند و استوار بوده، بر بندگان غالب است، هرگز
راضی نخواهد شد که عبادت برای غیر از او انجام بگیرد:

﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ﴾

(اگر کفر ورزید خدا از شما سخت بی نیاز است و برای بندگان کفران

را خوش نمی دارد و اگر سپاس دارید آن را برای شما می پسندد) [سورة الزمر: ۷].

در هر مخلوقی نشانه ای نهاده است که دلالت بر یگانگی او دارد؛ تا بدین وسیله تعلق قلب نسبت به پروردگارش افزون گردد، دو نشانه در این دنیا همیشه پشت سر هم قرار داشته، وما را دایما به یاد یگانگی ذات پاک او می اندازند.

﴿يُغْشِي اللَّيْلُ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا﴾

شب‌ی که دنیا را می پوشاند و روزی که آنرا روشن می گرداند، و هر کدام از این دو با سرعت به دنبال هم در حال حرکت هستند:

﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ
وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾

(نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند) [سورة یس: ۴۰].

زمینی که ما را بر پشت خویش حمل می کند و آسمانی که بر ما سایه افکنده است، وما بندگان هرگز از این دو بی نیاز نخواهیم بود، آفرینش و تدبیری بی نظیر از ذاتی چیره دست:

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾

(این خلق خداست [اینک] به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده اند [هیچ] بلکه ستمگران در گمراهی آشکارند) [سورة لقمان: ۱۱].

و شخص مسلمان با بنده بودن چنین خالق و مدبری که این کائنات با عظمت

را آفریده است به خویش می بالد:

﴿قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾

(بگو آری پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است دینی پایدار
آیین ابراهیم حق گرای و او از مشرکان نبود) [سورة الأنعام: ۱۶۱].

وبنده غیر از خالق این کاینات را نمی پرستد، و هیچ عبادتی را به غیر از او
اختصاص نخواهد داد، در سختی ها به او پناه برده، و در پنهان و نهان از او می
ترسد:

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ﴾

(و اگر خدا به تو زیانی برساند کسی جز او برطرف کننده آن نیست و اگر
خیری به تو برساند) [سورة الأنعام: ۱۷].

بنا بر این از مردگان بیم ندارد و از آنان ترسی بر دل راه نمی دهد، و به آنان
در هیچ امری از امور خویش دل نخواهد بست.

و پناه بردن به ذات او نشانه خرد اندیشی و احساس اطمینان و آرامش قلبی
و روحی است و هر کس از پروردگارش بترسد، چیزی دیگر سبب رعب و
وحشت او نخواهد گشت، بلکه همیشه دارای قلبی قوی و اعضایی با آرامش
خواهد بود، و خوشا به حال نفسی که جز با الله انس نمی گیرد:

﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

(پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید) [سورة آل عمران: ۱۷۵].

أبو سلیمان دارانی رحمه الله می گوید: «ترس خدا از هیچ قلبی رخت بر نبست مگر اینکه آن قلب تبدیل به ویرانه گردید».

ونزدیک ترین بنده به الله متعال همان کسی می باشد که از او بیشتر بترسد، رسول الله ﷺ می فرمایند: ((من از همه به نسبت به الله آگاه تر هستم، و از همه بیشتر نسبت به او بیم دارم)) [متفق علیه]، و بیم از خدا از مستلزمات و واجبات ایمان می باشد، و هر کس فقط از پروردگارش بیم داشته باشد، دروازه های بهشت بر روی او باز خواهد شد، همانگونه که الله متعال می فرماید:

﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾

(و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است) [سورة الرحمن: ۴۶].

اهل علم می گویند: « الله متعال بنده خویش را دو دفعه در منجلا ب خوف و ترس قرار نخواهد داد؛ پس هر کس را که در دنیا در معرض بیم و ترس قرار داد او را در آخرت از ترس و بیم نجات خواهد داد، و هر کس در دنیا از خدای خویش نترسید و هیچ بیمی از او نداشت در آخرت مورد بیم و ترس الهی قرار خواهد گرفت؛ پس همیشه پروردگارت را مد نظر خویش قرار داده و از او بترس تا از خوشبخت ترین انسان ها باشی.

واز غیر خدا هیچ انتظاری نداشته باش که خواسته هایت را بر آورد کرده و یا تو را از اموری مانند: شفا یافتن، و یا بر طرف کردن بیماری، و یا صحت و سلامتی طلبیدن بی نیاز گرداند، چرا که مخلوقات فطرتا ضعیف هستند، و از جلب منافع

و یا بر طرف کردن خسارت و یا ضرر از نفس خویش عاجز و ناتوان می باشند، لذا انجام آن برای دیگران سخت تر خواهد بود، و هیچ کس از مخلوقی حاجتی نخواست مگر اینکه تهی دست گردید، پس خواسته ها و آرزوهایت را بر غیر الله متعلق مگردان، چرا که عاقبت آن چیزی غیر از تهی دستی و ذلت و خواری نخواهد بود، پس همیشه به دنبال کرم و بخشش الهی باش، چرا که خواستن و طلبیدن از او نوعی عبادت است، و شکستگی و دلدادگی به الله خود نوعی عزت نفس و بالا رفتن درجات و محقق شدن آرزوهاست.

و راحتی نفس در سپردن آن به خالقش قرار دارد، و این تعلق و دلدادگی به او بیشتر خواهد شد آن زمانی که بنده بداند که پروردگارش به همه احوال او آگاه بوده و از آن با خبر است، و نسبت به او از تمام مخلوقات مهربان تر است، و قادر به زدودن بدی ها از او می باشد، و چرا بنده به مخلوقی درمانده و ناتوان که توانایی رساندن هیچ گونه منافع و یا زدودن هیچگونه بدی و یا ضرری را ندارد، دل ببند؟! در حالیکه پروردگارت تمام امور تو را بر عهده گرفته است؛ و او آن ها را پیش خواهد برد اگر تو همه چیز را به او بسپاری و در تمام شئونات بر او متوکل باشی.

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

(و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است) [سورة الطلاق: ۳].

و خوشبخت همان بنده ایست که امیدوار به رحمت الهی بوده، و از عذابش بیم داشته باشد، و در عبادت خویش برای پروردگارش سر تسلیم فرود می آورد، و این همان صفات والایی می باشند که خانه های پیامبران با آن آراسته بودند:

﴿كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا
وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾

(و ما را از روی رغبت و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند) [سورة الأنبياء: ۹۰].

و پیامبران در زمینه طلب از الله متعال همیشه پیشه گیر و یکتاز بودند؛ الله متعال خطاب به نبی خویش فرمود:

﴿وَالِی رِبِّكَ فَارْعَبْ﴾

(و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور) [سورة الشرح: ۸].

و رغبت به الله بستگی به قوت وضعف بنده دارد، ابن قیم رحمه الله می گوید: «هر گاه که الله متعال برای بنده خویش قصد خیر بکند به او توفیق خواهد داد تا تمام تلاش و کوشش خویش را در راه ترس و بیم به همراه محبت و رغبت نسبت به الله متعال به کار گیرد، چرا که این دو همان اساس موفقیت و کامیابی می باشند، و به اندازه وجود این دو در قلب موفقیت و کامیابی برای بنده حاصل خواهد شد».

و ترس از مخلوق نوعی ذلت و خواریست، و هر کس از خالق خویش بترسد در زندگی سر بلند خواهد شد، و در زندگی اش خوشبخت و سرفراز خواهد بود، و خداوند بصیرت او را چنان روشن می گرداند که همیشه به یاد او باشد، همانگونه الله سبحانه فرمود:

﴿سَيَذَرُ مَنْ يَخْشَى﴾

(آن کس که ترسد بزودی عبرت گیرد) [سورة الأعلی: ۱۰].

و از مواعظ و دگرگونی ها پند و اندرز خواهد گرفت؛ الله متعال فرمود:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى﴾

(در حقیقت برای هر کس که [از خدا] بترسد در این [ماجرا] عبرتی است)
[سورة النازعات: ۲۶].

و قرآن برای او مایه سعادت و خوشبختی خواهد گشت:

﴿مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ۖ إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَن يَخْشَى﴾

(قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی * جز اینکه برای هر که می ترسد
پندی باشد) [سورة طه: ۲].

و ترس و بیم از الله باعث مغفرت و بخشش الهی خواهد بود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾

(کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند آنان را آمرزش و پاداشی
بزرگ خواهد بود) [سورة الملک: ۱۲].

پس همیشه پروردگارت را بین دیدگانت قرار بده، و از مکر و عذابش در
امان مباش، و از غیر الله از کسی دیگر ترس و بیم قطعی رزق و تاخیر شفاء و افتادن
در بیماری را نداشته باش، الله سبحان فرمود:

﴿فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمْنَعُوا عَظْمِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾

(پس از آنان نترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید) [سورة البقرة: ۱۵۰].

و بنده خلقتا ضعیف بوده و محتاج ذات قوی الهی می باشد، و با استعانت جستن به او از استعانت به غیر او بی نیاز خواهد شد، و هر کس برای دست یافتن به خواسته خویش به الله استعانت نجسته و از او طلب کمک نکند؛ تمام درها به روی بسته خواهد شد، و از رسیدن به خواسته هایش در مانده خواهد گشت، رسول الله ﷺ خطاب به ابن عباس رضی الله عنه می فرمایند: ((ای پسر! به تو کلماتی خواهم آموخت؛ پروردگار خویش را در همه امورت حفظ بکن تا او نیز تو را حفظ بکند، اگر الله را حفظ بکنی همیشه او را همراه خویش خواهی یافت، پس اگر خواسته ای داشتی پس از او بخواه، و اگر کمک و همیاری خواستی از او استعانت و کمک بطلب)) [روایت ترمذی]

استعانت جستن به الله مدار دین است:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

([بار الها] تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جویم) [سورة الفاتحة: ۵].

و پیامبران الهی اقوام خویش را بر آن امر می نمودند:

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا﴾

(موسی به قوم خود گفت از خدا یاری جوید و پایداری ورزید) [سورة الأعراف: ۱۲۸].

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: « دین یعنی: غیر از الله پرستش نشود و از غیر او طلب کمک و استعانت نگردد».

و معنای حقیقی مستغنی بودن عبد در تعلق او به پروردگارش خلاصه می شود، و از فضل الله نسبت به بندگانش اینست که هر کس به او تعلق گیرد به او کمک خواهد کرد، و رزق بنده با بندگی و استعانت به الله آسان خواهد گشت، و با توکل بر او فزونی خواهد یافت، الله سبحان می فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا *

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

(و هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد * و از جایی که حسابش را نمی کند به او روزی می رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است) [سورة الطلاق: ۳، ۲].

وزندگی پر از سختی ها و دشواریهاست؛ الله سبحان فرمود:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾

(براستی که انسان را در رنج آفریده ایم) [سورة البلد: ۴].

و برای هر مخلوقی دشمنانی از جن و انس وجود دارد که در مقدمه آنها ابلیس ملعون قرار دارد؛ الله سبحان فرمود:

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾

(در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید) [سورة فاطر: ۶].

وبنده از پناه بردن به ذات باری تعالی بی نیاز نیست، و پروردگار دارای عظمت و جبروت است؛ پس هر کس به او پناه جست هیچ اذیت و آزاری به او نخواهد رسید، و ضرر و زیان با وجود تمام اسباب ظاهری از او دور خواهد گشت، رسول الله ﷺ فرمودند:

((هر کس به جایی فرود آمد، سپس این دعا را خواند: **أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ؛ هیچ چیز به او ضرری نخواهد رساند تا اینکه از آنجا رخت بر بندد**)) (روایت مسلم).

قرطبی رحمه الله می گوید: «از روزی که این خبر را شنیدم به آن عمل نمودم تا اینکه یک روز آن را ترک کردم، که نتیجه آن عقربی در مهدیه به وقت شب مرا نیش زد، پس با خودم فکر کردم که ناگه به یاد آوردم که دعای نزول منزل را فراموش کرده ام».

و مخلوق همیشه در معرض خطر قرار دارد، و زندگانی اش جز با پناه بردن به ذات الهی خوشگوار نخواهد شد، پس نفع و ضرر همه در دست خداست، و هر کس برای ضرر رساندن به تو تلاش کند تا زمانی که خواست الهی در آن نباشد به تو هیچ ضرری نخواهد رسید؛ رسول الله ﷺ فرمودند: **((آگاه باش که اگر تمام امت با هم جمع گردند تا به تو ضرری برسانند نخواهند توانست مگر چیزی که الله متعال آنرا مقدر کرده باشد))** (روایت ترمذی).

وبه راستی که الله متعال به پیامبرش دستور داد تا از شر مخلوقات و تاریکی و حسود به او پناه ببرد.

و ذاتی که قادر به زدودن این تاریکی از کاینات است، نیز توانایی آنرا دارد که بیم و ترس پناه جوی به ذات خویش را از بیم ببرد، و پناه برنده به الله در تمام امور خویش در قلعه ای محکم و غیر قابل نفوذ قرار دارد، که در آن از شر مکاران و حيله گران در امان می باشد.

و ما در سختی ها هیچ ملاذی جز پرورگار مان نداریم، و پناه جو به الله و کمک جوینده از او خاص ترین دروازه دعا را کوبیده است، و طلب کمک و مدد از پروردگار والا مقام در سختی ها و شدت ها سنت پیامبران و صالحین می باشد؛ الله سبحان می فرماید:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِينَ﴾

([به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می طلبیدید پس دعای شما را اجابت کرد که من شما را با هزار فرشته پیاپی یاری خواهم کرد)
[سورة الأنفال: ۹].

و نیز فرمود:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾

(یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند)
[سورة النمل: ۶۲].

وهر کس مردگان را صدا بزند پس صدایش شنیده نخواهد شد، و حاجاتش بر آورده نخواهد گشت، همانگونه که الله سبحانه فرمود:

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ *
إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ﴾

(و کسانی را که بجز او می خوانید مالک پوست هسته خرمايي [هم] نیستند *
اگر آنها را بخوانید دعای شما را نمی شنوند و اگر [فرضا] بشنوند اجابتان نمی کنند) [سورة فاطر: ۱۴، ۱۳].

و تنها عبادت کردن الله متعال نشانه پاکی و صفای اعتقاد می باشد، و نیز خوشبختی و سعادت است که تمام جامعه را فرا خواهد گرفت، و با آن نفس ها در اطمینان و آرامش به سر خواهند برد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ *
الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنْ
الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

(ای مردم پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفریده
است پرستش کنید باشد که به تقوا گرایید * همان [خدایی] که زمین را برای شما
فرشی [گسترده] و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد
و بدان از میوه ها رزقی برای شما بیرون آورد پس برای خدا همتیانی قرار ندهید
در حالی که خود میدانید) [سورة البقرة: ۲۱، ۲۲].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد.

خطبه دوم

الله را بر احسان و خوبی هایش حمد و ثنا می گویم ، و او را بر توفیق و نعمت هایش شکر گذاریم و برای تجلیل از بزرگی الله شهادت می دهیم که هیچ معبود بر حقّی به جز الله نیست، و شهادت می دهیم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

اما بعد ای مسلمانان:

درهای سعادت و خوشبختی با تعلق گرفتن قلب به الله باز خواهد گشت، و نیز دروازه های بدی و فلاکت با توبه و استغفار بسته خواهد شد، و سلامت قلب در ترک کردن گناهان قرار گرفته است، و بالاترین نعمت دنیا در جذب شدن قلب به سوی محبت الهی و بیم داشتن از او و امیدوار بودن به فضل و کرم اوست، چرا که ترس تو را از گناه بر حذر می دارد، و امید به الله تو را وادار به عبادت او می گرداند، و محبتش نیز تو را به سوی او سوق خواهد داد، پس اعمال را فقط جهت رضای الله قرار بده، و آن را در ظاهر و باطن با بهترین وجه به جای بیاور، با این یقین که الله متعال از نهان و پنهان نوایا آگاه می باشد، و از تمام پوشیده ها با خبر است.

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به سلام و درود فرستادن بر پیامبرش نموده است....

ترس و بیم داشتن از خدا (۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان الله از الله بترسید همانگونه که شایسته اوست، و به ریسمان ناگستنی اسلام چنگ بزنید.

ای مسلمانان:

هوای نفس انسان را به سوی کوتاه کاری در عبادت و گناه و معصیت می کشاند، و شیطان انسان را تحریک نموده تا گرفتار سرپیچی و گناهان گردد، و نفس همیشه به دنبال تنبلی و لذت هاست، و چیزی جز ترس الهی و بیم از عذابش آنرا مهار نخواهد کرد.

و ترس از الله متعال بزرگترین رکن عبادت است که بدون آن اخلاص در دین حاصل نخواهد شد، لذا آن بر هر فرد مکلفی فرض بوده، و از بزرگترین عبادات قلبی می باشد؛ الله متعال خطاب به پیامبرش می فرماید:

(۱) این خطبه در روز جمعه، بیست و یکم ربیع آخر، سال هزار و چهار صد هجری در مسجد نبوی ایراد شده است.

﴿قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنَّ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾

(بگو من اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی هولناک می ترسم
 ([سورة الأنعام: ۱۵].)

و فرشتگان از پروردگار خویش ترسیده و از او بیم دارند:

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا
 يَسْتَكْبِرُونَ * يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ قَوْعِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿۱﴾﴾

(و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنندگان و فرشتگان است برای خدا
 سجده می کنند و تکبر نمی ورزند *) [سورة النحل: ۴۹، ۵۰].

و پیامبران از آن بیم داشتند که اقوام شان گرفتار عذاب الهی گردند؛ همانگونه
 که نوح علیه السلام فرمود:

﴿إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾

(من از عذاب روزی هولناک بر شما می ترسم) [سورة الشعراء: ۱۳۵].

و شعیب علیه السلام فرمود:

﴿إِنِّي أَرْبُكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾

(به راستی شما را در نعمت می بینم و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما
 بیمناکم) [سورة هود: ۸۴].

و هود علیه السلام فرمود:

﴿إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾

(من از عذاب روزي هولناك بر شما مي ترسم) [سورة الشعراء: ۱۳۵].

وابراهيم عليه السلام فرمود:

﴿يَتَأْتِيَنِي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾

﴿پدر جان من می ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابى به تو رسد و تو

يار شيطان باشى﴾ [سورة مريم: ۴۵].

وصالحين نیز از فرود آمدن عذاب الهی در دنیا بر اقوام خویش بیم دارند:

﴿وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَقَوْمُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِّثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ﴾

(و کسی که ایمان آورده بود گفت اي قوم من من از [روزي] مثل روز دسته ها [ي مخالف خدا] بر شما مي ترسم) [سورة غافر: ۳۰].

همانگونه که از عذاب آخرت در مورد آنان بیم دارند:

﴿وَيَقَوْمُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ﴾

(و اي قوم من من بر شما از روزي که مردم یکديگر را [به ياري هم] ندا درمي دهند بیم دارم) [سورة غافر: ۳۲].

و کسی جز آنکه قلبش سرشار از ترس الهيست پند نخواهد گرفت.

﴿وَتَرْكُنَا فِيهَا ءَايَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾

(و در آنجا براي آنها که از عذاب پر درد مي ترسند عبرتي به جاي گذاشتيم) [سورة الذاريات: ۳۷].

و کسی که از پرور گارش بترسد، به او بصيرت و آگاهی در آیات و اندرزها

عطا خواهد کرد:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ﴾

(قطعا در این [یادآوریها] برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد) [سورة هود: ۱۰۳].

و با موعظه های قرآنی نیز بصیرتش روشن تر می گردد:

﴿فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ﴾

(پس به [وسیله] قرآن هر که را از تهدید [من] می ترسد پند ده) [سورة ق: ۴۵].
و بیم دهندگان و نشانه های خویش را الله متعال برای متوجه شدن قلب به سوی
سوق می دهد

﴿وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخَوِيفًا﴾

(و ما معجزه ها را جز برای بیم دادن [مردم] نمی فرستیم) [سورة الإسراء: ۵۹].
و آزمایشات الهی هنگام عبادات کردن نیز برای ظاهر ساختن جایگاه ترس
در قلوب آنان می باشد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِبَلْوَتِكُمْ ءَلَلَهُ شَيْءٌ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ ءَيْدِيكُمْ
وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ ءَلَلَهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ﴾

(ای کسانی که ایمان آورده اید خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس
شما و نیزه های شما باشد آزمود تا معلوم دارد چه کسی در نهان از او می
ترسد) [سورة المائدة: ۹۴].

و ترس از الله از بزرگترین صفاتی است که بندگان به آن آراسته می شوند، و از

اسباب درستی در گفتار و کردار می باشد:

﴿قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ﴾

(دو مرد از [زمره] کسانی که [از خدا] می ترسیدند و خدا به آنان نعمت داده بود گفتند از آن دروازه بر ایشان [بتازید و] وارد شوید که اگر از آن درآمدید قطعاً پیروز خواهید شد) [سورة المائدة: ۲۳].

و مذمت شدن کفار به دلیل نبود این صفت در وجود آنان می باشد:

﴿كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ﴾

(چنین نیست که آنان می گویند بلکه آنها از آخرت نمی ترسند) [سورة المدثر: ۵۳].

و هر کس از پروردگارش بترسد هنگام سكرات موت در امان خواهد بود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾

(در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و می گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید) [سورة فصلت: ۳۰].

و از سختی های میدان محشر نجات خواهد یافت:

﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا * فَوَقَّهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا﴾

(ما از پروردگارمان از روز عبوسی سخت هراسناکیم * پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت) [سورة الإنسان: ۱۱، ۱۰].

وبهشت برین منزلگاه او خواهد بود:

﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾

(و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است) [سورة الرحمن: ۴۶].

وبه اندازه علم و آگاهی نسبت به الله ترس و بیم از او پدید خواهد آمد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((همانا من آگاه ترین آنان نسبت به الله بوده و از همه آنان نسبت به الله بیشتر بیم دارم)) [متفق علیه]

وایشان ﷺ با دیدن ابرها و یا با وزیدن بادهای رنگ از چهره مبارک شان می پرید، و مرتب بیرون رفته و بر می گشتند؛ از ترس اینکه عذابی در راه باشد.

و اگر بیم الهی قلب بنده را فرا گیرد او را از گناهان باز خواهد داشت:

﴿لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ

إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾

(اگر دست خود را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی من دستم را به سوی تو دراز نمی کنم تا تو را بکشم چرا که من از خداوند پروردگار جهانیان می

ترسم) [سورة المائدة: ۲۸].

وترس از الله جایگاهی بالا و والا بوده، و از جمله مبانی ثابت وقوی دین می باشد، ترس مسلمان را ثابت قدم می گرداند، به گونه ای که هوای نفسانی و یا خواسته های دنیوی او را دگر گون نخواهد کرد، و بر راه الهی مطابق با شیوه پیامبر ﷺ قدم خواهد گذاشت، همانگونه که ایشان ﷺ فرمودند: ((هر کجا که باشی از الله بترس)) [روایت ترمذی]، وانسان هایی هستند که این جایگاه را از دست داده اند، که در نتیجه از لذت عبادت محروم گشته و منهج زندگی شان دگر گون گشته است، همانگونه که الله متعال در مورد آنان فرمود:

﴿مُذَبِّذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ﴾

(میان آن [دو گروه] دو دلند نه با اینانند و نه با آنان) [سورة النساء: ۱۴۳].

واز بین رفتن ترس و بیم الهی مساوی با فساد زندگی، و نگون بختی در آن می باشد، همانگونه که نبود آن با شبهات و شهوات سبب سیاهی و تاریکی قلب می گردد، أبو سلیمان دارانی رحمه الله می گوید: «ترس و بیم الله از قلبی رخت بر نیست مگر اینکه آن قلب به ویرانه تبدیل گردید»، و روی گردانی کفار از الله فقط به دلیل نبود ترس الهی در قلب های شان بود، الله متعال می فرماید:

﴿كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ﴾

هرگز، بلکه از روز آخرت ترسی ندارند، و مسخره کردن منافقان نسبت به احکام الهی نیز به سبب نبود ترس الهی در

قلب هایشان می باشد.

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ﴾

(و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می گویند در حقیقت ما با شما ایم ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم) [سورة البقرة: ۱۴].

و هیچ گناهکاری به دام گناه گرفتار نیامد مگر با کمرنگ بودن بیم الهی در وجودش، و تنها چیزی که صالحین را از گرفتار شدن در دام گناه و معصیت باز داشت همان ترس و بیم الهی بود:

﴿الَّذِي يَرَبُّكَ حِينَ تَقُومُ * وَتَقْلُبُكَ فِي السَّجْدِينَ﴾

(آن کس که چون [به نماز] برمی خیزی تو را می بیند* و حرکت تو را در میان سجده کنندگان [می نگرد]) [سورة الشعراء: ۲۱۸، ۲۱۹].

و هر کس در تنهایی از الله بترسد در عوض الله متعال او را در میدان محشر زیر سایه عرش خویش قرار خواهد داد؛ ((و مردی که زنی زیبا و با نسب او را فرا خواند؛ ولی او گفت: من از الله می ترسم)) [متفق علیه]

و عبادت گذاری که در تنهایی اشک می ریزد؛ نیز همچنین وعده ای به او داده شده است، و تهجد گذار در تاریکی شب چیزی به جز ترس الله او را از

خواب بیدار نمی کند؛

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ * فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

(پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می خوانند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند * هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می دادند برای آنان پنهان کرده ام) [سورة السجدة: ۱۷، ۱۶].

وانسان مومن بین نیکی و ترس جمع می کند، بر خلاف منافق که با انجام گناه همیشه خویشتن را در امان می بیند.

ای مسلمانان:

عقاب الهی سخت است، و وعده ی عذابش حتمی می باشد، و در امان بودن از عذاب الهی سبب شقاوت و نگون بختی انسان ها می گردد، امت هایی از ترس الهی روی بر گرداندند که در نتیجه گرفتار گناهان گشتند؛ لذا الله متعال عذاب خویش را بر آنان فرستاد، قوم نوح را غرق نموده، و قوم ثمود را با رعد و برق نابود کرد، و قوم عاد را با باد شدید در هم کوبید، و قوم شعیب را با زلزله و صدای وحشتناک از بین برد، و قوم لوط را با بال فرشته ای بالا برده سپس آنان را از بالا به سوی زمین رها ساخت، و کوهی بزرگ بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد، و آنان را با طوفان عذاب داد، و نیز بر آنان ملخ و خون و پشه را فرستاد، و افرادی از

آنان را به سبب گناهان شان مسخ نموده و تبدیل به میمون و خنزیر گردانید، و همانگونه که در سوره قلم آمده است، باغی بس بزرگ را به سبب گناه صاحبان آن با تمام ثمره های آن طعمه آتش قرار داد؛

﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾

(و این گونه بود [به قهر] گرفتن پروردگارت وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند [به قهر] می گرفت آری [به قهر] گرفتن او دردناک و سخت است)
[سوره هود: ۱۰۲].

و الله متعال در طول تاریخ به کسانی که از بیم و ترس او در امان بوده اند، را وعده عذاب درد ناک داده است:

﴿أَفَأَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَّتًا وَهُمْ نَائِمُونَ *
أَوْ أَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ﴾

(آیا ساکنان شهرها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته اند به آنان برسد * و آیا ساکنان شهرها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما نیمروز در حالی که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد) [سوره الأعراف: ۹۸، ۹۷].

وعذابش را بر کسانی که از او نمی ترسیدند فرو فرستاد؛ همانگونه فرعون طاغوت را در میان امواج دریا تبدیل به جنازه ای بدون حرکت نمود، وقارون - سرمایه دار - را با مال و دارایی اش در زمین فرو برد، و نیز همانگونه که مردی را

که پاچه های شلوارش را از روی تکبر دراز می کند طعمه زمین نمود، و عمرو بن لحي روده های خویش را در آتش جهنم گرفته و آنها را به دور خویش می پیچد.

والله متعال به گنهکار مهلت داده ولی از او غافل نخواهد شد، و زمانی که او را گرفتار عذاب خویش گرداند به او مهلت نخواهد داد:

﴿وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾

(و خداوند شما را از [عقوبت] خود می ترساند) [سورة آل عمران: ۲۸].

وبندگانش را بر بندگی خویش فرا خوانده و آنان را از گناه و نافرمانبرداری بر حذر داشت، چرا که عذاب او درد ناک است، و هرگز کفر را از بندگان خویش نخواهد پسندید:

﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ﴾

(اگر کفر ورزید خدا از شما سخت بی نیاز است و برای بندگان کفر را خوش نمی دارد) [سورة الزمر: ۷].

وبه تارک نماز وعده جهنم داده است:

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾

(چه چیز شما را در آتش [سقر] درآورد * گویند از نمازگزاران نبودیم) [سورة المدثر: ۴۳، ۴۲].

و هر آنکس را که نافرمان برداری پدر و مادر خویش را بکند نگون بخت می گرداند:

﴿وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا﴾

(و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است)
[سورة مریم: ۳۲].

و نزدیک است که همگان گرفتار عذاب الهی گردند اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک بکنند، والله سبحانه بر انجام محرمات و حمله به ناموس خشمگین می شود؛ ((هیچ کس از الله بیشتر خشمگین نخواهد شد از اینکه برده و یا کنیزش زنا بکند)) [متفق علیه].

وبا خوردن مال حرام، عمل مورد قبول قرار نخواهد گرفت؛ ((همانا الله متعال پاک است و جز پاکی را قبول نخواهد کرد))، و شخص با نگاه کردن به محرمات از پاکی نفس و طراوت آن محروم خواهد شد:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ وَيَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ﴾

(به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است) [سورة النور: ۳۰].

و همچنین الله متعال از گناهان صغیره نیز بر حذر داشته است؛ رسول الله ﷺ خطاب به عائشه ~ فرمودند: ((ای عائشه! مباد که گناهان کوچک را کم بشماری؛ چرا که این گناهان نزد الله بزرگ خواهند شد)) (روایت احمد).

واز علامت های راستین ترس بنده از الله این است: که ظاهر و نهانش با هم یکسان باشد، و هنگام خلوت و تنهایی مشغول گناه نگردد:

﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

(و هر کجا باشید او با شماست و خدا به هر چه می کنید بیناست) [سورة الحديد: ۴].

از گناهان خلوت بر حذر باش که همانا این گناهان از اسباب هلاکت و نابودی می باشند؛ از انس رضی الله عنه روایت است که می گوید: ((همانا شما اعمالی انجام می دهید که آنها از در چشمان شما از موی سرباریک تر و ضعیف تر است، در حالیکه ما در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله آنها را از گناهان کبیره می دانستیم)) [روایت بخاری].

هر کس خویشان را از عذاب الهی در امان بداند به راستی که ضرر کرده است:

﴿أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾

(آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی داند) [سورة الأعراف: ۹۹].

و سرشار بودن نعمت ها بر بنده با وجود اصرار او بر گناهان همان استدراج و مهلت دادن الهی می باشد؛ پس بنده باید از عذاب و عقوبت الهی بر حذر باشد.

و کسی که گناهان را ترک نکند در زمره کسانی نخواهد بود که از الله می ترسند، و هر کسی که معصیت الله را بکند به راستی که او از جاهلان است، و هر کس از او بترسد پس او در زمره علماء قرار دارد، و به هر اندازه که آگاهی بنده نسبت به الله بیشتر باشد، به همان اندازه بیم و ترسش بیشتر خواهد شد؛ ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: «ترس الهی کافیهست برای عالم بودن، همانگونه که گناه و معصیت

نشانه جهالت و نادانیت»، و کمبود ترس همانا از کمبود معرفت بنده نسبت به پروردگارش سرچشمه می گیرد، و در بیم داشتن از سرانجام، بیم و ترس بروز خواهد کرد، و بیشتر خواهد شد.

و از رحمت الهیست که ترس را دو مرتبه برای بنده خویش تکرار نخواهد کرد، پس هر کس در دنیا از او ترسید، در آخرت در امان خواهد بود، و هر کس در دنیا از او بیم و هراسی نداشت در آخرت گرفتار بیم و ترس او خواهد شد، و کسی که از پروردگارش بترسد در میان مردم با عزت زندگی خواهد کرد، و ترس مخلوق از مخلوق همان ذلت و خواریست، الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ ۚ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾

﴿در واقع این شیطان است که دوستانش را می ترساند پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید﴾ [سورة آل عمران: ۱۷۵].

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ *
وَأَتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً
وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾

(و پیش از آنکه شما را عذاب در رسد و دیگر یاری نشوید به سوی پروردگارتان باز گردید و تسلیم او شوی * و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی زنید شما را عذاب در رسد نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید) [سورة الزمر: ۵۴، ۵۵].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد....

خطبه دوم

الله را بر احسان و خوبی هایش حمد و ثنا می گویم ، و او را بر توفیق و نعمت هایش شکر گذاریم و برای تجلیل از بزرگی الله شهادت می دهم که هیچ معبود بر حقّی به جز الله نیست، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

اما بعد ای مسلمانان:

چیزی به مانند ترس و بیم الهی محرمات و حدود الهی را حفظ ننموده است، و کسانی که به الله رسیده اند، به این مقام نرسیدند مگر با ترس و بیم از او، به همراه امید داشتن و محبت او، و هرگاه قلب از این سه صفت تهی گردد، فاسد خواهد شد، و هرگاه یکی از آنها در آن کمرنگ گردد؛ ایمانش به همان اندازه ضعیف خواهد شد، و قلب برای رسیدن به الله مانند پرنده ایست که: محبت سر آن و ترس و امید بال و پرش می باشند.

وهراس از الله زاییده ترس و بیم از اوست، که نتیجه آن بندگیست، و امید داشتن رسیدن او را به الله سریع تر می گرداند، و او را تحریک خواهد کرد، و او را وادار بر آن خواهد کرد، و هر کس الله متعال را در قلب خویش بزرگ گرداند، و او را قلبا مورد تعظیم قرار دهد، در مقابل الله متعال او را در قلوب بندگان بزرگ جلوه خواهد داد، فضیل رحمه الله می گوید: «هر کس از الله بترسد کسی به او ضرر نخواهد رساند، و هر کس از غیر از الله بترسد کسی به او نفع نخواهد رساند».

و تسلیم شدن در برابر الله و سپردن امور به او از قلب آدمی ترس و بیم بشر را خواهد زدود، و کسی قادر به ترساندن او نخواهد بود، بلکه او در آرامش کامل

قلبی و جسمی به سر خواهد برد، پس بیم الهی را همیشه به همراه خویش داشته باشید، و بزرگی او را همانگونه که شایسته اوست بشناسید؛ ک هبا آن در دنیا و آخرت سرافراز و سعادت مند خواهید شد.

سپس آگاه باشید که الله متعال شما را امر به سلام و درود فرستادن بر پیامبر خویش فرموده است...

ایمان به فرشتگان

ایمان آوردن به فرشتگان^(۱)

حمد و سپاس الهی را که به وجود آورنده ی مخلوقات بوده، و آگاه از پوشیده ها و مطلع بر نیت ها و ضمائر آنان می باشد، سپاس می گویم او را بر نعمت هایش که تمامی و پایانی ندارد.

و گواهی می دهم که معبودی بر حق به جز خدای یگانه نیست، خدایی که پروردگار آسمان ها و زمین می باشد.

و گواهی می دهم که پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، هدایت کننده به راه مستقیم، و دعوت دهنده به سوی دین راستین، درود الهی تا روز قیامت بر او و یارانش و هر کس که بر سنتش چنگ زند، باد.

ای بندگان خدا تقوای الهی را همانگونه که شایسته اوست پیشه کنید، چرا که تقوا ملاک و اساس هر گونه خیر و خوبی می باشد، پس آنرا در ظاهر و پنهان یار و همراه خویش بگردانید، تا بدین وسیله روزی که همه چیز بر ملا خواهد شد و پاداش همگان به آنان خواهد رسید، کامیاب گردید.

ای مسلمانان:

ایمان داشتن به فرشتگان یکی از ارکان و اصول اعتقاد می باشد، و ایمان کامل نخواهد شد مگر با آن، و فرشتگان از امور غیبی هستند که ایمان آوردن به آنان واجب می باشد، و ایمان اجمالی نسبت به آنان همان تصدیق کردن وجود

(۱) این خطبه در روز جمعه سیزدهم صفر، سال هزار چهار صد و بیست هجری در مسجد نبوی ایراد شده است.

آنان می باشد، و باید به آنان به صورت اجمالی و تفصیلی و به صورت معین، همانگونه که در قرآن و سنت وارد شده است ایمان آورد.

الله عزوجل آنان را از نور آفرید، با چهره هایی زیبا و اجسامی بزرگ همراه با توانایی در تغییر دادن چهره های شان، در حالیکه نیاز به خوردن و نوشیدن ندارند، و اخلاق و کردار شان کامل و بی نقص می باشد، الله متعال آنان را بر فطرت حیا و غیرت آفریده است؛ رسول الله ﷺ می گوید: ((آیا از مردی شرم نکنم که فرشتگان از او شرم دارند؟ - منظور ایشان عثمان رضی الله عنه - می باشد)) [روایت مسلم].

صف های شان نزد پروردگار مرتب و منتظم می باشد، همانا فرشتگان از مخلوقات بس بزرگ الهی می باشند؛ رسول الله ﷺ می فرمایند: ((به من اجازه داده شد تا در مورد فرشته ای از فرشتگان حمل کننده عرش صحبت بکنم، بین نرمة ی گوشش تا شانه اش مسیر هفتصد سال راه می باشد)) [روایت ابو داود].

وبرترین آنان جبریل علیه السلام می باشد، دارای ششصد بال می باشد، که هر بالش ما بین مشرق تا مغرب فاصله دارد، هر بالی از او تمام افق هستی را خواهد پوشاند، رسول الله ﷺ فرمودند: ((جبریل را نزد سدرۃ المنتهی ملاقات کردم، که دارای ششصد بال بود، که بر پرهایش قندیل های دُرّ و یاقوت آویزان بود) [روایت احمد]، الله عزوجل فرمود:

﴿شَدِيدُ الْقُوَى * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى﴾

(آن را [فرشته] شدیدالقوي به او فرا آموخت * [سروش] نیرومندی که

[مسلط] [درایستاد] [سورة النجم: ۵، ۶].

دارای خلقت زیبا بوده و خوش سیما می باشد، و همچنین دارای نیرو و توان مندی بالایی می باشد، جایگاه و منزلتش نزد الله بالا می باشد، و برای پیامبران اخبار راستین و شریعت های محکم را از آسمان می آورد، در جنگ بدر و خندق به همراه رسول الله ﷺ جنگید، و در شب اسراء ایشان را همراهی نمود، و هر گاه الله متعال بنده ای را دوست بدارد به جبریل ندا می دهد که: ((من فلانی را دوست دارم پس تو نیز او را دوست بدار، پس جبریل او را دوست خواهد داشت، سپس جبریل در آسمان ها ندا می دهد؛ که الله متعال فلانی را دوست دارد پس شما نیز او را دوست بدارید، پس او را دوست خواهند داشت، سپس بر روی زمین نیز نزد مردم مورد دوستی و محبت قرار خواهد گرفت)) [متفق علیه].

و فرشتگان در انواع عبادات به سر می برند؛ بعضی ها تا قیامت در حال قیام برای الله متعال ایستاده اند، و بعضی ها در حال رکوع کردن، و بعضی دیگر در حال سجده کردن، و بعضی دیگر نیز در انواع عبادات دیگر به سر می برند، که پروردگار نسبت به حال آنان آگاه تر است:

﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ﴾

(و هیچ یک از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه ای معین است) [سورة الصافات: ۱۶۴].

رسول الله ﷺ می فرماید: ((آسمان به لرزه در آمد و شایسته اوست که به لرزه در آید چرا که در آن به اندازه چهار انگشت جای خالی پیدا نخواهد شد مگر اینکه فرشته ای در آن در حال سجده می باشد)) [روایت احمد]

ای مسلمانان:

به راستی که الله متعال انسان را مورد حمایت قرار داده و به او شرف عنایت کرده و او را مورد حفاظت قرار داد، و این کار را به فرشتگانی سپرد که آنان شبانه روز مشغول آن می باشند، نگهبانانی در روز و نگهبانانی در شب، که او را با امر الهی از امر الهی مورد حمایت قرار می دهند، و همچنین فرشتگانی دیگر برای نوشتن اعمال او مشغول به کار هستند، هیچ کلمه ای را بر زبان نخواهد آورد مگر اینکه فرشتگانی مراقب او هستند، و آنرا می نویسند، هیچ کلمه و یا حرفی را از قلم نمی اندازند، پس انسان در روز در پناه چهار فرشته و در شب نیز در پناه چهار فرشته دیگر قرار دارد، فرشته ای که مامور نطفه خلقت بوده، و دیگری قرین که جهت هدایت و رهنمایی، و نیز ملک الموت که برای قبض روح گماشته شده اند، و این فرشتگان در این امور با انسان از شاه رگ گردن نزدیک تر می باشند، با توانایی که الله متعال به آنان داده است.

تعداد آنان چنان زیاد است که کسی جز خالق آنان قادر به شمارش آنان نیست؛ الله عزوجل فرمود:

﴿وَمَا يَعْلَمُ جُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾

(سپاهیان پروردگارت را جز او نمی داند)، [سورة المدثر: ۳۱].

و رسول الله ﷺ در مورد بیت معمور که در آسمان هفتم قرار دارد می گوید:
 ((در هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند که با خارج شدن از آن دوباره
 هرگز نوبت به آنان نخواهد رسید)) [متفق علیه].

الله متعال از میان آنان فرشتگانی را انتخاب نمود تا عرش او را بر دوش

خویش بکشند، و در میان آنان فرشتگانی نزدیک و مورد محبت الهی قرار دارند، و نیز بعضی دیگر در آسمان های هفتگانه منتشر شده اند تا آنها را با عبادت همیشگی آباد گردانند، برترین آنان همان فرشتگانی هستند که در جنگ بدر حضور داشتند.

ای مسلمانان:

فرشتگان انسان های نیک و کردار آنان را می پسندند؛ برای کسی که به مردم خیر و خوبی را می آموزد، و کسانی که در صف اول نماز قرار دارند، دعا می کنند و بندگان را بر انجام کار نیک تشویق می کنند؛ پس **((هیچ روزی نیست که در آن بندگان صبح نمایند مگر اینکه دو فرشته از آسمان فرود آمده و یکی از آنها می گوید: بار الها به کسی که صدقه دهد، فزونی عطا بفرما، و مال کسی را که از آن دست باز می دارد را تلف و نابود بگردان))**، برای مومنان دعای بخشش و مغفرت می کنند، بلکه فرشتگانی که عرش را بر دوش دارند، و اطرافیان شان برای مومنی که توبه می کند استغفار کرده، و برای او دعای ورود به بهشت و نجات از آتش دوزخ و محفوظ ماندن از گناهان و معصیت ها می کنند، و همچنین بر دعای مومنی که در خفا برای برادر خویش دعا می کند آمین نموده و می گویند: **((برای تو نیز همانند آن باد))**.

همراه با نزول برکت و رحمت فرود می آیند، همانگونه که در شب قدر فرود می آیند، و همچنین هنگام تلاوت قرآن، حلقه های ذکر را در بر می گیرند و بال های خویش را برای طالب علم جهت اعلام رضایت از او در راه کسب علم، پهن می گردانند.

و نزدیکی آنان با ما به معنای خیر و سربلندیست، رسول الله ﷺ با سخاوت

ترین انسان ها بودند، وسخاوت ایشان در رمضان و هنگام ملاقت جبریل فزونی می یافت، و نیکان را هنگام سكرات موت بشارت به بهشت داده تا ثابت قدم بمانند، و روح های شان را با لطافت و نرمی بیرون می آوردند، و از هر دری فرشتگان وارد می شوند تا به او بشارت دخول بهشت را بدهند، و فرشتگانی پیش آنان خواهند آمد تا با سلام کردن به آنان بشارت قرب الهی و نعمت همیشگی و اقامت دایم در بهشت و همسایگی پیامبران را بدهند.

در کنار محبت نیکان به گناهکاران بغض ورزیده و گناه را دوست ندارند؛ و در خانه ای که در آن عکس سگ و یا مجسمه ای باشد، وارد نخواهند شد، و از هر آنچه انسان را بیازارد آزرده خواهند شد، -مثل بوی بد- کفار را لعنت می کنند؛ همانگونه که الله متعال فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ
وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾

(کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد)، [سورة البقرة: ۱۶۱].

و با فرا رسیدن اجل کفار به آنان بشارت به عذاب درد ناک، و جهنم و آتش سوزان را می دهند، که در نتیجه ارواح شان در بدن های شان منتشر شده و با سختی بیرون خواهد آمد، و فرشتگان با ضربه زدن به سر و صورت و پشت آنان می گویند:

﴿أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ
الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾

(جانهایتان را بیرون دهید امروز به [سزای] آنچه بناحق بر خدا دروغ می بستید و در برابر آیات او تکبر میکردید به عذاب خوارکننده کیفر می یابید)
[سورة الأنعام: ۹۳].

ای مسلمانان:

فرشتگان بندگان مقرب الهی هستند، که دارای جایگاه و مقام بس والا می باشند، و آنان کاملاً وبدون هیچ نقصی تحت امر و فرمان الهی قرار دارند:

﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾

(که در سخن بر او پیشی نمی گیرند و خود به دستور او کار می کنند)
[سورة الأنبياء: ۲۷].

از اوامر او پیشی نمی گیرند، و مخالف فرمان او کاری انجام نمی دهند، و از عبادت او سر باز نزده و حسرت نمی خورند:

﴿يُسَبِّحُونَ أَلَيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾

(شبانه روز بی آنکه سستی ورزند نیایش می کنند) [سورة الأنبياء: ۲۰].

در عمل خویش شبانه روز مشغول بوده، و در هر عمل و یا دستوری مطیع و فرمانبردار الله متعال هستند، و ((اگر الله متعال امری را در آسمان مقرر گرداند، فرشتگان بال های خویش را جهت ادای احترام به آن بر هم می کوبند، گویا که زنجیر های آهنی بر صخره سنگی بر خورد کرده است، و امری که او مقرر کرده است برای فرشتگان جهت اجرای آن می فرستد))، و ((هرگاه الله اراده وحی کردن بکند، آسمان ها از ترس الهی شروع به لرزیدن کرده -یا به رعد و برق می افتند-

، واهالی آسمان ها با شنیدن آن از هوش رفته، و برای الله به سجده می افتند، و اولین کسی که سرش را بالا خواهد آورد جبریل امین است، پس الله متعال در مورد وحی با او سخن می گوید:))، الله متعال در مورد فرشتگان می گوید:

﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ * وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ * وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ﴾

[سورة الصافات: ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶].

و هیچ یک از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه ای معین است * و در حقیقت ما میم که [برای انجام فرمان خدا] صف بسته ایم * و ما میم که خود تسبیح گویانیم.

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد....

خطبه دوم

الله را بر احسان و خوبی هایش حمد و ثنا می گویم ، و او را بر توفیق و نعمت هایش شکر گذاریم و برای تجلیل از بزرگی الله شهادت می دهیم که هیچ معبود بر حقی به جز الله نیست، و شهادت می دهیم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

اما بعد ای مسلمانان:

همانا با وجود این مخلوقات بزرگ و والا مقام باز هم جایگاه آنان چیزی به جز بندگانی سرشکسته و فرمانبرداری الله نیست، هیچ شراکتی در پادشاهی او ندارند، و هیچگونه توانایی در امور کونی در وجود آنان نیست، و به راستی که الله متعال به کسانی که به آنان صفت ربوبیت داده اند وعده جهنم داده است؛

﴿وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾

(و هر کس از آنان بگوید من [نیز] جز او خدایی هستم او را به دوزخ کیفر می دهیم [آری] سزای ستمکاران را این گونه می دهیم) [سورة الأنبياء: ۲۹].

و هنگامی که فرشتگان - با تمام قدرت و تنومندی - که دارند با شنیدن کلام الهی از ترس به لرزش افتاده و بیهوش می گردند، چگونه کسی می تواند ادعای ربوبیت آنها را داشته باشد؟! بنابراین مردگان و بت ها که از آنان به مراتب ضعیف تر هستند به طریق اولی باید صفت ربوبیت از آنان منتفی گردد، چرا که تمام امور

در دست الله یکتا وقهار متعال قرار دارند، و هر موجودی غیر از او مخلوق او بوده؛ و توانایی نفع و یا ضرر رساندن به دیگران را ندارد.

و با تمام این ها، بعضی از مردم حکمت آفرینش خویش را فراموش نموده، و قدر آن را نمی دانند، و هیچ توجهی به اکرام و تشریف الهی نسبت به خویش ندارند، در حالیکه که او را از بهترین مخلوقات خویش قرار داده، و مورد حفظ عنایت همیشگی او می باشد، در مقابل آنرا با کفر و فسق ونا شکری جواب می دهد، و هر کس از عبادت پروردگارش سر باز زند، و کاری جز شرک و معصیت انجام ندهد، پس فرشتگانی که نزد الله هستند، شبانه روز نیایش او را نموده و هرگز از کار خویش خسته نخواهند شد، در حالیکه الله متعال از جهانیان بی نیاز است و نه طاعت عبادت گذار به او نفعی رسانده و نه گناه گنهکار.

پس ای بندگان خدا در بندگی او تلاش ورزید، و به فرشتگان ایمان بیاورید، و به یاد آورید که بعضی از آنان شبانه روز شما را مورد حفاظت قرار داده و بعضی دیگر مواظب کردار و گفتار شما می باشند، و آنها را در صحیفه اعمال تان ثبت می کنند که روز قیامت به شما تحویل داده خواهد شد، الله متعال فرمود:

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ * فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا * وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ * مَسْرُورًا * مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ * فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا * وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا﴾

(اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود * بزودی اش حسابی بس آسان کنند * و شادمان به سوی کسانش باز گردد * و اما کسی که کارنامه

اش از پشت سرش به او داده شود * زودا که هلاک [خویش] خواهد* و در
آتش افروخته درآید) [سورة الانشقاق: ۷ إلى ۱۲].

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به درود و سلام فرستادن بر پیامبر خویش
می کند....

ایمان به کتاب های آسمانی

قرآن عظیم الشان^(۱)

حمد و سپاس الهی را که با بندگی و طاعتش عزت عطا نموده، و با گناه و معصیت ذلیل و خوار می گرداند، سپاس می گویم او را همانگونه که او می پسندد و دوست دارد.

و گواهی می دهم که معبوی بر حق به جز الله متعال نیست، و ما پروردگاری غیر از او نداریم، و به جز او را نمی پرستیم.

و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، راستگو ترین دعوت دهنده به سوی او، ناصح ترین شخص برای بندگان خدا، بار الها بر او یارانش و هر کس که بر شیوه و سنت او باشد، درود و سلام بفرست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را پیشه کنید، و در نهان و پنهان خویش اعمال تان مخلصانه برای الله انجام دهید، و همیشه جهت رضامندی او قدم بردارید، و ماه پر فضیلت خویش را غنیمت بشمارید.

ای مسلمانان:

الله متعال پیامبر خویش محمد ﷺ را مبعوث نموده، و به همراه او قرآن را فرستاد که با زبان عربی شیوا و روان است، و با فصاحت و بلاغتش فصیح ترین

(۱) این خطبه در روز جمعه شانزدهم رمضان، سال هزار و چهار صد و بیست در مسجد نبوی شریف ایراد شده است.

فصحاء را به حیرت واداشت، ودلیل و حجت خویش را بر آنان غالب نمود؛ لذا آنان نیز به بیان و زیبایی کلامش اعتراف کردند، ولید بن مغیره می گوید: « به خدا سوگند که قرآن زیبا و دلنشین است، و طراوت و زیبایی آن آشکار می باشد، بالای آن با ثمرنشین و پایین آن شیرین می باشد، و این گفته ی انسان نیست».

الله متعال آنرا در تاریکی های محض نور و روشنایی محض قرار داد، نشانه پشت سر نشانه:

﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾

(خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن [کتاب] به راه های سلامت رهنمون می شود) [سورة المائدة: ۱۶].

همه چیز را در بر گرفت، از علاج نفوس گرفته تا برقراری اوضاع و پیدار ی قلوب، به راستی که قرآن ریسمان مستحکم الهی، و نور آشکار اوست، پناهی است برای کسی که به آن چنگ بزند، مایه نجات است برای کسی که از آن پیروی نماید، و هر کس با زبان قرآن صحبت کند راستگوست، و هر کس با قرآن حکم بکند عدالت گر است، و هر کس که به آن عمل بکند پاداش خواهد برد، جنیان از شنیدن عجایب آن حیرت زده گشتند:

﴿قُلْ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا *

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾

(بگو به من وحی شده است که تنی چند از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند

راستی ما قرآنی شگفت آور شنیدیم * [که] به راه راست هدایت می کند پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد) [سورة الجن: ۱، ۲].

ای مسلمانان:

با تلاوت قرآن و عمل نمودن به آن منزلت و جایگاه انسان بالا خواهد رفت، ابوذر رضی الله عنه می گوید: ((به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتیم: مرا نصیحت بنمای، فرمودند: قرآن را تلاوت کن، و از ذکر الله غافل مباش، چرا که این کار برای تو نورست در زمین، و اندوخته ایست در آخرت)) [روایت ابن حبان]، و بهترین مردم کسی است که آن را یاد گرفته و به دیگران بیاموزد، أبو عبدالرحمن سلمی رحمه الله چهل سال برای کسب نمودن این برتری مشغول تعلیم و آموختن قرآن بود.

با قرآن آرامش فراگیر شده، و رحمت الهی نازل گشته، و فرشتگان هنگام تلاوت و یا مراجعه آن فرود می آیند، و کسی که در قرآن ماهر گردد، روز قیامت با فرشتگان نیک الهی همراه خواهد بود، تلاوت آن از بهترین نزدیکی ها به شمار می رود، با هر حرفی از آن نیکی ها چندین برابر خواهد گشت، و جایگاه قاری آن در روز قیامت آخرین آیه ای است که آنرا تلاوت می کند، یاد دادن آن بهتر از جمع نمودن مال و منال دنیویست؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ((چه کسی از شما دوست دارد که هر روز به بطحان برود_ یا به عقیق_، و از آن دو شتر ماده شیر دار بدون ارتکاب هیچ گناهی و یا قطع صله رحمی بیاورد، گفتیم: یا رسول الله همه ما این را می پسندیم، فرمودند: آیا کسی از شما به مسجد نمی رود تا در آن دو آیه از قرآن را می خواند و یا یاد می گیرد، این کار او بهتر از آن دو شتر است،

وسه آیه بهتر از سه شتر، چهار آیه بهتر از چهار شتر، و از تمام شتران دیگر))
[روایت مسلم]

قرآن در بالاترین درجه بلاغت و فصاحت قرار دارد، که بلغاء از فصاحت آن در عجب هستند، و در کنار آن عوام الناس و انسان های عادی نیز آن را می فهمند، کدام کتاب می تواند که عقول انسان ها در عصرهای متفاوت و مختلف در بر گیرد و جوابگوی همگان باشد، با وجود اختلاف در فهم و درک و زبان ها و مکان های شان؟! عقبه بن ربیعہ با شنیدن آن گفت: «به الله سوگند که مانند آن را هرگز نشنیده ام، و به الله سوگند که این کلام ساحر و یا شعر نیست»، و هنگامیکه مشرکان از رسول الله ﷺ معجزات ظاهری - از قبیل جاری ساختن رود خانه ها، و پایین آوردن آسمان - طلب نمودند، اینگونه جواب آنان داده شد:

﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ﴾

(آیا برای ایشان بس نیست که این کتاب را که بر آنان خوانده می شود بر تو فرو فرستادیم) [سورة العنكبوت: ۵۱].

همانا قرآن کتابی آسان و قابل فهم است:

﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾

(و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم پس آیا پندگیرنده ای هست) [سورة القمر: ۱۷].

و با این حال اگر این قرآن با زمین نازل می شد آنرا به لرزه در می آورد، و اگر بر کوه ها فرود می آمد نیز آنها را تکه تکه می گرداند.

تلاوت آن شفاست برای نفس ها از رها شدن آنان از دام شهوات،
ودوایست برای قلب ها برای رهایی از دام شبهات، وعلاجیست برای بدن ها از
شر امراض وآفات:

﴿وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

(و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می
کنیم) [سورة الإسراء: ۸۲].

ای مسلمانان: همانا بهترین کلام وگفتار کتاب الله قرآن است، وبه راستی
هر آنکس که الله متعال قلبش را با قرآن آراسته گرداند، رستگار خواهد شد،
فضیل بن عیاض رحمه الله می گوید: «حامل قرآن در سینه خویش همان حامل
اسلام می باشد، شایسته نیست با بیهوده گران بیهودگی بکند، وبا آدم های لا ابالی
همراه باشد»، وبر قاری قرآن لازم است تا خویشتن را جهت دینداری وامانت
داری با راستگویی وإخلاص ونماز تهجد آراسته گرداند.

شیرینی خوشبختی و طعم سعادت را هرگز نخواهی چشید مگر اینکه همیشه
در طاعت و بندگی پروردگار خویش باشی، وهمیشه قرآن را تلاوت نمایی، پس
بیماری گناه را با توبه ، و بیماری غفلت را با رجوع وباز گشت مداوا کن ، ودر
سختی ها به قرآن چنگ بزن؛ چرا که هر ریسمانی غیر از ریسمان قرآن پوسیده
ونابکاری است، و در این دنیا قسمتی از زندگی خویش را به قرآن اختصاص بده،
رسول الله ﷺ می فرمایند: ((خانه ای در آن قرآن خوانده شود در برابر خانه ای
که در آن خبری از تلاوت قرآن نیست به مانند انسان زنده در مقابل انسان مرده
می باشد)) [روایت مسلم].

پس زبانت را با تلاوت قرآن عطر آگین بنما، و در آیاتش غور و تفکر بکن،
و به آن چنگ بزن؛ تا در دنیا و آخرت کامیاب و سربلند گردی.

﴿كَتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾

([این] کتابی مبارک است که آن را به سویی تو نازل کرده ایم تا در [بار]ه
آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند) [سورة ص: ۲۹].

خطبه دوم

الله را بر احسان و خوبی هایش حمد و ثنا می گویم ، و او را بر توفیق و نعمت هایش شکر گذاریم و برای تجلیل از بزرگی الله شهادت می دهم که هیچ معبود بر حقی به جز الله نیست، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

اما بعد ای مسلمانان:

همانا کتاب الله بین ملت های مختلف و گوناگون همبستگی آورده و آنها را زیر پرچم اسلام تحت عنوان عقیده صحیح اسلامی با هم جمع می گرداند، و آنها را با ریسمان ایمان و دستاویز اسلام به هم متصل می گرداند، و با این کار آنها را به امتی یک دست و مستحکم تبدیل خواهد کرد، که متحد و یکدست و یک دل خواهند بود:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾

(در حقیقت مؤمنان با هم برادرند) [سورة الحجرات: ۱۰].

و با کومه کاری مسلمانان در قبال کتاب پروردگارشان: دچار ضعف شده، و برای دیگران سر ذلت و خواری پایین خواهند آورد، و در نتیجه دچار فتنه خواهند گشت، و با این کار در سرداب دشمنان گرفتار خواهند شد، و جانب دوستی و دشمنی اسلامی در میان آنان از بین خواهد رفت، بنابراین گفته های غیب گویان و کاهنان را تایید کرده، و به یافه سرایی آنان گوش فرا خواهند داد، و به اسباب چنگ زده و رب الاسباب را از یاد خواهند برد، در حالیکه او بر همه چیز چیره و تواناست، چرا که در پادشاهی او هیچ اتفاقی نخواهد افتاد مگر همان

چیزی که او بخواهد، پس شایسته است تا مسلمان به دین خویش افتخار کرده، وبه کتاب پروردگارش چنگ بزند، و در دین خدا هیچ گونه مجامله ای نداشته باشد، و هیچ توجهی به اعیاد کفار نکند، چرا که آنان بر دین باطل بوده، و در گمراهی و ضلالت به سر می برند، و اعیادی که آنان برای خویش درست کرده اند را باید شخص مسلمان با زبان و قلب خویش انکار بکند.

بر حذر باش که به دنبال کردار و اعمال آنان در اعیاد شان باشی، چرا که دیدن منکرات دینی آنها خود نوعی خلل در عقیده و گمراهی و ضلالت به شمار می رود، و نتیجه آن وارد شدن شبهات در نفوس می باشد، در حالیکه الله متعال می فرماید:

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ﴾

(بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار شد از روی حسدی که در وجودشان بود آرزو میکردند که شما را بعد از ایمانتان کافر گردانند) [سورة البقرة: ۱۰۹].

پس - ای مسلمان - شکر الهی را بر نعمت اسلام به جای بیاور؛ چرا که اسلام بزرگترین نعمت و داده ی الهیست، ایمان خویش را چنان قوی بگردان که راه حیات تو را روشن گرداند، و در دین خویش کوتاهی مکن، و از دشمنت تقلید مکن؛ رسول الله ﷺ می فرمایند: ((در میان شما دو چیز گذاشتم که اگر به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد: قرآن و سنت پیامبر تان)) [روایت مالک].

ونزد مسلمانان کتاب پروردگار شان وجود دارد، که از هر گونه تحریفی در امان می باشد، بین خیر دنیا و آخرت جمع نموده است، در آن هدایت و نور است، و همین کتاب است که سبب خروج از فتنه ها و سختی ها می باشد؛ الله جل جلاله می فرماید:

﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

(آیا برای ایشان بس نیست که این کتاب را که بر آنان خوانده می شود بر تو فرو فرستادیم در حقیقت در این [کار] برای مردمی که ایمان دارند رحمت و یادآوری است)[سورة العنكبوت: ۵۱].

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به درود و سلام فرستادن بر نبی رحمت و هدایت ، و نعمت دایم و پایدار ، محمد بن عبد الله نموده است....

بزرگی و عظمت قرآن (۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را پیشه کرده و در نهان و پنهان او را مراقب خویش قرار دهید.

ای مسلمانان پروردگار ما در اسماء و صفاتش کامل و بدون نقص است، هیچ مانند و شبیهی ندارد، صفاتش کامل ترین و برترین صفات هستند، و از صفاتش می توان به: سخن گفتن اشاره نمود؛ هر گاه بخواهد، و یا در مورد هر چیزی که بخواهد سخن می گوید، سخنانش پایانی ندارند:

﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾

(۱) این خطبه روز جمعه چهار دهم ربیع الاول، سال هزار و چهار صد و سی و هفت در مسجد نبوی ایراد شده است.

(بگو اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد قطعاً دریا پایان می یابد هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم) [سورة الکهف: ۱۰۹].

سخن او بهترین سخن بوده، و برتری سخن او بر سخنان بندگان مثل برتری خالق بر مخلوق می باشد، و نشانه های او بر بندگان پایدانی ندارند.

و از حکمت و رحمت الهی نسبت به بندگان: این است که برای آنان پیامبرانی فرستاد، بنا براین تورات وانجیل و زبور و صحف ابراهیم را فرو فرستاد، و همه این کتاب ها را با قرآن ختم نمود، چرا که از همه برتر و والاتر می باشد، الله متعال با فرستادن قرآن ذات خویش راستایش نمود:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾

(ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن ننهاد) [سورة الکهف: ۱].

و بزرگی ذات خویش را با فرو فرستادن قرآن آشکار کرده و فرمود:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾

(بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [= کتاب جدا سازنده حق از باطل] را نازل فرمود تا برای جهانیان هشداردهنده ای باشد) [سورة الفرقان: ۱].

و به قرآن سوگند یاد نموده و فرمود:

﴿يَسْ * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ﴾

(یس [یا سین] * سو گند به قرآن حکمت آموز) [سورة یس: ۱، ۲].

و قرآن از اموریست که الله متعال به آن سو گند یاد نموده است:

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْعِدِ النَّجُومِ * وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَعْلَمُونَ عَظِيمٌ﴾

﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾

(نه [چنین است که می پندارید] سو گند به جایگاه های [ویژه و فواصل

معین] ستارگان * اگر بدانید آن سو گندی سخت بزرگ است * که این [پیام] قطعا

قرآنی است ارجمند) [سورة الواقعة: ۷۷، ۷۶، ۷۵]..

و کتاب های پیشین را تایید نموده، و نگهبان و ناسخ همه ی آنها می باشد.

پیامبران پیشین قبل از نزول آن بشارت آن را داده اند:

﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾

(و [وصف] آن در کتابهای پیشین آمده است) [سورة الشعراء: ۱۹۶].

ابن کثیر رحمه الله می گوید: «ذکر این قرآن و اشاره به آن در کتب پیشین

وجود دارد»، همانگونه که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام از الله متعال خواستند

تا پیامبری بر گزینند که آنرا تلاوت نموده و آنرا به دیگران یاد دهد:

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ

وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

(پروردگارا در میان آنان فرستاده ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند زیرا که تو خود شکست ناپذیر حکیمی) [سورة البقرة: ۱۲۹].

قرآن کلام پروردگار جهانیان بوده، که عبارت از سخنان او با نطق حروف و صوت ذات ایزدی می باشد، قرآن از او شروع شده و روز قیامت به سوی او باز خواهد گشت، جبریل علیه السلام افضل ترین فرشتگان قرآن را از الله متعال شنیده و آنرا بر افضل ترین پیامبران و بر برترین قسمت بدن که همان قلب باشد، نازل کرد؛ الله سبحانه فرمود:

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ﴾

(روح الامین آن را بر دلت نازل کرد* تا از [جمله] هشداردهندگان باشی)
[سورة الشعراء: ۱۹۴، ۱۹۳].

در با شرف ترین مکان، و بهترین شب -لیله القدر- برای برترین امت، با بهترین و کامل ترین زبان.

کتابی که هیچ مثل و مانندی در کتب دیگر ندارد:

﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ﴾

(آیا برای ایشان بس نیست که این کتاب را که بر آنان خوانده می شود بر تو فرو فرستادیم) [سورة العنكبوت: ۵۱].

الله متعال با فرستادن آن بر این امت منت نهاد؛

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَبُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

(به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودن) [سورة آل عمران: ۱۶۴].

و این کتاب مایه شرف است برای رسول الله ﷺ و امت او:

﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ﴾

و به راستی که [قرآن] برای تو و برای قوم تو [مایه] تذکری است [سورة الزخرف: ۴۴].

و قرآن روح و روان این امت است چرا که زندگانی حقیقی بر آن استوار می باشد، وبا دوری از آن انسان موجودی زنده ولی بدون حیات به شمار می آید؛ همانگونه که الله متعال فرمود:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا﴾

(و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم) [سورة الشوری: ۵۲].

ایمان بنده هرگز صحیح نخواهد گشت مگر اینکه به قرآن جمله و تفصیلا

ایمان بیاورد، الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ءَ﴾
 (ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش
 فرو فرستاد) [سورة النساء: ۱۳۶].

واین کتاب در آسمانهاست:

﴿فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ * مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾
 (در صحیفه هایی ارجمند * والا و پاک شده * به دست فرشتگانی) [سورة
 عبس: ۱۵، ۱۴، ۱۳].

الله متعال آنرا قبل از فرو فرستادن محفوظ نموده و فرمود؛

﴿بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾
 (آری آن قرآنی ارجمند است * که در لوحی محفوظ است) [سورة
 البروج: ۲۲].

و آنرا هنگام فرو فرستادن از شر شیاطین مصون داشت:

﴿وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ * وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ﴾
 (و شیطانها آن را فرود نیاورده اند * و آنان را نسزد و نمی توانند [وحي
 کنند] [سورة الشعراء: ۲۱۱، ۲۱۰].

و حفظ کردن آنرا بعد از فرو فرستادنش بر عهده گرفت:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

(بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود) [سورة الحجر: ۹].

الله متعال آنرا بر نعمت های فراوانی که ذکر نموده است، مقدم کرده است؛ همانگونه که فرمود:

﴿الرَّحْمَنُ * الْقُرْآنَ﴾

([خدای] رحمان * قرآن را یاد داد) [سورة الرحمن: ۱، ۲].

الله متعال قرآن را به بندگان خویش آموخت، و فراگیری آن را در حفظ و تلاوت و عمل نمودن نیز آسان گردانید، که عربی و اعجمی، و بزرگ و کوچک، مرد و زن، و ثروتمند و فقیر، همگان قادر به آن می باشند.

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا﴾

(و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم) [سورة الشوری: ۵۲].

و اگر آن را بر کوهی نازل می کرد، از فروتنی و طاعت او فرو می پاشید.

دارای نام های فراوان و اوصاف گوناگون می باشد، الله متعال آنرا مایه ی هدایت و پند آموزی برای برای جهانیان قرار داده است، برای تمامی بشریت فرستاده شده است، همانگونه که رسالت رسول الله ﷺ برای همه ی بشریت است، پس قرآن مخصوص هیچ امتی نیست، اجزای آن مشابه همدیگر هستند، و آیاتش

همدیگر را تایید می کنند:

﴿كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مِّثْلَانِي﴾

(کتابی متشابه متضمن وعد و وعید) [سورة الزمر: ۲۳].

راست بوده و در آن هیچ گونه کجی راه ندارد، و در آن هیچگونه اختلاف و یا تناقضی وجود ندارد:

﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

(اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می یافتند) [سورة النساء: ۸۲].

قرآن بهترین و شایسته ترین کلام است:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ﴾

(خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه متضمن وعد و وعید نازل کرده است) [سورة الزمر: ۲۳].

نووی رحمه الله می گوید: «این آیه دلالت بر این دارد که قرآن از سایر سخنانی که از طرف خداوند نازل شده و یا نشده اند برتر و شایسته تر است».

الله متعال آنرا با صفت بزرگی و عظمت وصف نموده و فرمود:

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾

(و به راستی به تو سبع المثانی [=سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم) [سورة الحجر: ۸۷].

الله متعال آن را بالا مرتبه و عظیم الشان قرار داده و فرمود:

﴿وَاللَّهُ فِي أُمْرِ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾

(و همانا که آن در کتاب اصلی [=لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است) [سورة الزخرف: ۴].

لفظ و معنایش واضح و آشکار است، امور را با تمام و کمال روشن و واضح بیان می کند، الله سبحانه فرمود:

﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾

(این [قرآن] برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است) [سورة آل عمران: ۱۳۸].

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: « در این قرآن الله متعال برای ما هر علم و یا هر چیزی را که به آن نیاز داریم بیان نموده است ».

قرآن کتابی با حکمت بوده، و حکمت از آن سرشته گرفته و به آن باز خواهد گشت:

﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾

(این است آیات کتاب حکمت آموز) [سورة لقمان: ۲].

نزد الله والا مقام است، داری بالاترین و برترین صفات است، و با قرآن است که جایگاه بنده نزد الله و بندگانش بالا می رود، الله متعال فرمود:

﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ﴾

(که این [پیام] قطعا قرآنی است ارجمند) [سورة الواقعة: ۷۷].

هدایت خلق و رحمت به آنان در این کتاب نهفته است:

﴿وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

(و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است) [سورة الأعراف: ۲۰۳].

برای کسی که به آن چنگ زند، پناهیست از گمراهی؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((در میان شما کتاب خدا را گذاشتم، که اگر به آن چنگ بزنی هرگز گمراه نخواهید شد)) [روایت مسلم].

با شکوه و شرف بس بالاییست، الله متعال فرمود:

﴿قَ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ﴾

(قاف سوگند به قرآن باشکوه) [سورة ق: ۱].

چنان با عزت و ارجمند است که هیچ چیزی در عزتش با آن برابری نخواهد کرد، و هر کس به آن نزدیک شود از عزت آن بهره مند خواهد شد:

﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾

(و به راستی که آن کتابی ارجمند است) [سورة فصلت: ۴۱].

بالاست و نزدیکی به آن در مقام و منزلت مستحیل می باشد، دارای خیرات و منافع فراوانیست، که در آن انواع برکت و خیر وجود دارد:

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ﴾

(و این خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم) [سورة الأنعام: ۹۲].

هر کس آنرا تلاوت نموده، و به آن عمل کرده، و آنرا منتشر گرداند، با عزت گشته و امنیت و سر بلندی را برای او به ارمغان خواهد آورد، ابن کثیر رحمه الله می گوید: «زمان خلافت عثمان بن عفان رضی الله عنه خلافت اسلامی به مشرق و مغرب کره خاکی رسید؛ و همه این فتوحات به دلیل تلاوت دایم، و جمع نمودن، و مدارسه او در قرآن بود».

کتاب خدا نور است در زندگی که باعث دیدن نور دنیا و آخرت می گردد؛
الله سبحانه می فرماید:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾

(قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشنگر آمده است) [سورة المائدة: ۱۵].

و با قرآن اوراق زندگانی خواهند یافت:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾

(ای کسانی که ایمان آورده اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد آنان را اجابت کنید) [سورة الأنفال: ۲۴].
و به همراه زندگانی بخشیدن به ارواح عاجزست برای بیماری جسم ها،
«عقربی در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مردی را نیش زد، و با خواندن فاتحه بر او، شفا یافت» [متفق علیه].

قرآن سراسر وعظ بوده و سبب ثبات قلبی هنگام وقوع فتنه ها و سختی ها

ودشواریه‌ها می باشد:

﴿كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ﴾

([ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم) [سورة الفرقان: ۳۲]

با قرآن امت متحد خواهد گشت، و اختلافات شان از بین خواهد رفت:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾

(و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید) [سورة آل عمران: ۱۰۳].

ابن کثیر رحمه الله می گوید: «قرآن در لفظ و معنایش کامل می باشد». آیاتش محکم بوده و معانی آنها شان مفصل می باشد:

﴿كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ وَتُرُفُّصَلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾

(کتابی است که آیات آن استحکام یافته سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است) [سورة هود: ۱].

پیشینان و بعد از آنان همگان را به چالش طلبید، از انسان ها و جنیان:

﴿قُلْ لِّیْنَ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾

(بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند) [سورة الاسراء: ۸۸].

هیچ عاقلی قرآن را نشنید مگر اینکه گواهی بر حق بودن آن داده است،
جنیان با شنیدن آن به همدیگر گفتند:

﴿إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا﴾

(راستی ما قرآنی شگفت آور شنیدیم) [سورة الجن: ۱].

بهترین و با فضیلت ترین ذکر است، تلاوت آن بر ایمان می افزاید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ
آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾

(همانان که چون [نام] خدا یاد شود دلهایشان خشیت یابد و [آنان که] بر
هر چه بر سرشان آید صبر پیشه گانند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزیشان
داده ایم انفاق می کنند) [سورة الأنفال: ۲].

آیات قرآن بزرگان را به گریه در آورده است: ((ابن مسعود رضی الله عنه نزد رسول
الله صلی الله علیه و آله سوره نساء را تلاوت می کرد، و با رسیدن به آیه:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾
(پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر
آنان گواه آوریم) [سورة النساء: ۴۱].

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کفایت می کند، ابن مسعود می گوید: روی به رسول
الله صلی الله علیه و آله کردم که اشک هایش سرازیر بود)) [متفق علیه].

و ابوبکر رضی الله عنه هرگاه نماز می دادند به سختی کسانی که پشت سرش نماز
بودند صدایش را می شنیدند، چرا که او سخت گریه می کرد، و «جعفر طیار رضی الله عنه

با خواندن ابتدای سوره مریم چنان اشک نجاشی و اطرافیانش را در آورد که ریش ها و مصحف های شان خیس گردید»، والله متعال امر نمود تا مسلمانان به کفار پناه دهند تا قرآن را بشنوند:

﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾

(و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان قومی نادانند) [سورة التوبة: ۶].

و قرآن شامل کامل ترین و جامع ترین علوم و معارف می باشد، و کسانی که معانی آن را درک کرده و می فهمند به راستی که از علمای راستین هستند؛ الله سبحانه می فرماید:

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾

(بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه های کسانی است که علم [الهی] یافته اند) [سورة العنکبوت: ۴۹].

و معلم قرآن و یاد گیرنده آن بهترین مردم هستند؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((**بهترین شما کسانی هستند که قرآن را یاد داده و یا بیاموزند**)) [روایت بخاری].

راست ترین خبرها در آن بوده، و قوی ترین حجت و براهین در آن قرار دارد، و بهترین قصه ها در آن می باشند، و دارای بلیغ ترین حکمت ها، و فصاحت ترین بلاغت ها می باشد، شیخ الإسلام ابن تیمیه می گوید: «نظام قرآن و اسلوب آن عجیب و زیباست، و از جنس اسالیب کلام رایج و معروف نیست، و هرگز کسی چنین اسلوبی را نیاورده است، چرا که نه از جنس شعر است، و نه از جنس رجز

خواندن و یا سخنرانی و نامه نوشتن، و حتی ترتیب آن با ترتیب کلام بشر -عرب و عجم- متفاوت است، و اعجاز آن در معنایش بیشتر و بالاتر از اعجاز در لفظ آن می باشد».

کتاب الهیست که در احکامش شامل و کامل، و در قضاوتش عادل، و در امر و نهی خویش حکیم می باشد، دارای هیبت و جلال، و تاثیر و زیباییست، کمترین لفظ آن معجزه است، و ساده ترین دلیل آن هدایت کننده است، نشانه ای آشکار، و معجزه ای ظاهر است، هر کس به آن عمل کند پاداش خواهد گرفت، و هر کس مطابق با آن حکم نماید، حکمش عادلانه خواهد بود، و هر کس به آن چنگ بزند از تمام گزنده ها در امان خواهد ماند، و هر کس از آن پیروی کند مورد رحمت الهی قرار خواهد گرفت:

﴿فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

(از آن پیروی کنید و پرهیزگاری نمایید باشد که مورد رحمت قرار گیرید)
[سورة الأنعام: ۱۵۵].

چنگ زدن به آن و تلاوت آن وصیت رسول الله برای امتش می باشد؛ عبدالله بن اوفی از وصیت رسول الله پرسیده شد، پس گفت: ((ایشان نسبت به قرآن وصیت نمودند)) [متفق علیه]، ابن حجر رحمه الله می گوید: «منظور از وصیت کردن به کتاب همان: حفظ کردن ظاهری و معنوی آن می باشد؛ که مورد اکرام و تکریم قرار گرفته، محفوظ می ماند، و انسان پیرو همان چیزی می گردد که در آن آمده است، و بر تلاوت آن، و یاد دادن آن به دیگران، و آموختن آن همیشه پایدار بماند».

حافظ قرآن در حیات وزندگی خویش مورد اکرام قرار خواهد گرفت: اکرام در دنیا همان مصداق قول رسول الله ﷺ که فرمودند: **((امام قوم باید کسی باشد که بر قرآن مسلط است))** [روایت مسلم]، وبعد از وفات: **((رسول الله در شهدای احد دو یا سه نفر را با هم در یک کفن و قبر جای می دادند، و فرمودند: ((کدام یک از آنها بیشتر از قرآن را حفظ دارد؟ پس با اشاره به شخص مورد نظر او را در لحد قبر جلو تر قرار می دادند))** [روایت بخاری]، و بهترین یار و همراه برای انسان اهل قرآن می باشند؛

«قاریان قرآن اصحاب مجالس عمر و مشاورین او بودند».

وروز قیامت قرآن حجتی خواهد بود برای صاحبان خویش، و برای آنان شفاعت خواهد کرد، و شفاعتش نزد رب العالمین مورد قبول خواهد گرفت؛ رسول الله ﷺ فرمودند: **((قرآن را بخوانید که روز قیامت برای صاحبان خویش شفاعت خواهد کرد))** [روایت مسلم]، و صاحب قرآن در بالاترین درجات نعمت قرار دارد، **((روز قیامت به قاری قرآن گفته می شود: بخوان و بالا برو، و همانگونه که در دنیا با ترتیل می خواندی اینجا نیز همین گونه بخوان، چرا که جایگاه تو همان جایی خواهد بود که تلاوت را به پایان می رسانی))** [روایت ابو ادود].

ای مسلمانان:

خوشنودی نسبت به قرآن بزرگ و فراگیری آن از بزرگترین مقامات و درجات ایمان است، و هیچ کس از کتاب الهی بی نیاز نیست، چرا که رسول الله ﷺ عاقل ترین انسان بودند، ولی کمال عقل، ایشان را به حقیقت رهنمایی نمود، بلکه هدایت و راهنمایی او همان قرآن بود؛

﴿قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي﴾

(بگو اگر گمراه شوم فقط به زیان خود گمراه شده ام و اگر هدایت یابم [این از برکت] چیزی است که پروردگارم به سویم وحی می کند که اوست شنوای نزدیک)، [سورة سبأ: ۵۰].

و خوشبخت ترین انسان ها نزدیک ترین آنان به قرآن می باشند، و قرآن شرافت و سیادت مسلمانان بوده، و مایه پیشرفت و افتخار آنان می باشد، و برای جامعه امنیت و برکت و انس و محبت و بالا رفتن درجات را به ارمغان می آورد، و باعث رضایت پروردگار خواهد شد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُ مَوْعِظَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

(ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است)، [سورة یونس: ۵۷].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد...

خطبه دوم

الله را بر احسان و خوبی هایش حمد و ثنا می گویم ، و او را بر توفیق و نعمت هایش شکر گذاریم و برای تجلیل از بزرگی الله شهادت می دهم که هیچ معبود بر حقّی به جز الله نیست، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

اما بعد ای مسلمانان:

هر کس از قرآن پیروی کند به راه راست نایل خواهد شد، و هر کس از آن روی بر گرداند در بیابان گمراهی سرگردان خواهد گشت؛ الله متعال فرمود:

﴿اتَّبِعْ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى * وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى﴾

(هر کس از هدایت پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت * و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می کنیم) سورة طه: [۱۲۴، ۱۲۳].

راهی برای رسیدن به هدایت به جز قرآن نیست.

و هر کس قلبش از بهره بردن از آن محروم گشت، پس هرگز با غیر آن به جایی نخواهد رسید؛ الله سبحانه فرمود:

﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾

(پس به کدامین سخن پس از [قرآن] ایمان می آورند) [سورة المرسلات: ۵۰].

همانگونه که قرآن صاحب خویش را به مقام و منزلت والا می رساند، همانگونه نیز دشت خویش را رسوا و خوار می گرداند؛ رسول الله ﷺ می فرمایند: ((همانا الله متعال با این قرآن اقوامی را بالا برده، و اقوام دیگری را بر زمین می زند)) [روایت مسلم].

و کلام بی نظیر و با عظمت الهی است، هر کس یک حرف از آن را انکار کرده و یا آن را مورد مسخره قرار دهد؛ به راستی که کفر ورزیده است، همانگونه که الله متعال فرمود:

﴿قُلْ أَيْدِيَّ وَأَيْدِيَّ رَسُولِي كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ * لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾

(*عذر نیاورید شما بعد از ایمانتان کافر شده اید اگر از گروهی از شما درگذریم گروهی [دیگر] را عذاب خواهیم کرد چرا که آنان تبهکار بودند)، [سورة التوبة: ۶۶، ۶۵].

هیچ کس قرآن و اهلش را مورد تمسخر قرار نداد مگر اینکه الله متعال او را خوار و ذلیل گردانید، پس شایسته است برای مسلمان که همیشه در کنار کتاب پروردگارش بوده، و به آن افتخار کنند، تا بدین وسیله به بالاترین درجات نایل گردد.

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به درود و سلام فرستادن به فرستاده خویش نموده است....

ایمان به پیامبران

انبیاء و پیامبران (۱)

سپاس خدای یکتا و با جلال و عظمت، آن ذاتی که با صفات کمال آراسته،
واز مثل و مانند پاک و منزّه است، را سپاس می گویم او را شکر می گذاریم چنان
شکری که نعمت ها را فزونی بخشیده و از نابودی و زوال مصون می دارد.

و گواهی می دهم که هیچ معبودی به جز الله یگانه نیست، الهی که بزرگ
و والا مرتبه می باشد.

و گواهی می دهم که پیامبر ما محمد ﷺ فرستاده ی شایسته و بایسته اوست،
که صفات کمال و جمال را در وجود خویش جمع کرده است، درود خدا بر او
و یارانش و اهل بیتش باد که بهترین یار و اهل بودند، و بر هر کس که با نیکی
و خوبی پیرو آنان باشد تا روزی که همه به سوی او باز خواهند گشت.
أَمَّا بَعْدُ:

ای بندگان خدا تقوای خدا را همانگونه که شایسته اوست پیشه کنید؛ چرا
که هر کس تقوای او را پیشه کرد، او را از گزند ها محافظت نمود، و هر کس به
سوی بازگشت او را یاری داده و هدایت نمود، و هر کس شکر او را به جای آورد
او را یاری داده، و راضی خواهد کرد.

ای مسلمانان:

الله متعال پیامبران خویش را زمانی فرستاد که هر قومی در باتلاق آراء

(۱) این خطبه در روز جمعه، هفدهم ربیع الآخر، سال هزار و چهار صد و بیست در مسجد نبوی ایراد
شده است.

وافکار و اباطیل خویش غرق شده بود، پس الله به وسیله آنان بندگان را هدایت نموده، و راه های هدایت را برای آنان روشن نمود، و هیچ راهی برای رسیدن به سعادت و خوشبختی جز پیروی پیامبران وجود ندارد، و رضایت الهی نیز جز با پیروی آنان به دست نخواهد آمد.

وایمان داشتن به پیامبران اصلی از اصول شش گانه ایمان می باشد، که ما به آن به صورت مجمل و مفصل ایمان داریم.

پیامبران ترازوی عدالت و برابری را حمل نمودند، الله متعال در کتاب خویش نام بیست و پنج پیامبر و رسول را ذکر کرده است؛ ابوذر رضی الله عنه می گوید: ((ای پیامبر خدا فرستادگان الهی چند تا هستند؟ فرمودند: سیصد و خورده ای که تعداد شان زیاد است)) [روایت احمد].

قافله ای که از ابتدا تا انتهایش شامل نور و هدایت است، پیشینیان بشارت آیندگان را می دهند، و آیندگان نیز پیشینیان خویش را تأیید و تصدیق می کنند، از نظر فصاحت کلام و شیوایی سخن همگان هم مانند بودند، بر امتیان خویش رحمت و شفقت داشته و مهربان بودند، دارای نسب های والا و شریف هستند، الله متعال آنان را کامل و بی نقص و زیبا و با کمالات آفرید:

﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾

(خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد) [سورة الأنعام: ۱۲۴].

شیوه پیامبران گفتار و کردار و اخلاق نیک و صالح بوده است، و هر آنچه آنان بنا نهاده اند به عنوان ترازوی اخلاق و اعمال می باشد، آن بزرگواران دارای بهترین و پاک ترین قلوب و بیشترین علم و بالاترین سعه صدر هستند، دارای

صفات شایسته و اخلاق والا می باشند؛ و به پدر و مادر خویش نیکی می کنند، الله متعال در مورد یحیی علیه السلام می گوید:

﴿وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا﴾

(و با پدر و مادر خود نیک رفتار بود و زورگویی نافرمان نبود) [سورة مریم: ۱۴].

و راستگویی از صفات ایشان می باشد:

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا﴾

(و در این کتاب از اسماعیل یاد کن زیرا که او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود) [سورة مریم: ۵۴].

شکیا و بردبار بودند:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ حَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ﴾

(زیرا ابراهیم بردبار و نرم دل و بازگشت کننده [به سوی خدا] بود) [سورة هود: ۷۵].

سراسر وجود شان را کرم و سخاوت پوشیده بود؛ ابراهیم علیه السلام به سوی اهل خویش رفته و با گوساله ای کباب شده و چاق و چله برای سه مهمان خویش بازگشت، و مردی از رسول الله ﷺ مالی در خواست کرد، و رسول الله ﷺ گله ای از گوسفند را که بین دو کوه را پر کرده بودند به او داد، عفت و پاکدامنی از صفات برازنده آنان است:

﴿وَلَقَدْ رَاودْنَاهُ عَنْ نَفْسِهِ ۖ فَاسْتَعْصَمَ ۖ﴾

(آری من از او کام خواستم و [لی] او خود را نگاه داشت) [سورة یوسف: ۳۲].

همه ی وجود آنان سرشار از مهر و وفاء و جواب نیکی دیگران می باشد:

﴿مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي ۖ﴾

([یوسف] گفت پناه بر خدا او آقای من است به من جای نیکو داده است)،
[سورة یوسف: ۲۳].

﴿رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ ۖ﴾

(به من جای نیکو داده است) [سورة یوسف: ۲۳].

از بدکاران در گذر نموده و تجاوزگران را می بخشند:

﴿قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۖ﴾

([یوسف] گفت امروز بر شما سرزنشی نیست خدا شما را می آمرزد و او
مهربانترین مهربانان است) [سورة یوسف: ۹۲].

و رسول الله ﷺ روز فتح مکه خطاب به سردمدران قریش فرمودند: ((بروید:

که شما امروز آزاد هستید))

الله متعال آنان را با عقول کامل و فهم های ثاقب وقوی و علم وافر از دیگر
بندگان خویش جدا و متمیز نموده است:

﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَنَ ۚ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ﴾

(پس آن [داوری] را به سلیمان فهمانیدیم و به هر یک [از آن دو] حکمت و دانش عطا کردیم) [سورة الأنبياء: ۷۹].

تواضع آنان بس بالا بود؛ برترین آنان رسول الله ﷺ بودند که با دستان مبارک خویش بز خویش را می دوشیدند، و کارهای خویش را در خانه خودش انجام می دادند، و اگر کفشش پاره می شد خودشان به آن پینه می زدند.

ای مسلمانان:

درگیری بین نوح و قومش نهصد و پنجاه سال به طول انجامید، ولوط به سوی قومی فرستاد شد که راه زنی، و به رفیق خویش خیانت می کردند، و در مجالس خویش مرتکب بدترین گناهان می شدند، در حالیکه از کار خویش هیچ گونه شرم و ابایی نداشتند، و ایوب علیه السلام نمونه و عنوان صبر است؛ به انواع بیماری های مختلف مبتلا گشت، و بیماری اش چنان به طول انجامید که همراهانش از کنار او رفتند، ولی صبر و شکیبایی و شکر گذاری او بیش از پیش می شد، در جنگ احد سر مبارک رسول الله ﷺ را خون آگین کردند و دندان هایش را شکستند، و در حیات ایشان شش نفر از فرزندان شان دار فانی را وداع گفتند، قلبش غمگین شده و ناراحتی تمام وجودش را فرا گرفت، و اشک هایش سرازیر شدند، و تعدادی از پیامبران به قتل رسانده شدند: همانگونه که الله متعال فرمود:

﴿وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ﴾

(و پیامبران را بناحق می کشتند) [سورة آل عمران: ۱۱۲].

پیامبران دچار بدترین بلاها گشته ولی در کنار آن بالاترین صبر و شکیبایی

را داشتند: رسول الله ﷺ فرمودند: ((بیشترین بلاها: بر سر پیامبران می آید، سپس کسانی که به آنان از لحاظ ایمانی نزدیک و نزدیک تر باشند)) [روایت نسائی].

ای مسلمانان:

هرگاه بنده حقیقتاً بر الله توکل نموده و امورش را به او بسپارد، و از اسباب سر باز نزند؛ به راستی که پیروزی و کامیابی او از آسمان فرود خواهد آمد، ابراهیم خلیل با دستانی بسته داخل منجنیق گذاشته شد، و به سوی آتش پرتاب گردید، در حالیکه ایشان چیزی جز:

﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

(گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است) [سورة آل عمران: ۱۷۳].-

بر زبان نداشتند، و این امر باعث شد که آتش بر افروخته تبدیل به سردی و خوشی برای او گردد، رسول الله ﷺ از زیادی دشمنان و جمع شدن آنان در کنار هم ترسانده شد، ولی ایشان در جواب فرمودند: ((حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ))، پس الله اجتماع آنان را بر هم ریخته و مکرشان را باطل گردانید.

و با دعا کردن انسان ضعیف به قوت رسیده و غمگین خوشحال شده و فرج الهی فرا خواهد رسید؛ ایوب علیه السلام پرودگار خویش را ندا داده و گفت:

﴿أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾

(به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان) [سورة الأنبياء: ۸۳].

پس پروردگارش دعای او را اجابت نموده وسختی و بیماری او را از بین برد، و اهل و خانواده اش را دوباره برای او باز گرداند، و زکریا بعد از سستی و ناتوانی و نزدیکی اجلش از پروردگار خویش خواست:

﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾

(پروردگار خود را خواند پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگانی) [سورة الأنبياء: ۸۹].

پس پروردگارش ندای او را اجابت نمود، و به او یحیی را عطا فرموده، و زنش را برای او اصلاح گرداند.

ای مسلمانان:

سعادت و خوشبختی انسان با اصلاح شدن و نیکو گشتن فرزندان کامل خواهد شد؛ چرا که آنان دنباله دهنده نسب و یا همان عمر دوم انسان می باشند، و با تمام سختی ها و دشمنی هایی که پیامبران الهی از طرف دشمنان و یا اقوام خویش دیدند ولی هرگز این امور مانع آنان در باب تربیت فرزندان نمی شد، ابراهیم علیه السلام فرزندش اسماعیل را به همراه خویش برای بنای کعبه می برد، و اسماعیل نیز اهل خویش را امر به نماز و زکات می نماید، و زکریا و خانواده اش پروردگار خویش را از روی رغبت و بیم می خواندند و در برابر او فروتن بودند. ای بندگان الله:

زیادی عبادت خود دلیلی بر راست بودن رابطه بنده با الله می باشد، ابراهیم علیه السلام مطیع پروردگار بود، و داود یک روز در میان روزه می گرفت، و رسول

الله ﷻ تمام شب را در حال نماز گزاردن سپری می کردند، تا جایی که پاهای ایشان ورم می کردند.

پس بر شخص مسلمان است که بر راه آن بزرگواران قدم نهد، و به صبر آنان تاسی جوید، و خویشتن را با اخلاق زیبای آنان بیاراید؛ باشد که با این کار به قافله آن بزرگواران پیوندد:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْلِهِمْ أَقْتَدَ﴾

(اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن) [سورة الأنعام: ۹۰].

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾

(و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند) [سورة النساء: ۶۹].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد.

خطبه دوم

حمد و سپاس پروردگار را همانگونه که او می پسندد، و دوست دارد.
و شهادت می دهم که معبودی غیر از الله نیست، و او یکتا و بی همتاست،
سپاس باد او را در اول و انتهای.

و گواهی می دهم که پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، کسی که برای
هدایت و نزول رحمت برای جهانیان مبعوث گشت، درود خدا بر او و اهل
و یارانش، و هر کس که بر شیوه آنان زندگی کند، باد.
اما بعد، ای مسلمانان:

خلاصه پیام های آسمانی: دعوت دادن به عبادت الله بی همتاست، و راندن
آنچه غیر از الله می پرستیدند؛ الله عزوجل فرمود:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾

(و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که
خدایی جز من نیست پس مرا پرستید) [سورة الأنبياء: ۲۵].

پیامبران نباید از آن جایگاهی که دارند بالاتر برده شوند، و در مقابل نباید
از جایگاه آنان کاسته شود، چرا که آنان فرستادگان و بندگان الهی هستند، نباید
آنان را تکذیب نمود و یا عبادت خاصی را به آنان اختصاص داد، پس نباید آنان
را به جای خدا صدا زد، و از آنان استعانت و مدد جست، و به آنان سوگند خورد،
و برای آنان قربانی کرد، و از آنان شفاء طلبید.

هر آنچه برای بشر رخ می دهد، برای آنان نیز رخ خواهد داد؛ ابراهیم علیه السلام زمانی که مهمانان خویش را دید که از خوردن غذا سر باز می زنند، ترسید، و ((پیامبری از پیامبران خدا زیر سایه ی درختی نشست، که مورچه ای او را گاز گرفت)) [متفق علیه]، و رسول الله ﷺ در نماز خویش بعضی از آیات از یادش می رفت، و می فرمود: ((همانا من بشر هستم؛ همانگونه که شما فراموش می کنید من نیز فراموش می کنم، پس هرگاه فراموش کردم به من یاد آوری کنید)) [متفق علیه]، و آنان می خوردند و می نوشند و گرسنه می شوند، و غمگین و خوشحال می شوند، بیمار شده و می میرند، پدر انبیاء می گوید:

﴿وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي *

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي﴾

(و آن کس که او به من خوراک می دهد و سیراب می گرداند* و چون بیمار شوم او مرا درمان می بخشد* و آن کس که مرا می میراند و سپس زنده ام می گرداند) [سورة الشعراء: ۸۱، ۸۰، ۷۹].

و رسول الله ﷺ خطاب به دخترش می گوید: ((ای فاطمه دختر محمد از مال من هر چه خواهی بپرس، ولی من نزد الله قادر به انجام کاری برای تو نیستم)) [روایت بخاری]

پس تنها الله سبحانه نفع دهنده و یا ضرر رسان است، و امر و فرمان تنها از آن اوست، الله متعال فرمود:

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾

(و اگر خدا به تو زبانی برساند آن را برطرف کننده ای جز او نیست و اگر برای تو خیری بخواهد بخشش او را ردکننده ای نیست آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند و او آمرزنده مهربان است) [سورة یونس: ۱۰۷].

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به درود و سلام فرستادن بر پیامبر خویش نموده است....

حقوق رسول الله ﷺ (۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را همانگونه که شایسته اوست پیشه کنید؛ چرا که نعمت حقیقی در پیروی از قرآن و سنت نهفته است، و شقاوت و گمراهی در پیروی از هوای نفس.

ای مسلمانان:

منت های الهی بر بندگان بسیار بزرگ و عظیم هستند، و از بزرگترین نعمت های او می توان به فرستادن پیامبرانی اشاره کرد که به بندگان همه چیز را می آموختند، و به سوی یکتا پرستی دعوت می دادند، و آنان واسطه بین خدا و بندگان در امر و نهی بودند، و آنان سفیران بین خدا و بندگان هستند، الله سبحانه فرمود:

(۱) این خطبه روز جمعه، سوم ربیع الآخر، سال هزار و چهار صد و سی و شش، در مسجد نبوی شریف ایراد شده است.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

(و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگویند] خدا را پرستید و از طاغوت [=فریبگر] پرهیزید) [سورة النحل: ۳۶].

وراهی برای سعادت بندگان در دنیا و آخرت وجود ندارد مگر به وسیله پیامبران، و همچنین راهی برای معرفت خوبی از بدی به صورت مفصل وجود ندارد، مگر از طریق پیامبران، و رضایت خدا هرگز به دست نخواهد آمد مگر با واسطه پیامبران، شیخ الاسلام رحمه الله می گوید: «رسالت آسمانی برای بندگان ضروریست و چاره ای جز آن برای بندگان نیست، و نیاز آنان به رسالت از همه چیز برتر و بالاتر است، چرا که رسالت آسمانی روح و روان عالم هستی، و نور و روشنایی آن می باشد، برای زمینیان جز با وجود آثار پیامبران وجودی بر کره ی خاکی نخواهد بود، و با کهنه شدن آثار آنان و از بین رفتن آنها به طور کامل؛ الله متعال جهان هستی را کاملاً از بین برده و قیامت را برپا خواهد نمود».

وبرترین پیامبران، پیامبر ما محمد ﷺ می باشد، و شرف منزلت امت ایشان تنها به دلیل وجود او می باشد، ابن کثیر رحمه الله می گوید: «پیشی گرفتن این امت از امت های گذشته تنها به دلیل وجود پیامبرش محمد ﷺ می باشد»، و به خاطر وجود ایشان نیز صحابه اش برترین و افضل ترین صحابه بودند، و قرنی که در آن زندگی می کرد بهترین قرن بود، و به خاطر افضلیتی که خدا به او داده است، بیشترین پیروان روز قیامت پیروان او خواهند بود.

الله متعال او را از میان انسان ها برگزید، پس او آقا و سید فرزندان آدم می باشد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((هَمانا الله متعال از فرزندان اسماعیل کنانه، و از

کنانه قریش را، واز قریش بنی هاشم را، واز بنی هاشم مرا برگزید)) [روایت مسلم].

الله متعال به او چنان جایگاه والایی داد که به عمر او سوگند یاد نمود، ودر کتاب خویش او را مانند سایر پیامبران با اسم صدا نزد؛ بلکه او را با نام پیامبر و یا فرستاده خویش فرا خواند، سینه اش را گشاده، و گنااهش را بخشید، و مقامش را بالا برد، واز تمام پیامبران وعده گرفت تا به او ایمان بیاورند:

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّن كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ ۖ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي ۚ قَالُوا أَقْرَرْنَا ۚ﴾

(و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم سپس شما را فرستاده ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد البته به او ایمان بیاورید و حتما یاریش کنید آنگاه فرمود آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید گفتند آری اقرار کردیم) [سورة آل عمران: ۸۱].

ابن کثیر رحمه الله می گوید: «او امام اعظم است که در هر عصری اگر می زیست طاعتش بر همگان واجب بود، و از همه پیامبران برتر و بالا تر است؛ لذا شب معراج او بود که امام آنان گشته و برای آنان نماز خواند.»

الله متعال با او سلسله پیامبران را به پایان رسانید:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾

(محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است) [سورة الأحزاب: ۴۰].

ودین را به وسیله او کامل نمود:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

(امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم) [سورة المائدة: ۳].

الله متعال او را با معجزات و نشانه ها تایید نموده، و بهترین کتاب را بر او نازل نمود، و دینش را محفوظ داشته و وعده نصرت و یاری به ایشان داد.

ایمان داشتن به ایشان و محبت او و تصدیق کردن رسالت شان اصلی از اصول دین می باشد، گواهی دادن به رسالت او با گواهی دادن به وحدانیت و یگانگی الله متعال آمده است، الله متعال ایشان را برای عرب و عجم، و جنیان و آدمیان فرستاده و فرمود؛

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾

(بگو ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم) [سورة الأعراف: ۱۵۸].

الله متعال ایشان را رحمتی برای جهانیان قرار داد؛ که با رسالت ایشان همگان را شامل شد، و رحمت ایشان برای مؤمنین خاص است؛ الله سبحانه می فرماید:

﴿وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ﴾

(و برای کسانی که شما که ایمان آورده اند رحمتی است) [سورة التوبة: ۶۱].

هیچ خیر و نیکی را ترک نکرده مگر اینکه امت خویش را به سوی آن دعوت داد، و هیچ بدی و شری را نیست مگر اینکه امت خویش را از آن بر حذر داشت؛ همانگونه که خودشان فرمودند: ((هر خیر خوبی نزد من باشد هرگز آن را از شما دریغ نخواهم کرد)) [متفق علیه]

و هر کس به پیامبر ﷺ ایمان نیاورد و از او پیروی نکند؛ الله متعال به او وعده دوزخ را داده است؛

﴿وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا﴾

(و هر کس به خدا و پیامبر او ایمان نیاورده است [بداند که] ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده ایم) [سورة الفتح: ۱۳].

و بر اهل کتاب اتباع و پیروی او واجب است؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((سوگند به ذاتی که نفس من در دست اوست، هیچ احدی از این امت - یهودی و یا مسیحی -، در مورد من نمی شنود، سپس بدون ایمان آوردن به من می میرد؛ مگر اینکه جایگاهش دوزخ می باشد)) [روایت مسلم].

مردم چاره ای جز ایمان آوردن به او در هر مکان و زمان ندارند، در شب و یا روز، در سفر و یا در حضر، در نهان و پنهان، گروهی و یا تنهایی، شیخ الاسلام رحمه الله می گوید: «نیاز انسان ها نسبت به ایشان از نیاز به خوردن و نوشیدن بلکه از نفس کشیدن بیشتر است؛ چرا که هرگاه آنان ایمان به او را از دست بدهند،

پس آتش جهنم پاداش آنان خواهد بود.»

به وسیله رسول الله ﷺ الله متعال ما را از گناه پاک نموده، و هر آنچه را که نمی دانستیم به ما آموخت؛ الله عزوجل فرمود:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

(اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند) [سورة الجمعة: ۲].

امام شافعی رحمه الله می گوید: «پس هیچ نعمتی بر ما سرازیر نشد، چه ظاهری و یا باطنی - که به وسیله آن از دنیا و دین بهره مند گشتیم-، و یا هیچ ضرر و مکروهی را از ما زدوده و بر طرف نگشت، مگر اینکه محمد -رهنمای خیر و خوبی ها- ﷺ سبب آن بوده است».

ایمان بنده به رسول الله ﷺ جز با طاعت او حاصل نخواهد شد؛ الله متعال فرمود:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾

(هر کس از پیامبر فرمان ب رد در حقیقت خدا را فرمان برده‌و) [سورة النساء: ۸۰].

و به راستی که الله متعال در بیش از سی آیه امر به طاعت ایشان نموده اند،

و طاعت خویش را به همراه طاعت ایشان آورده است، و همچنین مخالفت خویش را با مخالفت ایشان یکسان نموده است، و هر کس از او طاعت بکند سرافراز خواهد شد:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾

(و هر کس خدا و پیامبرش را فرمان برد قطعا به رستگاری بزرگی نایل آمده است) [سورة الأحزاب: ۷۱].

بزرگترین خصلت تقوا و اکید ترین و اساس آنها: یکتا پرستی خدا، و پیروی مطلق رسول الله ﷺ میباشد؛ الله متعال فرمود:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَأَنْتَهُوا﴾

(و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بردارید) [سورة الحشر: ۷].

و سعادت و خوشبختی شخص در همین امر است و بس؛ الله متعال فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾

(ای کسانی که ایمان آورده اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد) [سورة الأنفال: ۲۴].

و فتنه یعنی همان مخالفت و سرپیچی از او، الله عزوجل فرمود:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ نُصِيبَهُمْ فِتْنَةً أَوْ نُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

(پس کسانی که از فرمان او تمرد می کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان

رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند) [سورة النور: ۶۳].

و هر کس با خدا و رسولش به دشمنی برخیزد الله متعال او را ذلیل و خوار خواهد ساخت، الله متعال فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ﴾

(در حقیقت کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی خیزند آنان در [زمره] زبونان خواهند بود) [سورة المجادلة: ۲۰].

و هر کس از سنت ایشان دوری گزیند رسول الله به او وعده برائت از او داده است؛ فرمودند: ((هر کس از سنت من دوری گزیند، از من نیست)) [متفق علیه].

و از حقوق ایشان ﷺ اینست که: الله متعال پرستش نشود مگر با شریعتی که او آورده است، نه با هوا و هوس نفسانی، و رأی هیچ احدی در مقابل سنت ایشان معتبر نیست، همانگونه که خود ایشان فرمودند: ((هر کس عملی را انجام بدهد که ما آن را انجام نداده ایم؛ پس آن عمل مردود و باطل است)) [روایت مسلم].

محبت ایشان از بزرگترین واجبات دینی می باشد، و در آن فقط مجرد دوست داشتن کافی نیست؛ بلکه باید این محبت برتر از محبت تمام مخلوقات حتی از نفس خویش بالاتر باشد؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((ایمان هیچ کدام از شما کامل نخواهد شد مگر اینکه محبت من نزد او از محبت پدر و مادر و فرزندانیش بیشتر باشد)) [متفق علیه]، و بنده شیرینی ایمان را نخواهد چشید مگر با محبت ایشان؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((سه چیز هستند که در هر شخصی وجود

داشته باشند با آنها شیرینی ایمان را خواهد چشید: کسی که خدا و رسولش از همه کس و همه چیز نزد او محبوب تر باشند، و کسی که با دیگری فقط برای رضای الله دوستی می کند، و شخصی که از باز گشت به کفر بعد از اسلام مانند رفتن به داخل آتش سوزان متنفر باشد)) [متفق علیه].

واز محبت ایشان می توان به: نصیحت کردن بر ایمان به او به آن چیزی که آورده است، و پذیرفتن سنت او، و نشر علم ایشان، و تعظیم کردن اوامرشان، و محبت به دوستان ایشان، و دشمنی با دشمنان شان؛ می باشد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((دین یعنی نصیحت، گفتند برای چه کسی؟ فرمودند: برای خدا، و کتابش، و رسولش، و ائمه مسلمین، و عامه مردم)) [روایت مسلم].

تعظیم کردن و احترام گذاشتن به ایشان از اساسیات دین می باشد، واز حکمت هایی رسالت ایشان:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ *

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَنُعَزِّرُوهُ وَنُقْضِيهِ وَتُوقِرُوهُ وَتُكْسِيهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿

(ای پیامبر ما تو را [به سم ت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم * تا به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستانید) [سورة الفتح: ۸، ۹].

حلیمی رحمه الله می گوید: «حقوق رسول الله ﷺ بالاتر، برتر، و بهتر، و واجب تر بر ما از حقوق حکام بر ممالیک و سرزمین های شان، واز حقوق فرزندان بر پدران شان است؛ چرا که الله به وسیله او ما را از آتش قیامت رهانید،

وبه وسیله او مال ها، حرمت ها، و جان ها، و فرزندان و اهل و عیال ما را محفوظ از هر گزندى در امان ماندند، و ما را به وسیله او هدایت نمود که با پیروی ایشان وارد بهشت برین خویش می گرداند».

بزرگترین انسان هایی که قدر ایشان را دانستند: صحابه ایشان می باشند؛ عروه بن مسعود رضی الله عنه می گوید: «به خدا سوگند من هرگز هیچ پادشاهی را ندیدم که همراهانش او را آنقدر مورد تعظیم قرار دهند، به گونه ای که صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله ایشان را مورد محبت و احترام قرار می دادند؛ اگر صحبت می کرد صدای شان را پایین می آوردند، و به سوی او به خاطر تعظیم کردن به خیره نمی شدند» [روایت بخاری].

بیشترین دوستی را نسبت به او صحابه اش داشتند؛ عمرو بن العاص رضی الله عنه می گوید: «هیچ کس نزد من از رسول الله صلی الله علیه و آله محبوب تر نبود، و در چشم من کسی از ایشان بالاتر نبود، و هرگز به خاطر عظمت ایشان نزد من، نتوانستم به او خیره شوم، اگر کسی از من وصف او را بخواهد نخواهم توانست؛ چرا که من هرگز نتوانستم کامل به ایشان چشم بدوزم» [روایت مسلم]

هر کس از سنت و شیوه او با خبر گردد، یا در مورد آن بشنود، در حالیکه دید عادلانه ای داشته باشد، راهی جز بزرگداشت ایشان ندارد، پادشاهان نصاری با شنیدن اسمش ایشان را مورد تعظیم و احترام قرار دادند، هر قل گفت: «اگر پیش او می بودم پاهایش را می شستم» [متفق علیه]، ابن حجر رحمه الله می گوید: «مراد از ذکر پاهای ایشان این است: که اگر او پیش رسول الله صلی الله علیه و آله می آمد چیزی جز سلامتی از او نمی طلبید، نه ولایت و نه جایگاهی، بلکه فقط از برکت ایشان برخوردار می شد».

ادب واقعی با رسول الله ﷺ: تسلیم بودن کامل در برابر او، و پذیرفتن اوامرش، و قبول نمودن و تصدیق کردن هر آنچه آورده است، و از ادب با او: هیچ وقت بر اقوال او اشکال وارد نکند، بلکه اشکال را بر آراییی که بر قول ایشان داده شده اند، وارد می گردد، و هرگز قول ایشان را با قیاس زیر سؤال نبرد، و قبول کردن اقوال ایشان را بر موافقت کسی منوط نگرداند، ابن قیم رحمه الله می گوید: «عقل در مقابل وحی، مانند عامی در مقابل مفتی عالم هستی می باشد، بلکه پایین تر از آن به گونه ای که غیر قابل تصور است».

واز بزرگترین حقوق ایشان ﷺ: همان جایگاه عبودیت و پیامبری را باید به او داد که الله عزوجل به ایشان داده است؛ پس نباید ایشان را به درجه ی ربوبیت رسانید که همانند خدا پرستش شود، و نه اینکه از منزلتش کاسته شود تا جایی که دست از پیروی اش بردارد.

ای مسلمانان:

پیامبر ما محمد ﷺ فرستاده بر حق الهیست، الله متعال او را دوست داشته و به ما امر نمود تا او را دوست بداریم، و بعثت او و رسالتش را تایید نماییم، و به ما دستور داد تا به شریعت ایشان چنگ بزنیم، و او را با عزت همراهی نموده و به ما دستور داد تا از او دفاع کنیم، کسی وارد بهشت نخواهد شد مگر اینکه به او ایمان آورده باشد، و از سنت او پیروی کرده باشد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٨﴾

(قطعاً برای شما پیامبري از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است) [سورة التوبة: ۱۲۸].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد.

خطبه دوم

الله را بر احسان و خوبی هایش حمد و ثنا می گویم ، و او را بر توفیق و نعمت هایش شکر گذاریم و برای تجلیل از بزرگی الله شهادت می دهم که هیچ معبود بر حقی به جز الله نیست، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

اما بعد ای مسلمانان:

رسالت آسمانی برای اصلاح زندگی مادی و معنوی بندگان ضروری می باشد؛ همانگونه که آخرت بنده جز با پیروی از رسالت رسول الله ﷺ اصلاح نخواهد شد، دنیای او نیز جز با این اصلاح نخواهد گشت، پس عزت و سربلندی در پیروی از الله و رسولش است، به هر اندازه انسان پیرو رسول الله ﷺ باشد به همان اندازه جایگاه او بالا خواهد رفت.

و هر کس نسبت به رسول الله ﷺ و رسالتش بغض ورزد؛ الله متعال او را خوار و ذلیل و رسوا خواهد نمود، الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾

(دشمنت خود بی تبار خواهد بود) [سورة الکوثر: ۳].

و هر امتی پیامبر و یارانش او را مورد محبت و احترام قرار می دهند، و بزرگترین شرف برای این امت دوستی پیامبر و یارانش می باشد؛ و فرد بدین وسیله سربلند و سعادتمند گشته، از سایر امت ها پیشی خواهد گرفت.

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به سلام و درود فرستادن بر پیامبر خویش فرموده است...

اجابت کردن الله متعال و رسولش ﷺ (۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را پیشه کنید که بهترین توشه تقواست؛ و بهترین عمل همان عملیست که همراه با اخلاص باشد.

ای مسلمانان:

الله متعال جن و انس را خلق نمود، و آن دو را امر به فرمانبرداری از خویش کرد، و سعادت را عاقبت طاعت گذاران قرار داد، و عبادت ذات پاک او قلعه ای محکم است که هر کس وارد آن گردد در امان خواهد بود، و از پیروزمندان خواهد گشت، عبادت خوبی محض بوده و در آن هیچ شری وجود ندارد؛ الله عزوجل فرمود:

﴿وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ﴾

(۱) این خطبه در روز جمعه، بیست و سوم ربیع الأول، سال هزار و چهار صد و سی پنج ایراد شده است.

(و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده انفاق میکردند چه زیانی برایشان داشت و خدا به [کار] آنان داناست) [سورة النساء: ۳۹].

وهر خیری که بر روی کره خاکی وجود دارد، به سبب طاعت از الله و رسولش ﷺ می باشد، وشر و درد و غم و غصه ای که سراغ بنده می آید همه به دلیل مخالفت رسول الله ﷺ می باشد؛ ابن قیم رحمه الله می گوید: «وهر کس در مورد دنیا و شرهای موجود در آن نظری بیفکند: درک خواهد کرد که سر رشته ی هر شری در عالم از مخالفت رسول الله ﷺ و خارج شدن از طاعت سرچشمه می گیرد».

و از رحمت خدا بر بندگانش اینست که: آنان را امر به اجابت کردن دستورات رسول الله نموده است؛ تا اینکه از خیرات ایزدی ذات پاکش بهره مند گردند؛ پس فرمود:

﴿اَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّن قَبْلِ اَنْ يَّاتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللّٰهِ﴾

(پیش از آنکه روزی فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد پروردگارتان را اجابت کنید) [سورة الشوری: ۴۷].

پس مؤمنان ندای الهی را اجابت نموده و رستگار شدند:

﴿اِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ اِذَا دُعُوا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اَنْ يَقُولُوْا

سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاُوْلٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

(گفتار مؤمنان وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری

کند تنها این است که می گویند شنیدیم و اطاعت کردیم اینانند که رستگارانند ([سورة النور: ۵۱].

اینگونه الله متعال قلوب آنان را زنده نموده و منزلت شان را بالا برد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^۱

(ای کسانی که ایمان آورده اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد) [سورة الأنفال: ۲۴].

هر کس به سوی طاعت پروردگارش بشتابد بیش از پیش به راه هدایت و رستگاری نزدیک خواهد شد؛ الله سبحان می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾

(و[ای] آنان که به هدایت گراییدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزگاری شان داد) [سورة محمد: ۱۷].

شیخ الاسلام رحمه الله می گوید: «هر اندازه اتباع و پیروی شخص از رسول الله ﷺ بیشتر باشد، به همان اندازه توحید او و اخلاص عمل او بیشتر خواهد شد، و به هر اندازه از آن دور باشد به همان اندازه از دیانتش کاسته خواهد شد».

هر کس ندای پروردگارش را لبیک گوید دعایش مستجاب خواهد شد؛ الله متعال می فرماید:

﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

(و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند اجابت می کند) [سورة الشوری: ۲۶].

﴿وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ﴾

(و از فضل خویش به آنان زیاده می دهد) [سورة الشوری: ۲۶].

بلکه الله متعال در عوض او را دوست داشته و بر او رحمت خویش را نازل نموده و او را وارد بهشت می گرداند:

﴿لِّلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ﴾

(برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده اند پاداش بس نیکوست) [سورة الرعد: ۱۸].

و پیامبران علیهم السلام در اعلام تسلیم بودن برای الله متعال از همه پیشه گرفتند؛ الله متعال خطاب به خلیل خویش ابراهیم علیه السلام فرمود:

﴿أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

(تسلیم شو گفت به پروردگار جهانیان تسلیم شدم) [سورة البقرة: ۱۳۱].

و او را امر به ذبح نمودن تنها فرزندش نمود، پس او را بر پیشانی انداخت تا ذبحش کند، در حالیکه فرزندش اسماعیل می گفت:

﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾

(ای پدر من آنچه را ماموری بکن ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت) [سورة الصافات: ۱۰۲].

و موسی علیه السلام برای کسب رضای پروردگارش شتابان رفت:

﴿وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ﴾

(و من اي پروردگارم به سویت شتافتم تا خشنود شوي) [سورة طه: ۸۴].

والله متعال از پیامبران خویش عهد و پیمان گرفت که اگر محمد ﷺ مبعوث شد او را نصرت و یاری نموده، و به او ایمان بیاورند، در جواب گفتند:

﴿قَالُوا أَقَرَّرْنَا﴾

(گفتند آری اقرار کردیم) [سورة آل عمران: ۸۱].

و خطاب به رسول الله ﷺ فرمودند:

﴿فَمَنْذَرٌ﴾

(برخیز و بترسان) [سورة المدثر: ۲].

پس بین مردم رفت تا آنان را به سوی توحید دعوت بدهد، و همچنین الله متعال خطاب به ایشان گفت:

﴿فُرُ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا﴾

(به پا خیز شب را مگر اندکی) [سورة المزمل: ۲].

پس ایشان تمام شب را در نماز می ایستاد تا جایی که پاهایش ورم می کرد. یاران عیسی علیه السلام دعوت او را اجابت نمودند، سپس عیسی به آنان گفت:

﴿قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ﴾

(گفت یاران من در راه خدا چه کسانی گفتند ما یاران [دین]

خداییم به خدا ایمان آورده ایم) [سورة آل عمران: ۵۲].

وجنایان همدیگر را تشویق می کردند تا دعوت الهی را اجابت نمایند:

﴿يَقُولُونَ أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ
يَعْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجْزِكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾

(ای قوم ما دعوت کننده خدا را پاسخ [مثبت] دهید و به او ایمان آورید تا [خدا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشد و از عذابی پر درد پناهتان دهد) [سورة الأحقاف: ۳۱].

وصحابه رضوان الله علیهم اجمعین افضلیت خویش را با: در کنار بودن رسول الله ﷺ و إخلاص در عمل، واجابت کردن سریع وبدون چون وچرا برای خدا و رسولش کسب نمودند، این شد که درجات شان نزد الله بالاتر رفت، به آنان دستور داده شد تا چهره های خویش را هنگام نماز خواندن از سوی بیت المقدس به سوی کعبه بر گردانند، پس آنان بدون هیچ درنگی و در حالیکه در حال نماز خواندن بودند، اینکار را انجام دادند، و اجرای امر الهی را برای نماز بعدی موکول نکردند،

رسول الله ﷺ آنان را برای صدقه دادن تشویق نمود، و آنان نیز بهترین اموال خویش را انفاق نمودند؛ عمر بن خطاب نصف مال خویش، وابوبکر کل مال خویش را در راه الله صدقه دادند، وایشان ﷺ فرمودند: ((هر کس لشکر عسره را مجهز نماید؛ بهشت از آن اوست، پس عثمان ؓ آن را مجهز نمود)) [روایت بخاری].

زمانی که گفته الهی -

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

(هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید)
[سورة آل عمران: ۹۲] - نازل شد:

پس طلحه بن زبیر برخاسته و پیش رسول الله ﷺ رفته و به ایشان گفت: ((ای رسول خدا همانا محبوب ترین مال من چاه بیرحاء است، و من آن را برای رضای الله صدقه می کنم)) [روایت بخاری].

و با یک اشاره کوتاه از رسول الله ﷺ نسبت به نماز شب، برای کودکان صحابه آنان تبدیل به نماز گذارانی گشتند که هرگز نماز شب از آنان فوت نمی شد، ایشان ﷺ خطاب به عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمودند: ((عبد الله چه فرد خوبی خواهد بود اگر نماز شب بخواند؛ بعد از آن عبد الله هیچ وقت شب را نمی خوابید مگر قسمتی کوتاه از آن را)) [متفق علیه].

أرواح خویش را برای رسول الله ﷺ فدا نمودند؛ مقداد بن اسود رضی الله عنه پیش رسول الله ﷺ آمد در حالیکه ایشان بر علیه مشرکین دعا می کرد، پس به رسول الله گفت: « ما هرگز مانند قوم موسی نخواهیم گفت:

﴿فِيهَا فَازْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾

(تو و پروردگارت برو[ید] و جنگ کنید که ما همین جا می نشینیم)
[سورة المائدة: ۲۴].

بلکه ما با تو از چپ و راست، و از عقب و جلو خواهیم جنگید، ابن مسعود

ﷺ می گوید: با این گفته مقداد چهره رسول الله را دیدم که از خوشحالی می درخشید)) [متفق علیه].

و صحابه زمانی که از رسول الله ﷺ شنیدند که از بعضی از اقوال و گفتار نهی می کند، از آن بدون پرسیدن سبب دست باز داشتند؛ در دوران جاهلیت به پدران خویش سوگند یاد می کردند و زبان های شان بر این امر عادت کرده بود، رسول الله ﷺ فرمودند: ((همانا الله متعال شما را از سوگند خوردن به پدران تان باز می دارد، پس عمر ﷺ گفت: به خدا سوگند که بعد از اینکه این خبر را از رسول الله ﷺ شنیدم هرگز این کار را نکردم، نه از خودم و نه حتی از فرد دیگری آن را نقل نمودم)) [متفق علیه].

در روز گرسنگی صحابه غذایی برای خوردن پخته بودند ولی چون رسول الله ﷺ از خوردن آن نهی کرده بود، از خوردن آن امتناع ورزیدند، در روز خیبر خوردن گوشت الاغ اهلی حلال بود، و صحابه از گوشت آن پخته بودند، ولی منادی رسول الله ﷺ نداد داد: ((همانا الله و رسولش شما را از خوردن گوشت الاغ اهلی باز می دارد؛ چرا که گوشت الاغ اهلی پلید است - و خوردن آن کاری شیطانیست، انس ﷺ می گوید: با شنیدن این خبر دیگر ها واژگون شدند، و تمام آنچه در داخل آن بود بر زمین ریخته شد)) [متفق علیه].

و شراب در ابتدای اسلام حلال بود، و با شنیدن نهی از نوشیدن آن از مردی که در کوچه ها راه می رفت، آن را بر زمین ریختند، ابونعمان ﷺ می گوید: «من ساقی شراب بودم، که ناگه حکم تحریم شراب نازل شد، پس رسول الله ﷺ منادی خویش را فرستاد تا ندا سر دهد، ابو طلحه به من گفت: برو بیرون و بین

منادی چه می گوید؟ من نیز بیرون رفته و باز به سوی آنان برگشتم که: این منادی رسول الله ﷺ است که می گوید: همانا حکم تحریم شراب نوشیدن نازل شده است، پس ابو طلحه به من گفت: برو این شراب ها را دور بریز، و به حدی شراب در کوچه های مدینه ریخته شد، که مانند آب در کوچه ها روان گشت))) [متفق علیه] و در روایتی دیگر: صحابه درباره تحریم آن از رسول الله ﷺ هرگز نپرسیدند، و بعد از اعلام کردن آن مردم دوباره درباره آن چیزی نپرسیدند)) [روایت مسلم].

و در پوشاک نیز به رسول الله ﷺ تاسی می کردند، بدون اینکه رسول الله ﷺ به آنان چیزی گفته باشد؛ ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: ((رسول الله ﷺ انگشتی از طلا برای خویش ساختند، و آنرا دست می کرد، مردم نیز با دیدن این، برای خویش انگشتی درست کردند، سپس رسول الله ﷺ بر منبر نشسته و آنرا بیرون آوردند، و فرمودند: من این انگشتی را می پوشیدم و نگین آنرا به طرف داخل قرار می دادم، سپس آنرا دور انداختند؛ و فرمودند: به خدا سوگند که این را هرگز دستم نخواهم کرد؛ مردم نیز انگشت های خویش را دور انداختند)) [متفق علیه].

ابن عمر هنگامی که از رسول الله ﷺ شنید که می گوید: ((هیچ مسلمانی حق ندارد که دو شب بخواب در حالیکه وصیت نامه خویش را در مورد آنچه می خواهد، ننوشته باشد))

ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: از روزی که از رسول الله ﷺ این خبر را شنیدم حتی یک شب بر من سپری نشد مگر اینکه وصیت نامه ام نزد من گذاشته بود)) [متفق علیه].

صحابه رضی الله عنهم جهت عمل نمودن به وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله از آنچه شایسته نبود زبان های خویش را مصون می داشتند؛ جابر رضی الله عنه می گوید: ((پیش رسول الله آمدم و به ایشان گفتم: ای رسول خدا، همانا من از اهل بادیه هستم، و در وجود من جفای اهل بادیه و خشونت آنان وجود دارد؛ پس مرا نصیحتی کن، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: **به کسی ناسزا نگو**، جابر می گوید: بعد از آن هرگز به کسی ناسزا نگفتم، حتی به بزان و شتران)) [روایت احمد].

در تمام حرکات و سکنات خویش اوامر رسول الله صلی الله علیه و آله را پیاده می کردند، در روز خیبر رسول الله صلی الله علیه و آله پرچم را به علی رضی الله عنه داده و فرمودند: ((**برو و پشت سرت را نگاه مکن**، تا اینکه الله متعال تو را پیروز گرداند، پس علی مقداری جلو رفته و توقف نمود، و بدون آنکه به پشت سر خویش نگاه بکند، با صدای بلند فریاد زد -در حالیکه صورت خویش را بر نگرداند-، و از رسول الله پرسید: ای پیامبر خدا برای چه چیزی با مردم بجنگم؟)) [روایت مسلم].

از هر آنچه از آن باز داشته شده بودند، دوری می کردند، اگر چه در انجام آن برای مسلمین مصلحتی ظاهری باشد، رسول الله صلی الله علیه و آله روز جنگ احزاب به حذیفه گفت: ((**ای حذیفه برو درباره کفار برای من خبر بیاور، و کاری نکن که آنان را بر آشفته گرداند**، وقتی پیش کفار رفت، ابوسفیان را دید -که در آن زمان رهبر مشرکین بود- که پشت خویش را با آتش گرم می کرد، حذیفه می گوید: تیری بر کمان گذاشتم تا او را مورد هدف قرار دهم، ولی یاد گفته رسول الله صلی الله علیه و آله افتادم که فرمود: آنان را بر آشفته مگردان، ولی اگر من به سوی او تیر را پرتاب می کردم او را مورد هدف قرار می گرفتم)) [روایت مسلم].

پیروی آنان از رسول الله ﷺ در اوامر و نواهی برگرفته از ایمان و یقینی راسخ بود، رافع بن خدیج می گوید: ((رسول الله ﷺ ما را از اموری نهی می کردند که برای ما ظاهراً منفعت داشت، ولی منفعت طاعت خدا و رسولش برای ما بیشتر بود)) [روایت مسلم].

وزنان مؤمنی که برای اجابت به اوامر و نواهی رسول الله ﷺ پیشه می گرفتند؛ هاجر علیها السلام بر پروردگار خویش توکل نمود، و از شوهرش فرمانبرداری می کرد، بنابراین در بیابانی بی آب و علف ماند، که در آن هیچ گونه امیدی برای زنده ماندن نبود، و به همسرش گفت: ((آیا خدا به تو دستور چنین کاری را داده است؟ ابراهیم گفت: بله، هاجر گفت: پس او پشتیبان ما خواهد بود)) [روایت بخاری].

زمانی که وجوب حجاب بر زنان صحابه نازل شد، آنان پارچه کافی برای دوختن حجاب نداشتند، پس لباس های خویش را پاره می کردند، و با آن چهره های خویش را می پوشاندند؛ عائشه ~ می گوید: «خدا مورد رحمت خویش قرار دهد زنان مهاجرین را که با نازل شدن آیه:

﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾

(باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند) [سورة النور: ۳۱].

پارچه اضافه از لباس خویش را پاره کرده و با آن حجاب می کردند» [روایت بخاری].

وبعد ای مسلمانان:

طاعت خدا و رسولش همان به تحقق پیوستن شهادتین و کمال بندگیست،

پس اگر امری از الله و رسولش به گوش تو رسید در پذیرفتن و عمل نمودن به آن درنگ مکن، و با این کار خوشحال باش چرا که تو در حال عبادت پروردگار خویش می باشی، و اگر در مورد کاری نهی آمده بود به خاطر رضایت الهی از آن دوری بکن، در حالیکه بر ضرر آن کار یقین کامل داری.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾

(و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد و از خدا بترسد و از او پروا کند آنانند که خود کامیابند) [سورة النور: ۵۲].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد...

خطبه دوم

الله را بر احسان و خوبی هایش حمد و ثنا می گویم ، و او را بر توفیق و نعمت هایش شکر گذاریم و برای تجلیل از بزرگی الله شهادت می دهم که هیچ معبود بر حقّی به جز الله نیست، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

اما بعد ای مسلمانان:

بهترین و کامل ترین زندگی از آن کسانی خواهد بود که از دیگران بیشتر کلام خدا و رسولش را استجابت نمایند، و هر کس جزئی از او فوت گردید به این معناست که قسمتی از زندگی از او فوت گردید، و هر کس اجابت الله را نکند، ناخواسته به اجابت کردن مخلوقات روی خواهد آورد، و در نتیجه الله متعال او را گمراه خواهد کرد.

الله متعال بندگان را از گناه و نافرمانی خویش بر حذر داشته است:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

(پس کسانی که از فرمان او تمرد می کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند) [سورة النور: ۶۳].

ابوبکر رضی الله عنه می گوید: «هیچ کاری را از کارهای رسول الله صلی الله علیه و آله ترک نخواهم کرد، چرا که من با ترک نمودن آن بیم دارم که به گمراهی کشیده شوم» [متفق علیه].

درنگ کردن در طاعت و تبلی و ورزیدن در ادای آن با پیروی تام از الله و رسولش متناقض است، و هر کس گفته شخصی را بر گفتار رسول الله صلی الله علیه و آله مقدم

گرداند، در زمره اطاعت کنندگان داخل نخواهد شد، و در روز قیامت ((تمام امت محمد ﷺ وارد بهشت خواهند شد مگر کسی که ابا ورزد، گفتند چه کسی ابا می ورزد؟ فرمودند: هر کس از من پیروی کند وارد بهشت خواهد شد و هر کس با من مخالفت کند، جهنم جایگاه او خواهد بود)) [روایت بخاری].

کسی که از این کار سر باز زده است، آرزو می کند تا به دنیا باز گردد و طاعت خدا و رسولش را به جای آورد، و برای رهایی یافتن از عذاب الهی حاضر است تمام آنچه در زمین است را خواهند داد:

﴿وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِبُوا لَهُ وَلَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ﴾

(کسانی که وي را اجابت نکرده اند اگر سراسر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند قطعاً آن را برای باز خرید خود خواهند) [سورة الرعد: ۱۸].

سپس بدانید که الله شما را امر به درود و سلام فرستادن بر پیامبر خویش نموده است...

ایمان به روز قیامت

علامات روز قیامت^(۱)

سپاس خدایی را که عزت دهنده طاعت کنندگان و پرهیزگاران، و خوار و رسوا کننده گنهکاران است، او را بر کرم و احسانش سپاس می گویم، و او را بر نعمت های بی شمارش شکر گذارم.

و گواهی می دهم که معبودی به جز الله نیست، ما را الهی غیر از او نبوده، و به جز او کسی را عبادت نخواهیم کرد.

و گواهی می دهم که پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، برترین پیامبران است، بار الها بر او و یارانش و هر آنکس که پیرو او باشد درود و سلام بفرست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را همانگونه که شایسته اوست پیشه کنید، و به ریسمان ناگسستگی اسلام چنگ بزنید، و بدانید که توانایی ماندن بر آتش دوزخ را ندارید.

همانا ایمان آوردن به روز قیامت و هر آنچه در آن روز از پاداش و عذاب وجود دارد یکی از ارکان و بنای عظیم الشان اسلام می باشد، الله متعال قبل از وقوع قیامت نشانه هایی نهاده است که بر نزدیکی آن دلالت دارند؛ همانگونه که فرمود:

(۱) این خطبه در روز جمعه، سیزدهم ذی القعدة، سال هزار و چهار صد و نوزده، در مسجد نبوی شریف ایراد شده است.

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ﴾

(آیا [کافران] جز این انتظار می برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرا رسد و علامات آن اینک پدید آمده است پس اگر [رستاخیز] بر آنان دررسد دیگر کجا جای اندرزشان است) [سورة محمد: ۱۸].

رسول الله ﷺ همیشه از عظمت روز قیامت می گفتند، و تنها با یاد آوری از آن چهره مبارک شان قرمز گشته، و صدایش بالا رفته و غضبش بیشتر شده، و ذکر آنرا بارها و بارها تکرار می نمودند.

صحابه رضی الله عنهم نیز موضوع قیامت را با هم مذاکره می کردند؛ حدیفه رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ پیش ما آمد در حالیکه ما در حال مذاکره روز قیامت بودیم، فرمودند: چه چیزی مذاکره می کنید؟ گفتیم: در مورد روز قیامت صحبت می کنیم)) [روایت مسلم].

چون رسول الله ﷺ زیاد از آن یاد می کردند، و نیز نشانه ها و علاماتش دلالت کننده بر نزدیکی اش فراوان گشت، لذا صحابه بر آن اهتمام بیشتری می ورزیدند. اینک، بسیاری از علامت های آن ظاهر گشته و آنچیزی که محمد مصطفی از آن خبر داده است به وقوع پیوسته است، و هر روز یقین و ایمان مؤمنان نسبت به آن بیشتر و قوی تر می گردد، در این هنگام است که با ظاهر شدن دلایل نبوت ایشان و راست بودن گفته هایش بر مسلمانان واجب می گردد تا بر دین یکتا پرستی چنگ زده، و برای سفر از این دنیا خویشتن را آماده سازند، چرا که قیامت نزدیک شده است، و علاماتش نیز آشکار گشته اند، الله متعال فرمود:

﴿اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَالنَّشَقُ الْقَمَرُ﴾

(نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه) [سورة القمر: ۱].

و با ظاهر گشتن علامات بزرگ؛ یکی پشت سر دیگری خواهد آمد، همانگونه که مهره های تسبیح که با پاره گشتن ریسمان پشت سر هم و با سرعت خواهند آمد، الله عزوجل فرمود:

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.

(و نهان آسمانها و زمین از آن خداست و کار قیامت جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیکتر [از آن] نیست زیرا خدا بر هر چیزی تواناست) [سورة النحل: ۷۷].

رسول الله ﷺ می فرماید: ((هر کدام از آنها قبل از دیگری بیاید، دومی نیز به دنبالش خواهد بود)) [روایت مسلم]، و در مسند امام احمد آمده است: ((علامات قیامت مانند دانه هایی تسبیح در نخ می باشند، که هر گاه این نخ قطع گردد، همه پشت سر هم خواهند آمد)).

ای مسلمانان:

از علامات قیامت: مبعوث شدن محمد مصطفی ﷺ می باشد؛ از او ﷺ ثابت است که می گوید: ((من و قیامت با هم مبعوث شدیم و نزدیک بود او از من پیشه گیرد)) [روایت احمد].

از این علامات: ظاهر شدن فتنه های بس بزرگ که در آن باطل لباس حق را بر تن می کند، و ایمان ها متزلزل گشته، تا جایی که مرد بر قبر گذر کرده، و خویشان را بر خاک قبر می مالد، و می گوید: ای کاش من به جای صاحب این

قبر بودم، ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: «بر مردم زمانه ای خواهد آمد که اگر کسی از آن مرگ را در حال فروش ببیند آن را خواهد خرید»، رسول الله صلی الله علیه و آله می گوید: ((قبل از وقوع قیامت فتنه هایی خواهد آمد که مانند شب تاریک سیاه و ترسناک می باشند، که شخص به سبب آنها، صبح مؤمن و شب کافر می گردد، و یا شب مؤمن و صبح کافر می گردد)) [روایت احمد].

و نهایت این امت گرفتار بلا خواهد شد؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ((این امت شما عافیت و سلامتش در ابتدای آن قرار داده شد، و نهایتش گرفتار بلاهایی خواهد شد که شما از آنها متنفر خواهید بود، فتنه ها پشت سر هم آمده، که شخص مؤمن با دین هر کدام از آنها می گوید: این همان هلاک و نابودی من است، سپس آن فتنه از بین می رود و دیگری به دنبالش خواهد آمد باز انسان مؤمن می گوید: همین، همین سبب هلاک من است، پس هر کس دوست دارد که وارد بهشت گشته و از دوزخ رهایی یابد، در حالی بمیرد که به الله و روز قیامت ایمان دارد)) [روایت مسلم].

ای مسلمانان:

از علامات قیامت: زیادی زلزله ، و به وقوع پیوستن خسف (شکافته شدن زمین) در مشرق و دیگری در مغرب، و دیگری در جزیره العرب خواهد بود، از علامات آن: صحبت کردن حیوانات وحشی، مرد به شلاق و یا تسمه کفش خویش صحبت می کند، ران پایش او را از آنچه که خانواده اش بعد از او انجام داده اند، با خبر می سازد، به وقت ضحی حیوانی بیرون خواهد آمد که با مردم سخن می گوید: که همانا مردم به علامات الهی یقین نداشتند.

و زمانه خیلی سریع می گذرد، سال به مانند ماه، و ماه به مانند هفته، و هفته به مانند روز، و روز به مانند ساعت، و ساعت به مانند آتش زدن خوشه خرما خواهد

بود، با نزدیکی قیامت تعداد زنان بیشتر گشته و مردان کمتر خواهند شد، تا جایی که سرپرست پنجاه زن فقط یک مرد خواهد بود، و یا جوج و ماجوج بیرون خواهند آمد، در صحیحین از زینب بنت جحش ~ روایت است که رسول الله ﷺ روزی پیش او آمدند در حالیکه نگران و پریشان خاطر بوده و فرمودند: ((لا اله الا الله، وای بر عرب، از شری که نزدیک شده است، و دو انگشت خویش را به صورت دایره در آورده و فرمودند: امروز به این اندازه از سد یا جوج و ماجوج باز شده است)) [متفق علیه].

با نزدیکی قیامت علم کمتر شده و جهل و نادانی فراگیر خواهد شد، تا جایی که مردم فرایض اسلام را از یاد خواهند برد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((اسلام همانند لباس نو کهنه خواهد شد، حتی خبری از روزه و صدقه و حج نخواهد بود، و شبانه کتاب الهی بالا برده خواهد شد، تا جایی که حتی یک آیه از آن بر روی زمین نخواهد ماند، و تعدادی از مردم - پیرمردان و پیر زنان - خواهند ماند که می گویند: پدران مان را دریافتیم که این کلمه - لا اله الا الله - را می خواندند؛ بنابراین ما نیز آنرا می خوانیم)) [روایت حاکم].

منهیات به باد سخره گرفته خواهد شد، و نوشیدن شراب رایج خواهد گشت، و زنا فراوان خواهد شد، بخیلی بر قلوب چنبر خواهد زد، و قتل و غارت زیاد خواهد گشت، ((تا جایی زمانه ای خواهد رسید که حتی خود قاتل نمی داند چرا کشت، و مقتول نمی داند چرا کشته شد، پرسیدند: چگونه این اتفاق خواهد افتاد؟ فرمودند: هرج و مرج؛ قاتل و مقتول هر دو در آتش خواهند بود)) [روایت مسلم].

و بشر بیشتر شیفته دنیا خواهد گشت؛ ساختمان های آسمان خراش بنا می کنند، و از دین الله روی گردان می شوند، شرک در این امت بروز خواهد کرد

که قبایلی گرفتار آن خواهند شد؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((قیامت بر پا نخواهد شد تا اینکه قبیله هایی از امت من به مشرکین پیوندند، و قبیله هایی دیگر بت ها را پرستش بکنند)) [روایت احمد].

هرگاه امت اسلام از دینش دوری گرفته و آیینش را گم کرده و شریعتش را انکار کند، گمراه گشته و هدایت را از راهی غیر از اسلام خواهد جست؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((قیامت بر پا نخواهد شد مگر اینکه امت من شیوه گذشگان را وجب به وجب اجرا بکنند)) [روایت بخاری].

در آن حيله گری و دروغگویی فروان خواهد گشت، تا جایی که نزدیک به سی دجال دروغگو خواهند آمد، و همه ادعای نبوت خواهند کرد.

صفات پسندیده از بنی بشر رخت بر خواهد بست، به ندرت می توان شخص امانت داری یافت؛ ((گفته می شود که در بین فرزندان فلانی مردی امین وجود دارد، و به مرد گفته می شود: چقدر عاقل، وزیرک و داناست، در حالیکه در قلبش به اندازه سر سوزنی ایمان وجود ندارد)) [متفق علیه].

و از گم شدن امانت: سپردن امور به انسان های ناشایست است.

و ((قیامت برپا نخواهد شد تا زمانی که مدینه اشرا و بدان را از داخل خویش براند، همانگونه که آتش پلیدی آهن را می زداید))، و مدینه منوره رها کرده می شود در حالیکه آباد و سرسبز است ((دارای خیرات می گردد، در آن چیزی جز حیوانات درنده و پرندگان نخواهد بود، سپس دو چوپان از قبیله مزنی نیت رفتن به مدینه را می کنند، با گوسفندان خویش وارد آن می شوند، در حالیکه مدینه را ویرانه ای بیش نخواهند یافت، که در آن کسی نیست، و با رسیدن به بلندای تپه وداع می اجل شان فرا می رسد)) [متفق علیه].

ای مسلمانان:

از روز خلقت آدم تا برپایی قیامت شری بدتر و فتنه ای بزرگتر از فتنه دجال وجود نداشته است، و هیچ پیامبری نیست مگر اینکه امت خویش را از آن بر حذر داشته است، رسول الله در هر نماز از شر آن پناه می جست، و ایشان برای صحابه بسیار در مورد آن می گفتند، نواس بن سمعان رضی الله عنه می گوید: ((تا جایی که گمان بردیم که او در بین نخل هاست، پس پیش رسول الله صلی الله علیه و آله نرفتیم، ایشان نیز در ک نمودن و از ما پرسیدند: شما را چه شده است؟ گفتیم: ای رسول خدا آنقدر از دجال گفتید که گمان بردیم در بین نخل هاست، فرمودند: ((چیزی غیر از دجال در بین شما برای من ترسناک تر است، اگر بیاید و من بین شما هستم خودم جوابگوی او خواهم بود، ولی اگر بیاید و من در بین شما نباشم پس هر کس خودش جوابگوی او خواهد بود، والله خلیفه من بر هر مسلمان است)) [روایت مسلم].

و دجال در هنگام کمرنگی دین و از بین رفتن علم از جهت مشرق زمین ظهور خواهد کرد، و بر روی کره خاکی دور خواهد زد، هیچ شهری نیست که وارد آن نشود مگر مکه و مدینه؛ چرا که الله متعال دخول آن دو را بر او حرام گردانیده است، هرگاه قصد وارد شدن در آن دو را بکند در ورودی آن فرشته ای را با شمشیر بران از غلاف کشیده خواهد دید، در هر دری از دروازه های آن فرشتگانی وجود دارند که او را از ورود به آن باز می دارند، مدینه سه لریزه خواهد داشت که با آن هرچه منافق و کافر است از آن بیرون رانده خواهند شد، دجال در مکانی به نام سبخه در منطقه جرف فرود می آید، و بیشترین استقبال کنندگان او زنان خواهند بود، تا جایی که مرد به سوی مادر و خواهر وزن خویش رفته و آنان را محکم می بندد تا به او نپیوندند.

ای مسلمانان:

همانا فتنه دجال بس بزرگ است، به همراه خویش دو رود خانه دارد که در حال جریان هستند: یکی در ظاهر دیدن آبی سفید، و دیگری نیز آتشی بر افروخته است، رسول الله ﷺ فرمودند: ((اگر کسی آن دو را درک کرد رودی را انتخاب بکند که ظاهرش آتش است، و چشم هایش را ببندد، سپس سرش را پایین آورده و از آن بنوشد، چرا که در باطن آبی سرد وزلال است))، [روایت مسلم]، ولی در ظاهر مردم آن را آتشی سوزان می بینند.

الله متعال بندگان خویش را به وسیله دجال با امور خارق العاده ای که به او عطا می کند مورد امتحان قرار می دهد؛ الله متعال به او توانایی افعالی را خواهد داد که فقط ذات او قادر به انجام آنان می باشد؛ مثل زنده کردن مرده بعد از اینکه او را می کشد، و با ظاهر کردن زیبایی دنیا و بهشت و دوزخ آن به همراه دو رودخانه ای که همیشه با او خواهند بود، و همچنین مالکیت تمام کنوز دنیا، دستور دادن او به آسمان برای باریدن و به زمین برای رویاندن، و هر کس دعوت او را اجابت نکند سرزمینش دچار قحطی و خشکسالی و مردن چهار پایان و از بین رفتن مال و اموال و دارایی ها خواهد شد، همه این امور با قدرت و خواسته الله متعال رخ می دهد، سپس الله متعال او را از زنده گرداندن مردگان باز می دارد.

الله متعال بندگان خویش را در آخر زمان به آن مبتلا می گرداند؛ که با آن بسیاری از انسان ها گمراه شده، و بسیاری دیگر راه هدایت را پیش خواهند گرفت، کسانی که در دین شک دارند گمراه تر خواهند شد، و اما به ایمان مؤمنین افزوده خواهد گشت، ماندگاری او در زمین: چهل روز بیش نیست، که روز اول آن مانند یک سال، و روز دوم مانند یک ماه، و روز سوم مانند یک هفته، و بقیه روزهایش مانند سایر روزهاست، و دور زدن آن بر کره خاکی به مانند سرعت بارانی خواهد

بود که با تند باد همراه باشد.

واما صفات او: جوانی چهار شانه قرمز رنگ، با پیشانی بزرگ، و سینه ای بزرگ، همراه با انحاء، موی سرش مجعد و زیاد است، یکی از چشم هایش کور می باشد، فرزندی هم ندارد، تمیم داری ﷺ در وصف او می گوید: «از نظر تنومندی وعظمت بزرگترین انسانی بود که در حیات خویش دیده بودیم»، رسول الله ﷺ فرمودند: **((بین دو چشم او نوشته است: کافر، هر مؤمنی آن را خواهند خواند))** [روایت مسلم].

امام سفارینی می گوید: «شایسته است برای هر عالمی که احادیث دجال را میان کودکان و زنان و مردان منتشر نماید، به خصوص در این زمان، زمانی که فتنه ها و مصیبت ها سرتاسر وجود را فرا گرفته است».

همانا پناه از دجال با چنگ زدن به اسلام و مسلح شدن به ایمان، ویاد گرفتن اُسماء وصفات الهی در پرتو قرآن و سنت خواهد بود.

پس مسیح دجال انسانی مانند سایر انسان هاست، می خورد و می نوشد، در حالیکه الله متعال از این اُمور پاک و منزّه می باشد، و دجال اعور است ولی الله متعال از این صفت پاک و منزّه است، و کسی الله را قبل از مردنش نخواهند دید، ولی دجال را همگان از مومن و یا کافر خواهند دید.

پس از فتنه دجال همیشه پناه بجوئید، و هر کس از شما دچار این فتنه گشت پس آیات ابتدایی سوره کهف را بخواند، رسول الله ﷺ فرمودند: **((هر کس ده آیه از ابتدای سوره کهف را حفظ کند از شر فتنه دجال در امان خواهد بود))** [روایت مسلم]، و در لفظی دیگر: **((آیات پایانی سوره کهف))** [روایت ابو داود]، اگر شنیدی که دجال آمده است، از آن دوری گزین و به سراغش مرو؛ چرا که شخص خویشتن را با ملاقات او مؤمن می پندارد ولی دجال او را گرفتار شهوات

نفسانی خواهد کرد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾

(برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی خبری

رویگردانند) [سورة الأنبياء: ۱].

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده و از او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، و از او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

و گواهی می دهم که پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، برترین ذکر کنندگان و امام شکرگذاران، درود و سلام الله بر او و خاندان و یارانش و پیروانش باد.

اما بعد ای مسلمانان:

با خروج دجال در آخر زمان پیروانش زیاد شده و فتنه اش همه عالم را فرا خواهد گرفت، و جز اندکی از مومنان از فتنه او نجات نخواهند یافت، و در همین اثناء عیسی بن مریم در شرق دمشق کنار مناره سفید از آسمان فرود خواهد آمد، و مؤمنان آنجا همدیگر را ملاقات خواهند نمود؛ پس به همراه آنان برای ملاقات مسیح دجال خواهند رفت، در همین هنگام دجال نیز قصد رفتن به بیت المقدس را خواهد کرد، پس با عیسی علیه السلام در فلسطین کنار دروازه لد با هم رو برو خواهند شد، و دجال با دیدن عیسی علیه السلام مانند نمک در آب ذوب خواهد گشت، سپس عیسی به او می گوید: من باید تو را بکشم و این فرصت را از دست نخواهم داد، پس ایشان به دنبال دجال رفته و او را با نیزه خویش به قتل می رساند، بنابر این پیروان او شکست خورده، و با قتل دجال فتنه او از بین خواهد رفت،

و آینده و گذشته همه از آن خداست.

ای بندگان خدا:

در زمان عیسی بعد از به قتل رساندن دجال امن و خوشی و فراوانی نعمت همه جا را فرا خواهد گرفت، الله متعال بارانی را از آسمان فرو خواهد فرستاد که هیچ نقطه ای از کره خاکی از آن محروم نخواهد ماند، و به زمین گفته می شود: برکت و خیرات خویش را دوباره برویان، پس در این هنگام مردم انار خورده و در زیر سایه درخت آن استراحت می کنند، و در شیر برکت افکنده خواهد شد، تا جایی که یک شتر شیر دهنده برای گردان هایی از مردم کافی خواهد بود، و یک گوسفند شیر دهنده برای یک جمع از مردم کافی خواهد بود، امن و امان کره خاکی را فرا خواهد گرفت، تا جایی که شیران با شتران، و پلنگان با گاو ها، و گرگان با گوسفندان، در یک چرا گاه می چرند، و کودکان با مارها بازی خواهند کرد.

بعد از هفت سال ماندن عیسی علیه السلام در زمین الله متعال بادی سرد را از جهت شام به وزیدن در خواهد آورد، و بر کره خاکی هیچ مؤمنی که در قلبش ذره ای از ایمان باشد، نخواهد ماند مگر اینکه روح او را قبض خواهد کرد.

وقیامت بر پا خواهد شد، بر روی زمین کسی نخواهد ماند که الله الله بگوید، و خورشید در این روز از مغرب طلوع خواهد کرد، با دیدن این منظر مهیب همه ایمان خواهند آورد؛ ((وآن هنگام

﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾

(کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد) [سورة الأنعام: ۱۵۸].

و بر قلب ها با آنچه در آن وجود دارد مهر زده خواهد شد، و مردم از عمل کردن باز داشته خواهند شد.

و آخرین علامت بزرگ قیامت و اولین بانگ نزدیکی برپایی قیامت: آتشی بزرگ است که از سمت یمن بیرون خواهد آمد، که مردم را به سوی میدان محشر سوق می دهد، و هر آنجا روند با آنان خواهد رفت، چه در صبح گاهان و یا شامگاهان، و سحر گاهان.

وبعد، ای مسلمان:

و عده الهی حق است، و قیامت بدون تردید خواهد آمد، و دنیا رو به فناست، و به پایان خویش نزدیک شده است، قیامت نزدیک گشته، هر کس از نفس خویش غافل ماند به راستی که روزهای عمرش رو به پایان بوده، و در نهایت پشیمانی سراسر وجودش را فرا خواهد گرفت، چرا که اعمال برچیده و عمرها تمام خواهد شد، و هر کس آرزوی دور و دراز کند از عمل غافل خواهد ماند، و اجل خویش را از یاد خواهد برد، در حالیکه هر صبح گاه چراغ اجل دوباره روشنایی خویش را بر تو می افکند، پس خوشبخت کسی است که آمادگی کامل گرفته و برای سفر خویشتن را مهیا کرده است، بعضی از حکیمان می گویند: «در تعجبم از کسی که از کمبودی مال خویش نگران شده ولی کمبودی و تمام شدن عمرش برای او اصلاً مهم نیست».

در عبادت کردن تلاش نموده، وبر گناهان خویش گریه بکن، واز عذاب الهی خویشتن را نجات بده؛ چرا که موفق کسی خواهد بود که آرزوی خویش را در آن چیزی قرار خواهد داد که ماندگار خواهد بود، هنگامیکه ابن سیرین در بستر مرگ خوابیده بود، به گریه افتاد، «پرسیدند چه چیزی تو را به گریه در آورد؟ گفت: بر کوتاهی عمل خویش در عمر از دست رفته، و عمل ناچیزم برای رسیدن به بهشت برین گریه می کنم».

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به سلام ودرود فرستادن بر بشارت دهنده وبین دهنده وچراغ روشن هدایت نموده است....

مسیح دجال (۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای خدا را آنگونه که شایسته اوست پیشه کنید، چرا که تقوا پیشگان را هدایت نموده و هر آنکس که به او پناه ببرد محافظت خواهد نمود. ای مسلمانان:

الله متعال این امت را آخرین امت قرار داد، که در آن علامات قیامت پدیدار خواهند گشت، و به دنبال آن نیز قیامت بر پا خواهد شد، والله متعال از نزدیکی قیامت خبر داده است:

﴿أَقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾

(۱) این خطبه در روز جمعه، دهم محرم، سال هزار و سیصد و سی و پنج در مسجد نبوی شریف

ایراد شده است.

(برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی خبری رویگردانند) [سورة الأنبياء: ۱].

((رسول الله ﷺ با یاد قیامت چشمان شان قرمز گشته و صدایش بالا رفته، و چنان خشمگین می شدند که گویا سردمدار لشکر جنگ به سربازان خویش: خوش آمد گویی صبحگاه و شامگاه می گوید)) [روایت مسلم]، مشرکین بارها و بارها از بر پایی قیامت پرسیدند، در جواب الله متعال به ایشان گفت:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجِيبُهَا لَوْفَتَهَا إِلَّا هُوَ﴾

(از تو در باره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است بگو علم آن تنها نزد پروردگار من است جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند) [سورة الأعراف: ۱۸۷].

و از رحمت الله نسبت به بندگانش اینست که: برای بر پایی قیامت قبل از آن علامات‌ی نهاد؛ تا اینکه مردم با دیدن آن به سوی پروردگار خویش رجوع بکنند، همانگونه که از نشانه های نزدیکی آن خبر داد:

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾

(آیا [کافران] جز این انتظار می برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرا رسد و علامات آن اینک پدید آمده است) [سورة محمد: ۱۸].

و هر گاه علامات بزرگ قیامت شروع به ظهور کند، پس همه پشت سر هم و متوالی خواهند آمد.

امری بس بزرگ است که الله متعال آنرا یکی از علامات قیامت قرار داده است، و هیچ پیامبری نیست مگر اینکه امت خویش را از آن بر حذر داشته است، رسول الله ﷺ فرمودند: **((هیچ پیامبری را الله متعال مبعوث نکرد مگر اینکه قوم خویش را از شر دجال بر حذر داشت؛ نوح و تمام پیامبران بعد از او از دجال بر حذر می داشتند))** [روایت بخاری]، و رسول الله ﷺ در نماز خویش از شر آن پناه می جستند، و به صحابه چگونگی پناه خواستن از آن را مانند خواندن سوره های قرآن یاد می دادند، صحابه خویش را همیشه از نزدیکی ظهور او بر حذر می داشتند، نواس بن سمعان رضی الله عنه می گوید: **((تا جایی که فکر می کردم که در نخلستان اطراف مدینه باشد))** [روایت مسلم].

وسلف و گذشتگان این امت نیز دایما توصیه می کردند که در مورد آن هر از گاهی یاد آوری گردد، امام سفارینی رحمه الله می گوید: «شایسته است برای هر عالمی که احادیث دجال را میان کودکان و زنان و مردان منتشر نماید، به خصوص در این زمان، زمانی که فتنه ها و مصیبت ها سرتاسر وجود را فرا گرفته است».

و دجال هم اکنون زنده و در یکی از جزیره ها در وسط دریاها زندگی می کند، با زنجیر هایی قوی بسته شده است، دستانش پشت گردنش از زانو ها تا قوزک پاهایش با آهن بسته شده است، و خروج آن نزدیک می باشد؛ خودش می گوید: «وهمانا وقت خروج من نزدیک می باشد». [روایت مسلم].

و از علامت های خروجش این است: که دیگر نخلستان بیسان - شهری بین حوران و فلسطین می باشد - دیگر به ثمر نشیند، یا قوت حموی رحمه الله می

گوید: «این شهر را من بارها دیده ام، و در آن غیز از دو نخل بی ثمر چیزی دیگر مشاهده نکردم».

واز علاماتش نیز: خشک شدن آب دریاچه طبریه است، و آبش الآن کم شده است، و در حال خشک شدن است.

واز علامات آن: خشک شدن آب چشمه زُغَرَ - شهری در شام است - و عدم استفاده مردم شهر از آب آن برای کشاورزی می باشد.

و اولین ظهور آن از محله ای در اصفهان در سرزمین خراسان می باشد، که هفتاد هزار یهودی او را همراهی خواهند کرد، دارای نگهبانان و حراس می باشد.

جوانی قرمز رنگ، چهار شانه تنومند، دارای پیشانی بزرگ، و موهایی مجعد و پر پشت می باشد، یکی از چشم هایش مانند دانه انگوری خشک شده می باشد، -یعنی کوری آن آشکار است- تمیم داری (علیه السلام) در مورد آن می گوید: «بزرگترین انسانی است که در طول حیات خویش دیدیم»، و به راستی که او بزرگترین مخلوق در این دنیا است؛ رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: **((از زمان آفرینش آدم تا روز قیامت مخلوقی بزرگتر از دجال نخواهد آمد))** [روایت مسلم].

و رسول الله (صلی الله علیه و آله) صفاتش را برای مردم بیان نمودند، تا اینکه مردم او را بشناسند، و بدانند که او دجال است و نه رب العالمین؛ چرا که دجال در این امت ظهور خواهد کرد، و رسول الله (صلی الله علیه و آله) صفتی از صفاتش را برای ما بیان کرد، که پیامبران قبل از ایشان بیان نکرده بودند؛ ایشان (علیهم السلام) می فرمایند: **((در مورد آن به شما چیزی خواهم گفت که هیچ پیامبری به امت خویش نگفته است؛ همانا یکی**

از چشم های او کور می باشد، والله متعال از این عیب پاک و منزه است)) [روایت بخاری].

و خروج دجال در حال کمرنگ شدن دین و از بین رفتن علم می باشد؛ تا بدین وسیله کافر از مومن و مسلمان از منافق جدا گردند، چرا که او ادعای ربوبیت خواهد کرد، و بندگان به امور خارق العاده ای که دارد گرفتار فتنه او خواهند شد.

واز فتنه هایش این است که: شخص را کشته و دوباره -به امر الله- زنده می گرداند، و دیگری را با شمشیر به دو قسمت تقسیم نموده، و دوباره به او ندا خواهد داد که با آن شخص به حالت قبلی خویش با چهره ای خندان باز خواهد گشت، شخصی را با اره از وسط سرش تا میان دو پایش خواهد برید، و دوباره آن دو قسمت را با ندا دادن به هم خواهد چسباند، و دیگری را به همراه تمام دارایی اش به آتش خواهد انداخت، در ظاهر او را داخل آتش انداخته است، ولی در باطن او را داخل باغ پرتاب نموده است، -چرا که جنت او آتش و آتش او جنت است-.

و به همراه او دو رودخانه در حال جریان هستند، یکی از آنها: در ظاهر امر آبی سفید رنگ است، و دیگری آتشی شعله ور، رسول الله ﷺ فرمودند: ((اگر کسی از شما او را دریافت، پس چشم هایش را بسته و از آبی که در ظاهر آتش است بنوشد، چرا که آن رود خلاف ظاهر آبی سرد و زلال است)) [روایت مسلم].

واز اسباب پناه جستن از او: فراگیری علم شرعی و یاد گرفتن اسماء و صفات الهی می باشد، چرا که دجال اعور (یک چشم اش نابینا بوده) و پروردگار ما سبحانه و تعالی اعور نیست، و کسی الله متعال را در دنیا نخواهد دید، در حالیکه دجال را همه مشاهده خواهند کرد، و بین دو چشم دجال نوشته است کافر، که

همه از سواد دار و بی سواد آنها خواهد خواند، شیخ الاسلام می گوید: «برای انسان مومن اموری هنگام وقوع فتنه ها آشکار و ظاهر خواهد شد که برای دیگران این امر رخ نخواهد داد».

و فرار از فتنه ها و دوری جستن از آنها - باذن الله - پناهیست از شر آنها؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((هر کس در مورد ظهور دجال با خبر گشت پس از او دوری گزیند، به خدا سوگند مرد خویشتن را مومن پنداشته و پیش او می رود؛ ولی با شبهاتی که برای او مطرح می کند، او را گرفتار خویش کرده و در نتیجه شخص از او پیروی خواهد کرد)) [روایت ابو داود].

و چنگ زدن به دین راه نجات از شر دجال می باشد؛ چرا که پیروان او مومن نیستند، وزیادی دعا و پناه جستن از او امانی خواهد از شرش؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((هرگاه یکی از شما به تشهد نشست - یعنی در نماز - از چهار چیز به الله متعال پناه جوید: بار الها از عذاب جهنم، و عذاب قبر، و فتنه حیات و موت، و فتنه مسیح دجال به تو پناه می برم)) [روایت مسلم]، و طاووس رحمه الله فرزندش را به اعاده کرده نماز امر می نمود اگر این دعاء را در نمازش نمی خواند.

و قرآن کریم اساس محفوظ ماندن از فتنه هاست، و هر کس از ظهور دجال با خبر گشت در حالیکه ده آیه از آیات سوره کهف را حفظ کرده است؛ از شر او - باذن الله - در امان خواهد بود، و هر کس او را دید باید آیه های ابتدای سوره کهف را بخواند، رسول الله ﷺ فرمودند: ((هر کس از شما او را مشاهده کرد آیات ابتدایی سوره کهف را بخواند)) [روایت مسلم].

و با زیاد شدن پیروانش و فرا گیر شدن فتنه اش عیسی علیه السلام از آسمان

بر مناره شرقی دمشق فرود خواهد آمد، و بندگان دور و بر او جمع خواهند گشت، و عیسی به دنبال مسیح می رود در حالیکه او متوجه بیت المقدس است، و در کنار دروازه لد با او روبرو خواهد گشت، و دجال با دیدن او مانند نمک در آب ذوب می گردد، و عیسی علیه السلام او را با ضربه ی نیزه به قتل می رساند.

ای مسلمانان:

و عده الهی حق است، و قیامت بدون تردید خواهد آمد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((قیامت در حالی برپا خواهد گشت که مرد در حال دوشیدن شتر می باشد، کاسه شیر به دهان او نخواهد رسید که قیامت برپا خواهد شد، دو مرد در حال خرید و فروش پارچه هستند، که قبل از تمام شدن معامله آن دو قیامت برپا خواهد شد، و دیگری در حوض آب فرو می رود و قبل از بیرون آمدنش قیامت برپا خواهد شد)) [روایت مسلم].

و انسان مسلمان در انجام کار خیر در هر زمان و مکانی پیشی می گیرد، و در زمان غربت و درماندگی دین و بروز فتنه ها بیشتر به این کار روی خواهد آورد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((در انجام کار خیر قبل از وقوع شش امر بشتابید: طلوع خورشید از مغرب، و بیرون آمدن دود، و ظهور دجال، و بیرون آمدن حیوانی که صحبت می کند)) [روایت مسلم].

و پیروی کردن از رسول الله ﷺ برای شخص پناهگاهی خواهد بود در خوشی ها و در سختی ها، «دجال از تمیم داری ﷺ و یارانش در مورد رسول الله ﷺ پرسید؛ که رسول الله چکار کرده است؟ گفتند: از مکه بیرون آمده و به یثرب رفتند، دجال گفت: آیا عرب با او به جنگ بر خواستند؟ گفتند: بله، دجال گفت:

با آنها چگونه رفتار نمودند؟ گفتند: بر آنان پیروز گشته و در نتیجه از او پیروی کردند، دجال گفت: آیا این کار را کردند؟ گفتند: بله، پس دجال گفتند: اما پیروی کردن از او برای آنان بهتر خواهد بود» [روایت مسلم].

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾

(برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی خبری
رویکردانند) [سورة الأنبياء: ۱].

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده و از او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، و از او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

اما بعد ای مسلمانان:

اگر چه امر دجال امری بس بزرگ و ترسناک است ولی ریا در اعمال نیک نزد رسول الله ﷺ در میان امت از آن ترسناک تر است؛ فرمودند: ((**آیا شما را از چیزی که نزد من از دجال مسیح ترسناک تر است با خبر نسازم؟ گفتند: بلی، فرمودند: شرک مخفی، یعنی اینکه مرد برای نماز بایستد، و نماز خویش را فقط جهت تعریف و تمجید مردم خوب ادا می کند**)) [روایت احمد]، مولف تیسیر العزیز الحمید می گوید: « چرا که ریا امری پوشیده است، و اموری که انسان را به آن سوق می دهند فروان هستند، و راه نجات از آن سخت است؛ و انسان مومن در عمل خویش و برای اصلاح آن دو چیز را مد نظر خویش قرار خواهد داد: پیروی از رسول الله ﷺ و تنها اخلاص نیت برای خدای متعال ».

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به درود و سلام فرستادن بر پیامبر خویش نموده است....

روز باز پسین: روز جزاء^(۱)

سپاس الهی را که با نعمت او بندگانش هدایت شدند، و با عدالتش برخی گمراه گشتند، در آنچه او انجام می دهد چون و چرا راه ندارد ولی از آنان [=انسانها] سوال خواهند شد، سپاس و ستایش می کنم همانند بنده ای که پروردگارش را از آنچه ظالمین در مورد او می گویند منزه و پاک می داند.

و گواهی می دهم که معبودی بر حق جز خدای بی همتا نیست، گواهی که مایه خشنودی صالحین می گردد.

و گواهی می دهم که پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، پیغمبر صادق و امانت دار، درود و سلام الهی بر او و خاندان و یارانش و هر آنکس که از او پیروی می کند، باد.

اما بعد:

شما را به همراه نفس خویش به تقوای الهی وصیت می کنم؛ چرا تنها تقوا که فردای قیامت راه نجات و سعادت ابدی خواهد بود.

ای مسلمانان:

ایمان آوردن به روز قیامت از اصول و اساسیات ایمان می باشد، پیامبران امت خویش را به روز موعود خبر داده اند، و بشارت به بهشت و از جهنم ترسانده

(۱) این خطبه در روز جمعه، بیست و یکم محرم، سال هزار و چهار صد و بیست در مسجد نبوی شریف ایراد شده است.

اند، و اولین صفت در قرآن برای پرهیز گاران همان ایمان آوردن به غیب است:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾

(این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایندگان است * آنان که به غیب ایمان می آورند) [سورة البقرة: ۲، ۳].

زمانی که آدم بر زمین فرود آمد الله متعال خطاب به او فرمود:

﴿قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ﴾

(فرمود در آن زندگی می کنید و در آن می میرید و از آن برانگیخته خواهید شد) [سورة الأعراف: ۲۵].

ونوح علیه السلام قوم خویش را از روز جزاء بر حذر داشته و برای آنان مثال هایی ذکر نمود که بر وقوع پیوستن آن دلالت دارند؛

﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا * ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا﴾

(و خدا [ست که] شما را [مانند] گیاهی از زمین رویانید * سپس شما را در آن بازمی گرداند و بیرون می آورد بیرون آوردنی [عجیب]) [سورة نوح: ۱۸، ۱۷].
و شعیب خطاب به قومش فرمود:

﴿اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعَثُّوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾

(شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید و در زمین سر به فساد برمدارید) [سورة العنكبوت: ۳۶].

و مدت حیات زندگی شخص در این دنیا کوتاه است، و روزهایش در این دنیای فانی اندک شمار هستند، و نیاز او بر روی زمین هرگز به پایان نخواهد رسید، و آرزوهایش نیز پایانی ندارد، و در حالی بار سفر بر خواهد بست که هنوز نیازش بر آورده نشده و به آرزوهایش نرسیده است، روزی فرا خواهد رسید که در آن جهان هستی با موجودات در آن همه فنا خواهند شد؛ همانگونه که الله متعال فرمود:

﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾

(جز ذات او همه چیز نابودشونده است) [سورة القصص: ۸۸].

سپس زمانی فرا می رسد که الله متعال بندگان را دوباره زنده نموده و بر می انگیزد، و آنان را به حساب اعمال شان خواهد رساند، و در آن روز بندگان سختی های بسیار هولناکی را خواهند دید که کسی از آنها جز ایمان داران رهایی نخواهد یافت، و در انتهای آن روز بندگان به جایگاه همیشگی خویش - بهشت یا دوزخ - روانه خواهند گشت.

آن روی همان روز قیامت است؛ روزی که قلوب را به تپش در آورده و شنوایی را از بین برده تا جایی که قادر به شنیدن چیزی نخواهند بود، روز هنگامه بزرگی است که در مقابل آن هر مصیبتی آسان است، و این روز مردم را غمگین و بی قرار خواهد کرد:

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾

(آیا خبر غاشیه به تو رسیده است) [سورة الغاشية: ۱].

در آن روز مردم حسرت خورده و انگشت ندامت را گاز خواهند گرفت:

﴿وَأَنْذَرُهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

(و آنان را از روز حسرت بیم ده آنگاه که داوری انجام گیرد و حال آنکه آنها [اکنون] در غفلتند و سر ایمان آوردن ندارند) [سورة مریم: ۳۹].

و نفس آدمی می گوید:

﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرُنِي عَلَى مَا قَرَّبْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لِمِنَ السَّخِرِينَ﴾

(تا آنکه [مبادا] کسی بگوید دریغابر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم بی تردید من از ریشخند کنندگان بودم) [سورة الزمر: ۵۶].

و حسرت کفار به بالاترین حد خویش خواهد رسید، آن زمانی که سرمداران آنان از پیروان خویش اعلام برائت بکنند:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾

(و پیروان می گویند کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان بیزاری می جستیم این گونه خداوند کارهایشان را که بر آنان مایه حسرتهاست به ایشان می نمایاند و از آتش بیرون آمدنی نیستند) [سورة البقرة: ۱۶۷].

در آن روز ندا در دادن فراوان خواهد گشت؛ پس هر انسانی با اسم خویش برای حساب و کتاب فرا خوانده خواهد شد، بهشتیان دوزخیان را ندا داده و

دوزخیان بهشتیان را، و اهل اعراف هر دو را ندا می دهند:

﴿ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ﴾

(آن [روز] روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند و آن [روز] روزی است که [جملگی در آن] حاضر می شوند) [سورة هود: ۱۰۳].

آن روز، روز حسرت خوردن است؛ دوزخیان در آن روز حسرت وارد شدن بهشت را خواهند خورد، چرا که بهشتیان وارد بهشت شده و نصیب کفار را نیز به ارث خواهند برد، در آن روز تمام وعده و وعید ها به وقوع خواهد پیوست، و تمام امور آشکار و نمایان گشته، و آنچه را که سینه ها پنهان نموده است بر ملا خواهد شد، روزی که بر کفار بسیار دردناک و سخت است، در آن روز انسان از کردار خویش آگاه می گردد.

ای مسلمانان:

در حالیکه مردم مشغول مال و منال دنیا و زندگی دنیوی هستند، در صورت دمیده می شود، که بعد از آن کسی بر روی کره خاکی باقی نخواهد ماند «مگر کسی که گردن خویش را بالا و یا پایین برد»^(۱)، با یک طرف گردن خویش می خوابد و با طرف دیگر آن بر خواهد خواست، صدای صوت را از آسمان می شنود و با وجود آن توانایی برگشتن به سوی خانه و خانواده و نوشتن وصیت نامه را نخواهد داشت؛ الله متعال فرمود:

(۱) کنایه از نابودی همگان است.

﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ *

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ﴾

(جز يك فرياد [مرگبار] را انتظار نخواهند كشيد كه هنگامى كه سرگرم جدالند غافلگيرشان كند * آنگاه نه توانايى وصيتى دارند و نه مى توانند به سوي كسان خود برگردند) [سورة يس: ۴۹، ۵۰].

((واولين كسى كه اين صدا را مى شنود مردى است كه حوض آب شتران را تميز مى كند، كه با آن صوت همه از هوش خواهند رفت))، و در حديث آمده است: ((قيامت برپا خواهد شد، در حاليكه دو مرد پارچه ها را جهت خريد و فروش پهن نموده اند، ولى قادر به جمع كردن آن نخواهند بود، قيامت برپا خواهد شد در حاليكه مرد با شير شتران بر مى گردد، و هرگز فرصت نوشيدن آن را پيدا نخواهد كرد، قيامت برپا خواهد شد در حاليكه مرد در حال پر كردن حوض آب براى شتران است، ولى قادر به آب دادن نخواهد شد، قيامت در حالى خواهد آمد كه شخص لقمه را براى گذاشتن در دهان خويش بر داشته است ولى قادر به اين كار نخواهد بود)) [روايت بخارى]

اى بندگان خدا:

صور شاخى است كه در آن دمیده خواهد شد، و صاحب صور از روز آفرينش تا به امروز آماده براى دميدن در آن است، هميشه نگاهش به سوى عرش است كه مبدا به او امر كرده شود و او در آن لحظه غافل بماند؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((چگونه راحت باشم در حاليكه صاحب شاخ صور آن را بر دهان

خویش گذاشته، و پشانی اش را پایین گرفته و گوش هایش را آماده شنیدن دستور الهی برای دمیدن در صور کرده است، تا با مجرد امر الهی در آن بدمد؟! مسلمانان گفتند: در آن هنگام چه بگوییم ای رسول خدا؟ فرمودند بگوئید: **حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ رَبَّنَا**)) [روایت ترمذی].

ای مسلمانان:

قیامت روز جمعه برپا خواهد شد، در هر روز جمعه تمام مخلوقات از ترس برپایی آن در هراس هستند مگر جنیان و آدمیان، و هر زمان که الله متعال اراده برگرداندن و جمع نمودن بندگان را نماید به اِسرافیل دستور خواهد داد تا در صور بدمد در این لحظه روح آنان به اجساد شان باز گشته و همه برای حاضر شدن در محضر الهی حاضر می گردند:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾

(و در صور دمیده خواهد شد پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می آیند) [سورة یس: ۵۱].

و اولین کسی که از بیهوشی بر خاسته و قبر بر او شکافته خواهد شد پیامبر ما محمد ﷺ است.

بعد از دمیدن، در ابتدا الله متعال از آسمان آبی را خواهد فرستاد که با آن اجساد مردگان مثل غنچه ها دوباره خواهد رویید، در حالیکه تمام وجود انسان به جز مهره انتهای پشت باقی نمانده است، که انسان دوباره از آن روییده به حالت قبلی خویش باز خواهد گشت.

﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظْمِينَ مِمَّا لِّلظَّالِمِينَ مِنْ
حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾

(و آنها را از آن روز قریب [الوقوع] بترسان آنگاه که جانها به گلوگاه می
رسد در حالی که اندوه خود را فرو می خورند برای ستمگران نه یاری است و نه
شفاعتگری که مورد اطاعت باشد) [سورة غافر: ۱۸].

الله متعال برای من و شما در قرآن برکت قرار دهد.

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده و از او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، و از او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

اما بعد ای مسلمانان:

الله متعال در روز جزاء تمام بندگان خویش را گرد هم خواهد آورد، در این روز همگان یکسان خواهند بود:

﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾

(بگو در حقیقت اولین و آخرین * قطعاً همه در موعد روزی معلوم گرد آورده شوند) [سورة الواقعة: ۴۹، ۵۰].

بندگان در هر حالتی که از این دنیا رفته باشند، الله متعال قادر به باز گرداندن آنان خواهد بود:

﴿أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

(هر کجا که باشید خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست) [سورة البقرة: ۱۴۸].

و الله متعال بر آنان کاملاً آگاه است که کجا و چگونه هلاک شده اند، از

روز حشر و میدان حساب و کتاب کسی باز نخواهد ماند، همانگونه که الله متعال فرمود:

﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾

(و آنان را گرد می آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی کنیم) [سورة الکهف: ۴۷].

همچنین فرمود:

﴿إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا إِيَّيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا * لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا﴾

(هر که در آسمانها و زمین است جز بنده وار به سوي [خدای] رحمان نمی آید * یقینا آنها را به حساب آورده و به دقت شماره کرده است) [سورة مریم: ۹۳، ۹۴].

پس تقوای الهی را پیشه نموده و فکر آخرت را دایما در خاطر خویش بگنجان، و ذکر آنرا بر زبان خویش داشته باش، و با ایمان و عمل صالح خود را برای آن آماده کن، و هر گونه خواستی زندگی کن، اما در عاقبت رفتنی هستی، و هر کس را خواستی دوست بدار اما در آخر از هم جدا خواهید شد، و هر گونه خواستی عمل کن که پاداش آن را خواهی دید، توشه تقوا را همراه خویش بردار که ره طولانیست، و از بار خویش کم نمای که مسیر بس خسته کننده است، یحیی بن معاذ رحمه الله می گوید: «خوشا به حال آن کسی که دنیا را قبل از موت خویش ترک کرده، و قبر خویش را قبل از ورود به آن آباد گردانده،

و پرو درگارش را قبل از ملاقات با او راضی گردانیده است».

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به درود و سلام فرستادن بر پیامبر خویش
نموده است.

سختی های روز قیامت^(۱)

همانا حمد و ستایش شایسته خداست، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را در نهان و پنهان پیشه خویش قرار داده و او را مراقب اعمال خویش در ظاهر و پنهان بدانید.

ای مسلمانان:

مردم در دنیا در غفلت به سر می برند، و آرزوهای شان دور و دراز می باشد، و چاره ای جز به مهار نمودن نفس و تذکر دادن آن نیست؛ باشد که بدین وسیله آخرت خویش را آباد نموده، و وقت خویش را جهت بنای آینده خویش از دست ندهد، و به راستی که الله متعال یقین داشتن به روز قیامت را از ارکان ایمان قرار داده است، و آن روز که در آن تمام خلائق نیست و فنا می گردند فرا خواهد

(۱) این خطبه در روز جمعه، سی ام رجب، هزار و چهار صد و بیست یک در مسجد نبوی شریف ایراد شده است.

رسید، همانگونه که الله متعال فرمود:

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾

(هر چه بر [زمین] است فانی شونده است) [سورة الرحمن: ۲۶].

وسپس روزی فرا خواهد رسید که در آن روز الله متعال دوباره بندگان را برای حساب و کتاب از قبور بر خواهد انگيخت.

و اولین کسی که بیرون خواهد آمد و قبر بر او شکافته خواهد شد؛ پیامبر ما محمد ﷺ می باشد، و بندگان در این روز پا برهنه و عریان و بدون ختنه از قبرها بر انگيخته می شوند:

﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْهَا﴾

(همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را بازمی گردانیم) [سورة الأنبياء: ۱۰۴].

و بندگان لباس پوشانده خواهند شد، و اولین کسی که لباس بر تن او داده می شود ابراهیم علیه السلام است، و بندگان نیک خدا نیز لباس بر تن خواهند کرد، ولی گنهکاران با شروال هایی از سرب ذوب شده و پوست بدن شان سراسر پوشیده از بیماری گری خواهد شد، و خلائق به سوی سرزمین محشر - غیر از این زمین کنونی - برای حشر و گرد آوری سوق داده می شوند؛ عائشه ~ گفت: ((ای پیامبر خدا مردم در آن وقت کجا خواهند بود؟ فرمودند: بر بالای پل صراط)) (روایت مسلم)، در لفظی دیگر آمده است: ((در تاریکی پایین پل صراط)).

وسرزمین محشر زمینی سفید و صاف می باشد، که در آن کسی دارای نشانه خاصی نیست، در آن خون ناحقی ریخته نشده است، و گناهی بر روی آن انجام نشده است، در آن چشم تا انتهای دید خویش کار می کند.

روزی عبوس و هراسناک می باشد، کافران می گویند:

﴿يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ﴾

(کافران می گویند امروز [چه] روز دشواری است) [سورة القمر: ۸].

بندگان روزی مانند آن را نخواهند دید، الله متعال آن را به عنوان روز شدید و دشوار وصف نموده است، که در آن موی فرزند نو رسیده سفید خواهد شد:

﴿فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ﴾

(آن روز [چه] روز ناگواری است) [سورة المدثر: ۹].

مادر از شیر خوارش فراموش گشته، وزن حامل بچه داخل شکمش را از شدت ترس سقط خواهد کرد.

روزی که در آن عقل ها متحیر گشته، و ذهن ها توانایی خویش را از دست خواهند داد، انسان از نزدیک ترین آدم های کنار خویش - از پدر و مادر و برادر و همسر و فرزندان خویش - بیزاری می جوید، و انسان گنهکار می خواهد تا برای نجات خویش از آتش جهنم عزیزترین نزدیکان خویش را قربانی کند:

﴿يُبْصِرُ وَهُمْ يُبْذَرُونَ الْمَجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ *

وَصَحْبَتِهِ وَأَخِيهِ * وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ﴾

(آنان را به ایشان نشان می دهند گناهکار آرزو می کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز می توانست پسران خود را عوض دهد* و [نیز] همسرش و برادرش را* و قبیله اش را که به او پناه می دهد* و هر که را که در روی زمین است همه را [عوض می داد] و آنگاه خود را رها میکرد) [سورة المعارج: ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴].

وزمین به لرزش افتاده و یکبار برای همیشه برهم کوبیده خواهد شد، و به پهنای آسمان گسترانده خواهد شد، چنان صاف و هموار خواهد گشت که در آن هیچ گونه کجی و یا بالا و پائینی باقی نخواهد ماند، الله متعال آن را با یک انگشت خویش نگه خواهد داشت.

و کوه ها به حرکت در آورده خواهند شد، و تکه تکه و ریزه ریزه خواهند شده، و تبدیل به تپه هایی از ریگ خواهند گشت، مانند انواع پشم هایی از هم تافته شده، در ظاهر دید انسان به مانند چیزی در حال حرکت می ماند ولی در حقیقت سرابی بیش نیستند:

﴿وَسَيَرِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾

(و کوهها را روان کنند و [چون] سرابی گردند) [سورة النبأ: ۲۰].

و کوه ها از جای شان کنده خواهند شد، و زمین چنان هموار خواهد گشت که در آن هیچ بالا و یا پائینی دیده نخواهد شد:

﴿لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا﴾

(نه در آن کثري مي بيني و نه ناهمواري) [سورة طه: ۱۰۷].

ودریاها منفجر گشته و تبدیل به آب های داغ و سوزان خواهند شد.

و آسمان شکافته شد، و در تب و تاب افتاده، و به حرکت در خواهد آمد، خیلی ضعیف و سبک خواهد گشت، و شروع به عوض کردن رنگ خویش خواهد نمود:

﴿فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾

(پس آنگاه که آسمان از هم شکافد و چون چرم گلگون گردد) [سورة الرحمن: ۳۷].

و آسمان برداشته خواهد شد، که بعد از آن نه ستی وجود دارد و نه چیزی از دیدگان پنهان خواهد گشت، و پروردگار ما آن را با دست راست خویش همانند پیچاندن ورقه کتاب به هم می پیچد، و آن را بر بالای انگشت خویش قرار می دهد.

و خورشید پیچیده خواهد شد، و الله متعال آنرا جمع خواهد نمود، و نورش نیز از بین خواهد رفت، و ماه نیز بی نور می گردد:

﴿فَإِذَا بَرَقَ أَبْصَرُ * وَخَسَفَ الْقَمَرُ * وَجُمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾

(بگو در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت به گردش در آید * و ماه بی نور

گردد * و خورشید و ماه یک جا جمع شوند) [سورة القيامة: ۷، ۸، ۹].

و نور ستارگان درخشان رو به سیاهی و تاریکی خواهد رفت، و از هم پاشیده

خواهند شد، وزمین با خاموش گشتن چراغ آنها تاریک و بی نور می گردد.

شتران ماده وانهاده می شوند، وحوش همه گرد آورده خواهند شد، و خلائق به سوی یکدیگر روانه خواهند شد، و مردم در آن روز گویا مدهوش و از خود بی خود هستند، در حالیکه این چنین نیست، ولی عذاب الهی سخت و دردناک است. دیدگان خیره می شود، دلها سخت هراسانند، و فرشتگان در ردیف موجودات ایستاده و چشم های شان از حلقه بیرون زده است، امری بس بزرگ است، و کوبنده ای بس دردناک است، رسول الله ﷺ فرمودند: ((به الله پناه می برم از تنگنای روز قیامت)) [روایت نسائی].

و در این روز هر نفسی خواهد دانست که چه توشه ای همراه خویش آورده است، در این روز انسان از گذشته خویش پشیمان گشته در حالیکه کار از کار گذشته است، آنچه را که سینه ها پنهان داشته اند، با قوت تمام ظاهر و آشکار خواهد شد، هر چیزی را که سینه ها در داخل خویش پنهان نگه داشته اند، بر ملا خواهد گشت، سکوتی بس ترسناک است، که در آن وقت نه معذرت خواهی پذیرفته خواهد شد و نه لبی به سخن خواهد گشود:

﴿هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ * وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ﴾

(این روزی است که دم نمی زنند* و رخصت نمی یابند تا پوزش خواهند)

[سورة المرسلات: ۳۶، ۳۵].

چهره هایی در آن وقت سفید و روشن و بسیار خوشحال هستند، خندان و زیبا، و چهره هایی دیگر سیاه و در هم کشیده، بر آنان غبار نشسته است، و خسته

ودرمانده هستند، نیکان گروه گروه به سوی پروردگار خویش راه می افتند، ولی مجرمین کبودچشم برانگیخته خواهند شد.

وخورشد تا جایی بر خلاق نزدیک خواهد گشت که در فاصله یک میلی با قرار خواهد داشت، سایه ای در آن روز برای کسی وجود نخواهد داشت، مگر سایه عرش الهی، که در آن روز بسیاری زیر عرش الهی و سایه آن قرار دارند، در حالیکه بسیاری دیگر در زیر گرمای سوزان خورشید به سر می برند، چنان شلوغ خواهد گشت که قدم های به گره خورده، و گردن ها به هم می چسبند، که در نتیجه عرق به اندازه هفتاد زراع بالا خواهد رفته، و تبدیل به آبی گندیده خواهد شد، سپس آدمیان هر کدام به اندازه جایگاه خویش در آن فرو خواهند رفت، بعضی ها تا قوزک پا، و بعضی دیگر عرق تا به دهان آنان خواهد رسید، غم و غصه همه جا را فرا گرفته و نفس ها به تنگ خواهد آمد، و آدمیان از شدت ترس به زانو در خواهند آمد، در آن روز همگان را در حالت زانو زده خواهی یافت:

رسول الله ﷺ می گوید: ((مردم به درجه ای از غم و غصه خواهند رسید که توانایی و تحمل آن را نخواهند داشت)) [متفق علیه].

و گنهاران انگشت پشیمانی را گاز خواهند گرفت، الله عزوجل می گوید:

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أُتَّخِذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾

(و روزی است که ستمکار دستهای خود را می گزد [و] می گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم) [سورة الفرقان: ۲۷].

گنهکار در این روز دوستان و نزدیکان خویش را سرزنش می کند، و هر

محبتی که بر مبنای دین و اسلام نبوده است تبدیل به دشمنی خواهد شد، تا جایی که شخص با اعضای بدن خویش به دشمنی بر خواهد خواست، و انسان های متکبر در حالی حشر خواهند شد که به اندازه ذره ناچیز در زیر دست و پای مردم لگد مال می شوند، و کسی که شلوار خویش را از قوزک پا پایین تر آورده است الله متعال در آنروز نه با او صحبت کرده و نه به سوی او نگاه خواهد کرد، و نه او را از گناهان پاک می نماید، بلکه عذاب درد ناک در انتظار اوست.

بر پشت هر خائنی پرچمی آویزان خواهد شد، و اعلان خواهد گشت: این خیانت فلانی فرزند فلانیست، و هر کس یک وجب از زمینی را به ناحق برده باشد، روز قیامت تا هفتاد زمین فرو خواهد رفت، و در قیامت ظلم ها افزون خواهد گشت: ((ظلم همان ظلمات روز قیامت می باشد))، و حقوق هیچ احدی ضایع نخواهد شد؛ بلکه حق مظلوم از ظالم حتی در بین چهار پایان نیز گرفته خواهد شد.

و بدترین مردم در آن روز: ((انسان دو رنگ است؛ که با هر کس به نوعی بر خورد می کند))، و ((هر کس در این دنیا سختی و مشکلی را از مسلمانی بزدايد، الله متعال نیز روز قیامت سختی ها و مشکلات را از او می زداید، و هر کس بر انسان تنگدستی آسان بگیرد، الله متعال نیز در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و هر کس عیب مسلمانی را بپوشد الله متعال نیز عیب او را در دنیا و آخرت خواهد پوشاند)).

و عدالت گران در این روز بر بالای منبر هایی از نور در سمت راست الله می باشند، و هر بنده ای بر همان حالتی که از دنیا رفته است، برانگیخته خواهد شد،

پس هر کس در حالت احرام بمیرد، روز قیامت در حال تلبیه گفتن بر خواهد خواست، و هر کس در راه الله مجروح و زخمی شده باشد، روز قیامت با همان خون ولی با بوی مشک حاضر خواهد شد، ومؤذنان از برترین انسان ها در این روز می باشند، هیچ چیزی نیست که صدای اذان او را شنیده باشد، مگر اینکه در آن روز برای او گواهی خواهد داد، و هر کس در اسلام یک تار مو سفید کرده باشد، تار موی او تبدیل به نور خواهد گشت، و هر شخصی در زیر سایه صدقه خویش قرار خواهد گرفت تا حساب و کتاب مردم به پایان برسد.

پل صراط خطرناک و لغزنده است، که با بالا رفتن از آن بعضی ها نجات یافته بعضی دیگر زخمی شده، و بعضی دیگر از بالای آن داخل آتش خواهند افتاد.

و هیچ گونه خللی در ترازوی عدل الهی وجود ندارد، و در آن حساب رسی بر مبنای مثقال ذره ها می باشد:

﴿مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾

(پس هر که هموزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید* و هر که هموزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید) (سورة الزلزلة: ۷، ۸).

الحمد لله ترازو را پر خواهد کرد، و سبحان الله و بحمده و سبحان الله العظيم بر آن سنگینی خواهند نمود، ((از رسول الله ﷺ پرسیده شد که چه چیزی بیشتر از همه مردم را وارد بهشت خواهد گرداند؟ فرمودند: **تقوای الهی، و اخلاق نیک و شایسته**)) [روایت ترمذی].

وصحیفه های بسته شده باز خواهد گشت، چه بسا سختی هایی که از یادت رفته است؟ و چه بسا گناه هایی که پنهان کرده ای؟ و کتاب اعمال خوانده خواهد شد، و اعضای انسان به سخن گفتن در خواهد آمد، و فرشتگان حاضر و شاهد هستند، والله متعال بر همه اعمال شاهد و بیناست، همان گونه که فرمود:

﴿وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ﴾

(و هیچ کاری نکنید مگر اینکه ما بر شما گواه باشیم آنگاه که بدان مبادرت می ورزید) [سورة یونس: ۶۱].

الله متعال بعد از تمام کردن حساب و کتاب حیوانات شروع به حساب رسی بندگان خواهد کرد، و اولین امتی که الله متعال در بین آنان قضاوت خواهد نمود، همین امت است، و این امت نیز اولین امتی است که از پل صراط عبور کرده، و وارد بهشت می شوند؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((**ما در حالیکه بعد از همه هستیم ولی روز قیامت از همه پیشه گیر خواهیم بود**)) [متفق علیه]، و در روایتی: ((**قبل از تمام مخلوقات میان ما حساب رسی خواهد شد**)) [روایت مسلم].

والله متعال بنده خویش محمد ﷺ را باعطا کردن حوض پر پهنای کوثر مورد تکریم قرار خواهد داد، که مسافت آن به اندازه یک ماه، و آبش از شیر سفید تر، و از عسل شیرین تر، و از مشک خوشبو تر است، که در آن کاسه های طلا و نقره از تعداد ستارگان آسمان هم بیشتر است، هر کس از آن مقداری بنوشد، بعد از آن هرگز تشنه نخواهد شد، اقوامی از امت رسول الله ﷺ در حال آمدن بر این حوض هستند که جلوی آنان گرفته خواهد شد: پس رسول الله ﷺ

می گوید: ((همانا اینان از من هستند، گفته می شود: تو نمی دانی که اینان بعد از تو چه کارهایی انجام داده اند، رسول الله ﷺ می گوید: نابود باد کسی که بعد از من در دین تغییری آورده باشد)) [متفق علیه].

همانا تنها راه نجات در آن سختی ها چیزی جز رحمت خدا و یا عمل صالح نخواهد بود، و کسانی که کوتاه کاری کرده اند لا جرم پشیمان خواهند بود، ولی دریغا که در آن روز پشیمانی سودی ندارد، در این دنیا زیاد و یا کم بمانی در هر دو حالت سرانجام تو یا بهشت است و یا دوزخ.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾

(ای مردم همانا وعده خدا حق است زنهار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد و زنهار تا [شیطان] فریبنده شما را در باره خدا نفریبد) [سورة فاطر: ۵].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار بدهد...

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده واز او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، واز او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

اما بعد ای مسلمانان:

انسان درمانده در روز قیامت: کسی است که با کوله باری از نماز و روزه و صدقه آمده باشد، در حالیکه به این و آن ناسزا گفته، و مال دیگران را خورده باشد، و خون به نا حق ریخته باشد، پس از نیکی های او کاسته شده و به نیکی های آنان اضافه می گردد، پس اگر نیکی هایش قبل از تمام شدن حقوق آنان تمام گردد، پس از بدی های آنان کاسته شده و بر بدی های او افزوده خواهد شد، سپس در آتش انداخته خواهد شد.

صالح رحمه الله المری می گوید: « وسط روز وارد قبرستان شدم، نظری به قبرها انداختم که اقوامی ساکت در آن ها آرمیده بودند، با خودم گفتم: سبحان الله چه کسی شما را بعد از خاک شدن دوباره زنده خواهد کرد، که ناگه صدایی از حفره ای بر خاست که می گفت: ای صالح؛

﴿وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ﴾

(و از نشانه های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند پس چون شما را با یک بار خواندن فراخوان د بنگاه [از گورها] خارج می شوید) [سورة الروم: ۲۵]، با شنیدن این صدا بیهوش گشتم».

حسن بصری رحمه الله می گوید: « دو روز و دو شب هستند که خلایق مانند آن ها را هرگز ندیده اند، شبی که با اهل قبور میخوابی، و قبلا هرگز چنین شبی را تجربه نکرده ای، و شبی که فردایش روز قیامت بر پا گردد، و روزی که بشارت دهنده از سوی خدا پیش تو خواهد آمد، و روزی که اعمال نامه ات را با دست چپ و یا با دست راست خواهی گرفت ».

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به درود و سلام فرستادن بر پیامبر خویش می کند...

توکل^(۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را همانگونه که شایسته اوست پیشه کنید؛ چرا که نعمت حقیقی در پیروی از قرآن و سنت نهفته است، و شقاوت و گمراهی در پیروی از هوای نفس.

ای مسلمانان:

خوشبخت ترین مردم پرهیز گار ترین آنهاست، و هر اندازه که بنده نزد الله نزدیک تر بوده و سر تعظیم فرود آورد، به همان اندازه نزد الله و بندگانش محبوب تر خواهد گشت، و بنده در اداره امور خویش ناتوان است، و چاره ای جز چنگ زدن به ریسمان الهی ندارد، چرا که الله متعال ذاتی پایدار و بی نیاز است، و هر آنچه بر این کره خاکی قرار دارد محتاج اوست، و بندگان مرتکب گناه و معصیت

(۱) این خطبه در روز جمعه، دهم جمادی الثانی، سال هزار و چهار صد و بیست و چهار ایراد شده است.

می شوند، و راه نجاتی از آن به جز مدد الهی و بخشش او نیست، و بسیاری از گناهان بزرگ قلبی - مانند ریا، تکبر، و حسد - از انسان سر می زند بدون آنکه بنده متوجه آن گردد، چه بسا از بعضی از گناهان کوچک ظاهری پرهیز نموده ولی در کمال غفلت مرتکب گناهان کبیره ای می گردد.

و تنها بر اسباب ظاهری اکتفاء نمودن انسان را از رسیدن به آرزوهایش باز خواهد داشت، چه بسا دروازه ای را می گوید که گمان دارد در آن خیر او نهفته است، غافل از اینکه گرفتار شر مطلق گشته است، و راه نجاتی برای او وجود ندارد به جز پروردگار قادر و مهربان، برای این است که الله متعال جایگاه توکل را بالا برده است، و آنرا یکی از مراتب دینی قرار داده، و با عبادت مقرون کرده است:

﴿فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ﴾

(پس او را پرستش کن و بر او توکل نمایی) [سورة هود: ۱۲۳].

والله متعال توکل را شرطی برای رسیدن به ایمان حقیقی نموده است:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

(و اگر مؤمنید به خدا توکل کنید) [سورة المائدة: ۲۳].

توکل جایگاهی بس بلند و والا است، و دارای اثری بس بزرگ می باشد، فرضی است که الله متعال آنرا بر بندگان خویش قرارداد داده است، سبب رضایت الله بخشنده بوده، و باعث دوری شیطان می گردد، منزلت و جایگاهش وسیع ترین و

بالاترین جایگاه است، از قوی ترین و محبوب ترین راه ها برای رسیدن به الله می باشد، الله متعال به پیامبر خویش دستور می دهد:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾

(و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می کند) [سورة الأحزاب: ۳].

وپیامبران ائمه متوکلین و پیشوای آنان می باشند؛ نوح علیه السلام خطاب به قومش گفت:

﴿يَقَوْمُ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ﴾

(ای قوم من اگر ماندن من [در میان شما] و اندرز دادن من به آیات خدا بر شما گران آمده است [بدانید که من] بر خدا توکل کرده ام) [سورة یونس: ۷۱].
وإبراهیم خلیل علیه السلام فرمود:

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾

(پروردگار ما بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست) [سورة الممتحنة: ۴].

وهود علیه السلام فرمود:

﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا﴾

(در حقیقت من بر خدا پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او مهار هستی اش را در دست دارد) [سورة هود: ۵۶].

و یعقوب علیه السلام گفت:

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾

(چیزی از [قضای] خدا را از شما دور نمی توانم داشت فرمان جز برای خدا نیست بر او توکل کردم و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند) [سورة یوسف: ۶۷].

و پیامبران الهی همگی به اقوام خویش می گفتند:

﴿وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا﴾

(و چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه هایمان رهبری کرده است) [سورة ابراهیم: ۱۲].

و مرد مؤمن از خاندان فرعون گفت:

﴿وَأَفِضْ أَمْرِى إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾

(کارم را به خدا می سپارم خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست) [سورة غافر: ۴۴].

و در بدایت نبوت و شروع کار رسول الله ﷺ اشاره به توکل وجود دارد و بر اینکه توکل قفل ها را باز خواهد کرد:

﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾

(بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است) [سورة العلق: ۳].

الله متعال توکل را از صفات اهل ایمان قرار داده است؛ همانگونه که فرمود:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِی اللَّهُ وَمَنْ مَعِیَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ یُجِیرُ الْکَافِرِینَ مِنْ عَذَابِ أَلِیمٍ * قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ ۚ ءَامَنَّا بِهِ ۚ وَعَلِیْهِ تَوَكَّلْنَا فَسْتَغَاثُونَ مِنْهُ وَفِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ﴾

(بگو به من خبر دهید اگر خدا مرا و هر که را با من است هلاک کند یا ما را مورد رحمت قرار دهد چه کسی کافران را از عذابی پر درد پناه خواهد داد* بگو اوست خدای بخشایشگر به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم و به زودی خواهید دانست چه کسی است که خود در گمراهی آشکاری است) [سورة الملک: ۲۸، ۲۹].

وسبب ورود به بهشت خواهد شد:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرَ الْعَمِلِينَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾

(و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند قطعاً آنان را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که از زیر آنها جویها روان است جاودان در آنجا خواهند بود چه نیکوست پاداش عمل کنندگان* همان کسانی که شکیبایی ورزیده و بر پروردگارشان توکل نموده اند) [سورة العنکبوت: ۵۸، ۵۹].

اما توکل کنندگان حقیقی بدون حساب و کتاب وارد بهشت خواهند شد، همانگونه که رسول الله ﷺ در وصف آنان می گوید: ((کسانی که طلب رقیه نکرده، و خویشتن را داغ نمی کنند، و به دنبال فال گرفتن نیستند، و بر پروردگار خویش توکل می کنند)) [متفق علیه].

و رسول الله ﷺ به ابن عباس نصیحت کرد تا بر الله توکل بکند، در حالیکه او پسر بچه ای بیش نبود، فقط جهت اینکه عقیده صحیح را در ابتدای نونهالی او در وجودش راسخ گردد، فرمودند: ((ای پسر: من به تو کلماتی خواهم آموخت؛ الله را حفظ بکن تا او نیز تو را حفظ بکند، الله را همیشه مورد نظر خویش قرار بده تا اینکه در همه جا کنارت باشد، اگر چیزی خواستی از الله بخواه، و اگر کمک و مدد طلبیدی از الله طلب بکن)) [روایت ترمذی]، ابن قیم رحمه الله می گوید: «توکل اصل و اساس تمامی مقامات ایمان و احسان می باشد، در تمام اعمال اسلام، و منزلت و جایگاه آن به مانند جایگاه سر بر بدن می باشد».

توکل باعث راحتی انسان می گردد، و سبب آرامش او خواهد شد، و مکر فریبکاران را خنثی می کند، و توکل از بزرگترین سبب ها در بر طرف نمودن اذیت و آزار بندگان و ظلم آنان می باشد، امام احمد در مورد توکل پرسیده شد؟ ایشان گفتند: «توکل یعنی نا امید شدن از آنچه در دست مردم است».

و توکل نمودن بر غیر از الله یعنی خواری و ذلت و درماندگی، و درخواست مخلوق از مخلوق به مانند طلب فقیر از فقیر است، رسول الله ﷺ فرمودند: ((**بدان اگر تمام امت با هم متحد گردند که به تو نفعی برسانند هرگز نخواهند توانست، مگر آن چیزی که الله برای تو نوشته است، و اگر متحد گردند که به تو ضرری برسانند، نخواهند توانست مگر چیزی که الله برای تو نوشته است**)) [روایت ترمذی].

هرگاه قلب به سوی غیر از الله روی گرداند، الله متعال او را به همان مخلوق خواهد سپرد، و در نتیجه خوار و ذلیل خواهد شد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((**هر کس چیزی به خویشن بیاورید، به همان چیز سپرده خواهد شد**)) [روایت ترمذی]، شیخ الاسلام رحمه الله می گوید: «هیچ انسانی به مخلوقی دیگر مانند خویش دل نبست مگر اینکه گمانش در مورد آن بد خواهد گشت، و هر کس به چیزی غیر از الله دل ببندد، لاجرم به او ضرر خواهد رساند، و این امری ثابت شده است».

و عدم دل بستن به مخلوقات سبب نگردد که تو با انسان ها خشونت به خرج بدهی، و از نیکی کردن به آنها دست برداری؛ بلکه بر عکس به خاطر الله به آنان نیکی کن، نه به خاطر امید بستن به آنان، همانگونه که تو از آنان نمیترسی پس به آنان امیدی هم نداشته باش، در کار خیر و نیک نسبت به مردم، از الله امید داشته باش، نه از خود آنان.

ای مسلمانان:

ارزاق ها در دست آفریننده ماست، هر آنچه را که برای تو مقدر نموده است بی شک به تو خواهد رسید اگر چه ظاهرا تو از رسیدن به آن ناتوان باشی، و چیزی که برای دیگران مقدر شده است هر چند قدرت مند باشی به آن نخواهی رسید، ورزق و روزی الهی را نه

شخص حریص برای تو به ارمغان خواهد آورد، و نه بدی بد خواه آن را از تو دور خواهد کرد.

رزق و روزی هر کس مشخص است،- از صالح و نابکار، و مؤمن و یا کافر- الله متعال فرمود:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾

(و هیچ جنبه ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست) [سوره هود:۶].

و رزق و روزی حیواناتی که از لحاظ جسمی بسیار ضعیف هستند به سوی آنان سوق داده می شود، در حالیکه از سعی و تلاش جهت کسب آن عاجز و ناتوان هستند؛ الله متعال فرمود:

﴿وَكَايْنٍ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ﴾

(و چه بسیار جاندارانی که نمی توانند متحمل روزی خود شوند خداست که آنها و شما را روزی می دهد) [سوره العنکبوت:۶۰].

و چه بسا که الله متعال رزق تو را با تلاش و کوشش و یا بدون آن برای تو فراهم نماید، و ضعف در توکل باعث ناتوانی انسان می گردد، چرا که در این حالت آنان دست به اسباب ظاهری زده و بر آن توکل خواهند کرد، ولی اگر توکل بر الله با قلب های شان به محقق می کردند ، الله متعال رزق و روزی آنها را با کمترین سببی به سوی آنان می فرستاد؛ همانگونه که رزوی پرندگان را به مجرد بیرون آمدن از لانه های شان روانه می سازد، توکل نوعی از انواع خواستن است؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((اگر شما به تمام وجود به الله توکل می کردید به شما همانگونه رزق و روزی می داد که به پرندگان می دهد، که گرسنه از لانه های خویش بیرون آمده و سیر بر می گردند)) [روایت احمد].

پس زندگی خویش را با غصه خوردن در مورد رزق خویش تلف مکن، هر آنچه را که الله برای تو نوشته است به تو خواهد رسید، حسن بصری رحمه الله می گوید: «آنگه که دانستم روزی مرا کسی دیگر نخواهد خورد، آرامش قلبی گرفتم».

ای مسلمانان:

الله متعال برای هر امری وقتی مشخص نموده است، و برای رسیدن به هر کاری سببی قرار داده است، و در امور دنیا چه بسا انسان ضعیف الاراده در آنها به مراد خویش خواهد رسید در حالیکه انسان با همت از آن محروم خواهد گشت، و انسان ناتوان بر خلاف انسان قدرتمند از آن بهره مند خواهد گشت، روی کردن مطلق به اسباب نوعی نقص در توحید است، و عدم توجه کامل به اسباب ظاهری نوعی کمبود عقلی می باشد، و روی گرداندن از اسباب نوعی اهانت به شریعت است، رسول الله ﷺ از نظر توکل کامل ترین انسان ها بود، در حالیکه از اسباب ظاهری دوری نمی کردند؛ همانگونه که در غزوه احد دو سپر به همراه خویش داشت، و نیز راهنمایی برای پیدا کردن راه هجرت از مکه به مدینه اجیر نمود، و در جنگ اُحزاب خندق حفر کرد.

تعریف حقیقی توکل:

استفاده کردن از اسباب ظاهری، با اعتماد کامل قلبی به رب الاسباب، با این اعتقاد که همه امور در دست اوست اگر بخواهد آن کار را انجام خواهد داد، و اگر نخواهد کسی قادر به انجام آن نخواهد بود، و اگر بخواهد در مقابل آن موانعی قرار خواهد داد که با آن تعارض و مخالفت دارند، انسان متوکل موحد هرگز به اسباب دل نخواهد بست، همانگونه که از آنان خویشتن را بی نیاز نخواهد دانست، بلکه از اسباب استفاده کرده و در عین حال توکل او بر رب الاسباب می باشد.

هرگاه توکل قوی گشته و امید بالا رود، آنگاه الله متعال فرج و پیروزی را خواهد فرستاد، ابراهیم خلیل فرزند شیر خوار را به همراه مادرش در بیابانی بدون آب و علف وبدون

هیچ چرنده ای رها کرد، که در آن هیچ گونه چرنده ای نبود، فقط جهت اجرای دستور الهی و توکل کردن بر او، پس الله متعال او را مورد عنایت تام خویش قرار داد، که در نتیجه این طفل پیامبری شد که الله متعال او را به صبر و راستگویی و بردباری و محافظت بر نماز و دستور دادن به آن، وصف نموده است، آب زمزم ثمره توکل ابراهیم خلیل بر پروردگارش است.

زمانی که فرعون با لشکریانش به دنبال بنی اسرائیل افتاد و سراسیمگی تمام وجود آنان را فرا گرفت، در حالیکه دریا جلوی راه آنان قرار داشت و هیچ راهی برای نجات نمی دیدند:

﴿قَالَ أَصْحَبُ مُوسَى إِنَّا لَمَدْرَكُونَ﴾

(یاران موسی گفتند ما قطعاً گرفتار خواهیم شد) [سورة الشعراء: ۶۱].

در این هنگام پیامبر خدا موسی علیه السلام با اطمینان کامل به پروردگار خویش فرمود:

﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾

(گفت چنین نیست زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد) [سورة الشعراء: ۶۲].

در این هنگام بود که الله به او دستور داد تا با عصای خویش به دریا بزند که با آن دریا تبدیل به راهی خشک و هموار گردید که آب در دو طرف آن مانند کوه ها سر بر افراشت. و زمانی که ماهی یونس علیه السلام را در تاریکی های دریا بلعید؛ به مولای خویش رجوع کرده، و حاجت خویش را از او طلبید:

﴿أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

(معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم) [سورة الأنبياء: ۸۷]، پس او را در حالی که ناخوش بود به زمین خشکی افکنده شد، و در بیابان سرگردان نگشت.

و مادر موسی فرزندش موسی را با توکلی که بر الله داشت به دریا انداخت؛ که در نتیجه این فرزند پیامبری از پیامبران اولو العزم گردید.

و به یعقوب علیه السلام گفته شد: که فرزند تو را گرگ دریده است، ولی او نا امید نگشته بلکه امر خویش را به الله سپرده و از او حاجت خویش را طلبید، که در نتیجه الله متعال او را به همراه برادرش بعد از سالها دوری به آغوش او باز گرداند.

و هنگامی که تمام درها به روی مریم بسته شده و هیچ چاره ای برای او نماند، و هیچ سخنی برای گفتن نداشت، توکل او بر الله بیش از پیش گشته و چیزی جز اخلاص و تکیه کردن بر ذات او برای مریم نمانده بود، به سوی او اشاره نموده و گفتند:

﴿قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا﴾

(گفتند چگونه با کسی که در گهواره [و] کودک است سخن بگوییم) [سوره مریم: ۲۹].

اینجا بود که الله آن کودک را به سخن درآورد:

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾

([کودک] گفت منم بنده خدا به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است) [سوره مریم: ۳۰].

و رسول الله ﷺ به همراه یار خویش (ابوبکر) در پشت کوهی صاف پنهان می شوند، در غاری ترسناک، تا جایی که ابوبکر (رضی الله عنه) به ایشان گفت: «ای رسول خدا، اگر یکی از آنها زیر پایش را نگاه بکند ما را خواهد دید، ایشان با اطمینان کامل نسبت به پروردگارش فرمودند: ای ابوبکر گمان تو در مورد دو نفر چیست که نفر سوم آنها خدا باشد؟» [متفق علیه].

در نتیجه الله متعال نصرت و امداد غیبی خویش را برای او فرستاد، که به سبب آن

آرامش جایگزین گشته، و ترس رخت بر بست، وهجرت به پایان رسید، و رسالت نیز منتشر گشت.

هرگاه سختی روزها تو را احاطه نمود، و گرفتار بلاها و مصیبت ها گشتی، هرگز به سوی غیر الله مرو، و دستان تضرع و زاری را برای او بالا ببر، و امر خویش را به الله بخشنده و مهربان بسپار، و امیدت را از بندگان قطع بگردان، الله بزرگ و بالا مقام را صدا بزن، و اوقات استجابت دعا را غنیمت بشمار، مانند سجده، و دعای آخر شب؛ هرگاه توکل قوی گردد، و حضور قلب نیز کامل شود؛ آنگاه دعا رد نخواهد شد:

﴿مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾

(یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می گرداند) [سورة النمل: ۶۲]، پس امور را به مالک آنها بسپار.

والله تواناست، کسی را که از او پناه بجوید هرگز نا امید نخواهد کرد، و او را هرگز دست خالی بر نخواهد گرداند، و فرج همیشه در اوج سختی ها می آید، هر سختی همراه با آسانی خواهد بود، در خوشی ها به یاد الله باش تا در سختی ها دست تو را بگیرد، و «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» را ابراهیم خلیل و رسول الله علیهما السلام در سختی ها می خواندند.

هر کس در توکل کردن بر الله راستگو باشد، به مراد خویش خواهد رسید، و هر کس امور خویش را به الله بسپارد او را کفایت خواهد کرد، و هر کس با تمام وجود خویش بر الله توکل بکند، هرگز او را به کسی دیگر واگذار نخواهد کرد؛ بلکه خود او همه امور او را بر عهده خواهد گرفت:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

(و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است) [سورة الطلاق: ۳].

و توکل تو بر الله به اندازه حسن ظن و امید بستن نسبت به او خواهد بود، پس فقط الله را تنها کسی قرار بده که پیش او شکایت و گلایه می کنی، فضیل بن عیاض می گوید: «به

خدا سوگند: اگر از بندگان نا امید گشتی به گونه ای که از آنان هیچ طمع نداری، بدان که الله هر آنچه را از او بخواهی به تو خواهد داد.»

الله متعال قادر است، و هیچ ذره ای در این کائنات توانایی حرکت بدون اراده او را ندارد، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد مگر با خواست او، و هیچ برگی از درختان فرود نخواهد آمد مگر اینکه او از آن آگاه است:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ * الَّذِي يَرْفَعُ حِينَ تَقُومُ * وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّجِدِينَ﴾

(و بر [خدای] عزیز مهربان توکل کن * آن کس که چون [به نماز] برمی خیزی تو را می بیند * و حرکت تو را در میان سجده کنندگان [می نگرد]) [سورة الشعراء: ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹].

ابراهیم خواص رحمه الله می گوید: «بعد از این آیه برای هیچ کس شایسته نیست که به غیر از الله پناه ببرد.»

و هر کس به غیر از الله دل ببندد یا به علم و آگاهی و عقل و منش و یا علاج و تعویذ های او روی آورد، و بر او در تمام امور توکل کرده و پناه ببرد، الله متعال او را نیز به آن مخلوق سپرده و او را خوار و ذلیل خواهد گرداند، مؤلف تیسیر العزیز الحمید می گوید: «این امر با نصوص قرآنی و تجارب عملی ثابت و عیان گشته است.»

وبالاترین سرمایه انسان: همان یقین کردن به الله و حسن ظن داشتن نسبت به اوست، و هر کس گمان برد که با گناه و معصیت به خواسته خویش نزد الله دست خواهد یافت، همانگونه که با بندگی و طاعت او به خواسته خویش می رسد، و یا گمان برد که اگر چیزی را به خاطر الله رها کند، و الله عوض آن را به او نخواهد داد، یا گمان برد اگر کار خیری انجام دهد و الله متعال بهتر از آن را به او نخواهد داد، یا اینکه گمان کند که با توکل و صدق نیت به خواسته خویش نخواهد رسید؛ به راستی که به الله گمان بد نموده است، و کسی از این امور سالم نخواهد مگر اینکه نسبت به اسماء و صفات الهی آگاهی کامل داشته باشد، ابن قیم رحمه الله می گوید: «بیشتر مردم: بلکه همه آنان مگر کسانی که مورد رحمت الهی قرار گرفته اند،

در مورد الله گمان بده می کنند، چرا که اغلب بندگان گمان می برند که آنان شایسته بیشتر از آن چیزی که الله به آنان داده است، می باشند. و هر کس نفس خویش را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد به این نتیجه خواهد رسید، پس انسان عاقل و خیر خواه باید به این امر بنگرد، و به سوی الله باز گردد، و از او بابت این عمل خویش همیشه از الله متعال طلب مغفرت و بخشش بکند، و به جای گمان بد نسبت به الله به نفس خویش بد گمان باشد.»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَأَذْكُرُ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا *﴾

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿﴾

(و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او پرداز * [اوست] پروردگار خاور و باختر

خدایی جز او نیست پس او را کارساز خویش اختیار کن) [سورة المزل: ۸،۹].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد..

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده و از او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، و از او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

اما بعد ای مسلمانان:

توکل بنده درست نخواهد شد مگر با اصلاح توحید اش، و به اندازه پاکی وصفی توحیدش، توکل او کامل خواهد شد، هرگاه بنده به غیر الله روی آورد، این کرده او در قلب او جا باز خواهد کرد؛ بنا براین به همان اندازه از توکل او کاسته خواهد شد.

هر کس دچار فقر و ناداری گردد، و برای زدودن آن به غیر خدا روی آورد، تنگدستی اش بر طرف نخواهد شد، هر کس می خواهد که قوی ترین مردم باشد، پس بر الله توکل نماید، و به آنچه نزد الله است اطمینان بیشتری داشته باشد نسبت به داشته های خویش.

ورضایت به قدر الهی و توکل کردن به او دو جانب خواسته های انسان را در بر گرفته اند، توکل قبل از انجام آن عمل، و رضایت بعد از انجام عمل، و رضایت به امر الهی زاییده توکل است، روح توکل همان سپردن تمام امور به الله متعال است، داود بن سلیمان رحمه الله می گوید: « با سه چیز می توان تقوای انسان مؤمن را سنجید: با توکل کامل بر آن چیزی که به آن نرسیده است، و رضایت کامل در آنچیزی که به او رسیده است، و صبر پیشه کردن در چیزی که از دست رفته است ».

به هر اندازه که بنده نسبت به پروردگار خویش آگاه تر باشد، به همان اندازه توکل او نیز به بیشتر خواهد شد، و قوت و ضعف توکل در بنده بستگی به قوت و ضعف او در ایمانش دارد.

پس هر کس به الله توکل نمود، در رسیدن به هدف خویش عجله نکند، چرا که الله وعده اتمام عمل او را بر عهده گرفته است، چرا که الله برای هر چیزی وقتی مشخص نموده است، پس نباید انسان متوکل در امر خویش عجله ورزیده و بگوید: من توکل کردم ولی نتیجه ای ندیدم، باید بداند که الله خواسته او را به حقیقت خواهد رساند، ولی الله متعال برای هر چیزی موعدی مقرر نموده است.

والله در اختیار کردن امور و تدبیر آن یگانه و تنهاست، و تدبیر الهی برای بنده بهتر است از تدبیر بنده برای نفس خویش، چرا که او از بنده نسبت به بنده مهربان تر است.

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به سلام و درورد فرستادن بر پیامبر خویش نموده است....

گمان نیک داشتن به الله^(۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهیم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را همانگونه که شایسته اوست پیشه کنید؛ چرا که نعمت حقیقی در پیروی از قرآن و سنت نهفته است، و شقاوت و گمراهی در پیروی از هوای نفس.

ای مسلمانان:

یگانه پرستیدن الله متعال حق مسلم ذات او بر بندگانش است، و جهت همین امر پیامبران را فرستاده و کتاب های آسمانی را نازل نمود، و حقیقت آن: این است که تنها الله متعال پرستش شود، و عبادت: اسمی جامع و شامل است که هر آنچه را که الله - از اعمال و اقوال ظاهری و باطنی - می پسندد در بر می گیرد، لذا قلب بندگی خاص خویش را دارد، و بندگی قلب بالاتر، برتر و ماندگار تر از سایر اعضای بدن است، و وارد شدن اعمال قلب در حقیقت تعریف ایمان برتر از وارد شدن اعمال اعضای بدن می باشد، بنابراین هدف اصلی، ایمانی است که بر مبنای اعمال قلب قائم باشد، و اعمال ظاهری در حقیقت کامل کننده اعمال قلب می باشند، و این اعمال مورد قبول قرار نخواهند گرفت مگر با وجود عمل قلبی، پس اعمال قلب روح عبادت و اصل و اساس آن هستند، بنا براین، و اگر اعمال ظاهری از وجود عمل قلب خالی باشند، هیچ فایده ای ندارند، و اصلاح قلب یعنی اصلاح کل بدن، رسول الله ﷺ

(۱) این خطبه در روز جمعه، هجدهم ربیع الآخر، سال هزار و چهار صد و سی و نه در مسجد نبوی ایراد شده است.

فرمودند: ((آگاه باشید که در بدن تکه گوشتی قرار دارد، که اگر اصلاح و پاک گردد، تمام بدن پاک و اصلاح خواهد گشت، و اگر فاسد گردد، تمام بدن فاسد خواهد گشت، آگاه باشید که این تکه گوشت همان قلب است)) [متفق علیه].

وبرتری میان بندگان بستگی به اعمال قلوب آنان دارد، قلب است که الله متعال به آن می نگرند؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((همانا الله متعال به بدن ها، و شکل های شما نمی نگرند، ولی به قلوب و اعمال شما خواهد نگریست)) [روایت مسلم].

واز برترین اعمال قلب: گمان نیک داشتن به الله متعال می باشد؛ گمان نیک به الله از فرایض اسلام بوده، واز واجبات توحید است، ومعنای کامل آن: هر گمانی که شایسته ذات الهی سبحانه و تعالی و أسماء و صفاتش باشد، و این خود سرگرفته از آگاهی داشتن کامل نسبت به الله متعال می باشد، وبنیان آن همان علم و آگاهی به وسعت رحمت الله، وعزت واحسانش، وقدرت وعلمش، وخوب برگزیدن او، می باشد، پس اگر این امور در بنده کامل گردد لا جرم ثمره آن همان گمان نیک نسبت به پروردگارش خواهد بود، وبعضی اوقات نیز از مشاهده کردن اسماء و صفات الهی نیز به وجود خواهد آمد.

وهر کس در قلب او حقائق معانی اسماء و صفات الهی جایگزین گردد، پس در هر اسم و صفت ذات او گمان نیک مخصوص آن را پیدا خواهد کرد، چرا که هر صفتی از صفات الهی عبودیت و حسن ظن خاص خویش را داراست.

وكمال ذات الهی و بزرگی و زیبایی و برتری او بر خلقش موجب پیدا شدن گمان نیک در بنده می شوند، و الله تعالی بندگان خویش را به این کار امر نموده است:

﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

(و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد) [سورة البقرة: ۱۹۵].

سفیان ثوری رحمه الله می گوید: «گمان تان را نسبت الله نیک بگردانید»، رسول الله ﷺ قبل از موت خویش از عظمت جایگاه آن برای صحابه می گوید، جابر ؓ می گوید:

«از رسول الله ﷺ سه روز قبل از موتش شنیدم که فرمود: ((کسی از شما نمیرد مگر اینکه قبل از آن گمان خویش را نسبت به الله متعال نیک گرداند)).»

الله متعال بندگان فروتن را که به او گمان نیک دارند ستایش نموده و بشارت داده است، و از بشارت زود رس آنان این است که عبادت را برای شان آسان نمود؛

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ *
الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

(از شکیبایی و نماز یاری جوید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان * همان کسانی که می دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و به سویی او باز خواهند گشت) [سورة البقرة: ۴۵، ۴۶].

و پیامبران به این جایگاه و مقام نرسیدند مگر با شناخت آنان از الله، و سپردن تمام امور خویش به او بنا بر گمان نیکی که به ذات او داشتند، همانگونه که ابراهیم علیه السلام هاجر علیها السلام و فرزندش را کنار کعبه رها کرد، در حالیکه در آن مکان هیچ جاننداری وجود نداشت، و آبی برای زنده ماندن نیز نبود، سپس ابراهیم برگشت و هاجر دوان دوان پشت سر او می رفت، و به او گفت: «ای ابراهیم کجا می روی و ما را تنها در این بیابان بی آب و علف رها می کنی؟ این گفته خویش را بارها تکرار کرد، ولی او هیچ توجهی نمی کرد، پس هاجر گفت: آیا خدا تو را به این کار امر نموده است؟ فرمودند: بله، هاجر گفت: پس او ما را تنها نخواهد گذاشت» [روایت بخاری]، و سرانجام گمان نیک او به الله همان چیزی بود که در گمان نمی گنجید: آبی از زیر زمین فواره زد، و کعبه آباد گردید، و نام آن تا ابد و همیشه خواهد ماند، و اسماعیل نیز پیامبری از پیامبران خدا شد، که نسل همه انبیاء از او سر رشته می گیرد.

یعقوب علیه السلام دو تا از فرزندان خویش را از دست داد، ولی صبر پیشه کرده، و امر خویش را به الله سپرده و گفت:

﴿قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ﴾

(گفت من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می برم) [سورة يوسف: ۸۶].

و قلبش سرشار از گمان خوب نسبت به پرودگارش بود، و می دانست که او بهترین نگهدارنده است، و گفت:

﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾

(امید که خدا همه آنان را به سوی من [باز] آورد که او دانای حکیم است) [سورة يوسف: ۸۳].

و نیز فرزندان خویش را بر آن امر نموده و فرمود:

﴿يَبْنَیْ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْيَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِئُسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾

(ای پسران من بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید نباشید زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود) [سورة يوسف: ۸۷].

و بنی اسرائیل دچار چنان بلا و مصیبت هایی گشتند که توانایی و تحمل آن را نداشتند، ولی هر اندازه سختی بزرگ باشد باید گمان نیک نسبت به الله کمرنگ نگردد، که در آن راه نجات و سلامتی می باشد، همانگونه که موسی علیه السلام به قوم خویش گفت:

﴿أَسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾

(از خدا یاری جویید و پایداری ورزید که زمین از آن خداست آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است) [سورة الأعراف: ۱۲۸].

وسراسیمگی و نگرانی موسی و همراهانش از حد گذشت آن زمان که دریا در جلوی روی آنان و فرعون و لشکریانش پشت سر آنان قرار داشتند، در این هنگام یاران موسی علیه السلام گفتند:

﴿قَالَ أَصْحَبُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾

(یاران موسی گفتند ما قطعاً گرفتار خواهیم شد) [سورة الشعراء: ۶۱].

ولی جواب کلیم الله نسبت به یقینی که به پروردگارش داشت این بود:

﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾

(گفت چنین نیست زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد) [سورة الشعراء: ۶۲].

در این هنگام بود که وحی از آسمان نازل شد، همان چیزی که کسی توقع آن را نداشت:

﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أُضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ
* وَازْلَفْنَا ثُمَّ أَخْرَجْنَا * وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ * ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ﴾

(پس به موسی وحی کردیم با عصای خود بر این دریا بزن تا از هم شکافت و هر پاره ای همچون کوهی سترگ بود * و دیگران را بدانجا نزدیک گردانیدیم * و موسی و همه کسانی را که همراه او بودند نجات دادیم *
آنگاه دیگران را غرق کردیم) [سورة الشعراء: ۶۳-۶۶].

و بزرگترین بنده و برترین آنها نسبت به گمان نیک به الله: پیامبر ما محمد ﷺ می باشد؛
قومش او را مورد آزار و اذیت قرار دادند، ولی ایشان با یقینی که نسبت به وعده پروردگار خویش داشت، ثابت قدم ماند، فرشته کوه ها به ایشان می گوید: ((اگر خواستی این دو کوه

را بر آنان واژگون خواهم کرد، رسول الله ﷺ فرمودند: بلکه امید دارم که الله متعال از فرزندان آنان کسانی را بیاورد که الله متعال را پرستیده و به او شرک نورزند)) [متفق علیه]، و در بدترین وسخت ترین حالت گمان نیک به الله در وجود ایشان کمرنگ نخواهد شد، از مکه بیرون آمده و در مسیر راه به غاری پناه برد، و کفار به دنبال او بودند در این هنگام بود که به همراه خویش (ابوبکر) گفت:

﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾

(اندوه مدار که خدا با ماست) [سورة التوبة: ۴۰].

ابوبکر رضی الله عنه می گوید: «به رسول الله ﷺ گفتم: اگر یکی از آنها زیر پای خویش را نگاه بکند ما را خواهد دید، رسول الله ﷺ فرمودند: ((ای ابوبکر، گمان تو نسبت به دو نفر چیست که الله سومی آنان باشد)) «[متفق علیه].

با تمام آنچه از سختی ها و مصیبت ها و جنگ ها که بر سر ایشان آمد باز هم ایشان یقین کامل به منتشر شدن این دین داشتند: ((این دین به همان جایی خواهد رسید که روز و شب رسیده اند، و هیچ خانه ی گلی و یا خاکی و یا خیمه ای را ترک نخواهد کرد مگر اینکه وارد آن خواهد شد)) [روایت احمد].

بادیه نشینی شمشیر خویش را از غلاف کشیده و بر بالای سر رسول الله ﷺ ایستاد، رسول الله ﷺ می گوید: ((هنگامی که از خواب برخاستم او را دیدم که شمشیر در دست دارد، به من گفت: چه کسی تو را از من نجات خواهد داد؟ گفتم: الله (سه مرتبه)؛ و بادیه نشین سر جای خویش نشست، و رسول الله ﷺ او را تویخ نکرد)) [متفق علیه]، و در روایت احمد: ((شمشیر از دستش افتاد)).

صحابه در یقین به الله در رتبه دوم بعد از پیامبران قرار دارند، الله متعال در مورد آنان فرمود:

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

(همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس از آن برسید و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است) [سورة آل عمران: ۱۷۳].

ابن دغنه پیش ابوبکر صدیق آمد تا عهد و پیمان خویش را نسبت به دفاع کردن از او بشکند، و به کفار قریش اجازه بدهد تا او را مورد آزار و اذیت قرار دهند، ابوبکر (رضی الله عنه) نیز به او گفت: «من نیز پیمان تو را شکسته او پناه تو رهیده و به الله پناه می برم» [روایت بخاری]، عمر (رضی الله عنه) می گوید: «رسول الله (صلی الله علیه و آله) به ما امر کرد تا صدقه بدهیم، و این امر ایشان بر حسب اتفاق نزد من مالی برای این کار وجود داشت مصادف شد، با خودم گفتم: امروز از ابوبکر سبقت خواهم گرفت بعد از اینکه هرگز نتوانستم از او سبقت بگیرم، لذا نصف دارائی خویش را پیش رسول الله (صلی الله علیه و آله) آوردم، و ایشان (صلی الله علیه و آله) از من پرسید: چه چیزی برای خانواده خویش گذاشتی؟ گفتم: نصف آن را، و ابوبکر تمام مال و اموال خویش را پیش ایشان آورد، رسول الله (صلی الله علیه و آله) از او پرسید، چه چیزی برای خانواده خویش گذاشتی؟ گفت: الله و رسولش را» [روایت ابو داود].

و خدیجه سرور زنان جهان است، پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ابتدای وحی پیش ایشان آمده و گفت: ((ترسیدم که مرا گزندى رسد، خدیجه گفت: هرگز؛ بشارت به خیر ده، به خدا سوگند که الله تو را هرگز ضایع نخواهد کرد، چرا که تو صله رحمی می کنی، و راستگو هستی، و به فقرا کمک می کنی، و به دنبال راه و چاره برای بینوایان هستی، و از مهمان پذیرایی می کنی، و مردم را در سختی ها یار و یاور هستی)) [متفق علیه].

و بر این منهج سلف امت زندگی خویش را سپری نمودند، سفیان ثوری رحمه الله می گوید: «من دوست ندارم که در فردای قیامت حساب رسی من دست پدر و مادرم باشد، چرا که پروردگارم برای من بهتر است»، و از دعای سعید بن جبیر این بود: «بار الها از تو راستی در توکل، و گمان نیک نسبت به تو را، خواستارم».

و در میان جنیان نیکانی وجود دارند که گمان های شان به الله نیک است، و به قدرت الله و وسعت علمش یقین دارند، همان گونه که می گفتند:

﴿وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا﴾

(و ما مي دانيم که هرگز نمي توانيم در زمين خداي را به ستوه آوريم و هرگز او را با گريز [خود] در مانده نتوانيم کرد) [سورة الجن: ۱۲].

والله بندگانى دارد که اگر به او سوگند ياد کنند، خواسته او را بر آورده خواهد کرد، اين کار آنان از روى کبر و تکبر نيست، بلکه از روى حسن ظن داشتن به الله متعال است، و انسان مومن بايد در هر حال و هر زمان و مکانى گمانش نسبت به پروردگارش خوب باشد، و شايسته ترين مکان و زمان همان وقت خواهد بود که با او مناجات مى کند.

واز اسباب پذيرفته شدن توبه بنده: گمان نيك داشتن به الله متعال است، رسول الله ﷺ در حديث قدسى مى فرمايند که: ((الله متعال مى گويد: بنده من گناهی نمود؛ و آگاه بود که او پروردگاری دارد که گناه را يا مى بخشد و يا مواخذه خواهد کرد، پس ای بنده من هر آنچه خواستی انجام بده که من تو را مورد مغفرت و بخشش قرار دادم)) [متفق علیه].

و در سختی و بلاها گمان های نيك به الله ثابت گشته و گمان های بد رسوا خواهد شد، همانگونه که در غزوه احد اهل ایمان ثابت قدم ماندند، و بی ایمانان در مورد الله گمان های زمان جاهلیت را به خود راه می دادند، و در غزوه احزاب ظنون مختلفی در بین بندگان پديد آمد:

﴿هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا * وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾

(آنجا [بود که] مومنان در آزمائش قرار گرفتند و سخت تکان خوردند * و هنگامی که منافقان و کسانی که در دلهایشان بیماری است می گفتند خدا و فرستاده اش جز فریب به ما وعده ای ندادند) [سورة الأحزاب: ۱۱، ۱۲].

ولی صحابه رضی الله عنهم یقین داشتند که این سختی ها چیزی جز آزمائشات الهی نیست که به دنبال آن پیروزی و سربلندی خواهد آمد، لذا الله متعال در مورد آنان می گوید:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾

(و چون مومنان دسته های دشمن را دیدند گفتند این همان است که خدا و فرستاده اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده اش راست گفتند و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود) [سورة الأحزاب: ۲۲].

وراه فرار هنگام سختی و تنگنا و هموم دنیوی تنها همان گمان نیک به الله داشتن است، و سه نفری که در جهاد به همراه رسول الله ﷺ عقب افتادند چیزی به جز گمان نیک به الله غم و اندوه آنان را بر طرف نساخت، بنا بر این الله متعال در مورد آنان فرمود:

﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾

(و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخی اش بر آنان تنگ گردید و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سویی او نیست پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند بی تردید خدا همان توبه پذیر مهربان است) [سورة التوبة: ۱۱۸].

والله متعال قادر و تواناست، ونصرت ویاری او به بندگان ودوستانش قطعی و یقینی می باشد، الله متعال فرمود:

﴿إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذَلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّن بَعْدِهِ
وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾

(اگر خدا شما را یاری کند هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند) [سورة آل عمران: ۱۶۰].

والله متعال رحمان ورحیم است، هر کس به او ایمان آورده و عمل نیک انجام دهد، و از او طلب رحمت بکند، از آن بی بهره نخواهد گشت، رسول الله ﷺ فرمودند: ((**آن هنگام** که الله متعال از آفرینش مخلوقات به پایان رسید، در کتاب خویش که پیش او بر بالای عرش قرار دارد، نوشت: **رحمت من بر غضب و خشم من پیشه گرفت**)) [متفق علیه].

وهر کس که دنیا بر او تنگ آمد پس راه فرار از آن گمان نیک به الله می باشد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((**هر کس دچار تنگدستی گردد، و شکایت خویش را پیش مردم برد، فقر او بر طرف نخواهد شد، ولی اگر کسی به آن دچار شده و پیش خدا از تنگدستی خویش گلایه بکند، پس نزدیک است که الله متعال به او رزق و روزی در نزدیک ترین وقت نصیب گرداند**)) [روایت ترمذی]، زبیر بن عوام به فرزندش گفت: «ای فرزندم اگر در ادای قرض عاجز و ناتوان ماندی از مولایم کمک بگیر، گفتم: بابا مولای تو کیست؟ گفت: الله، به خدا سوگند که هیچ وقت در منجلا ب وام گیر نکردم مگر اینکه ندا می دادم که ای مولای زبیر وام مرا ادا بکن، پس الله نیز آنرا ادا می کرد» [روایت بخاری].

الله سبحانه بخشنده و بخشایشگر است، وهر کس در بخشش و کرم او گمان خویش را نیک بگرداند، به خواسته اش خواهد رسید، الله متعال در ثلث اخیر شب به آسمان دنیا آمده و می گوید: ((**چه کسی است که مرا بخواند؟ تا دعایش را اجابت کنم، و چه کسی است که از من بخواهد؟ تا خواسته اش را بر آورده نمایم، و چه کسی است که طلب بخشش بکند؟ تا گناهانش را بیامرزم**)) [متفق علیه]، دو دست او همیشه پر هستند ((**هیچ نفقه ای از آن نخواهد کاست، شبانه روز در حال بخشش و عطاست**)).

والله متعال قبول کننده توبه بندگان است، وبا توبه آنان خوشحال خواهد شد، دستش را در شب می گشاید تا گنهکار روز توبه کند، ودر روز می گشاید تا گنهکار شب توبه کند، و بیشترین نیاز بنده نسبت به گمان نیک به پروردگارش زمانی خواهد که مرگش فرا رسد، و دنیا را وداع گفته و به سوی رب خویش بشتابد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((**هیچ کس از شما نمیرد مگر اینکه نسبت به پروردگارش گمان نیک داشته باشد**)) [روایت مسلم].

در این عبادت اجرای امر الهی، و تحقیق امر بندگیست، و هر گمانی که بنده به رب

خویش داشته باشد همان را خواهد یافت: ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: «هیچ بنده ای گمان نیک به رب خویش نخواهد کرد مگر اینکه به خواسته خویش خواهد رسید، چرا که خیر فقط در نزد الله است و بس».

و اگر بنده از نعمت گمان نیک به رب العالمین بهره مند گردد: به راستی که الله متعال دروازه بس بزرگی در دین بر او گشوده است: ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: به ذاتی سوگند که معبودی بر حق غیر از او نیست، به هیچ بنده مومنی نعمتی بالاتر از حسن ظن به الله متعال عطا نشده است».

و اعمال و کردار انسان ها نیز بر خواهد گشت به حسن ظن آنان نسبت به پروردگار شان، انسان مومن به الله متعال گمان نیک داشت پس عمل نیک و شایسته انجام داد، ولی انسان کافر با گمان بد کار بد را پیشه قرار داد، این عبادت نشانه راست بودن و استوار بودن بنده در راه اسلام و ایمان است، و بنده با این عبادت راه بهشت را طی خواهد کرد، عبادتی قلبی است که ثمره آن توکل و یقین بر الله می باشد: ابن قیم رحمه الله می گوید: «به اندازه گمان نیک تو نسبت به پروردگارت و امیدت به او، نسبت به ذات او بر او توکل خواهی نمود، لذا بعضی ها گمان نیک را به معنای توکل تفسیر کرده اند، واصل معنا اینست: که حسن ظن نسبت به الله بنده را به سوی توکل سوق می دهد، چرا که نمی توان در حالت گمان بد تصور کرد که انسان به الله توکل خواهد کرد، چرا که از کسی که امیدی نباشد، نمی توان بر او توکل کرد».

هر کس گمانش به الله نیک گردد، نفسش سخاوت مند گشته، و مالش را در راه الله خواهد داد، الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾

(و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می دهد) [سورة سبأ: ۳۹].

سلیمان دارانی می گوید: «هر کس به رب خویش یقین کرده اخلاق او را بیش از پیش آراسته، و او را بردبار خواهد ساخت، و نفسش سخاوت مند گشته، و وسوسه های شیطانی

در نماز از او دور خواهند گشت.»

و همیشه از الله امید دارد، وبه وعده های او یقین کامل داشته، و کار نیک را به امید فضل و بخشش الهی انجام می دهد:

﴿وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ﴾

(و هر کار نیکی انجام دهند هرگز در باره آن ناسپاسی نبینند) [سورة آل عمران: ۱۱۵].

والله متعال با بندگان خویش به اندازه گمان شان رفتار خواهد کرد، چرا که جزا از جنس خود عمل است، پس هر کس گمان خوب داشت، به آن خواهد رسید، و هر کس گمان بد داشت، به راستی که خسارت کرده است، رسول الله ﷺ می گوید: ((الله متعال فرمود: من با بنده خویش نسبت به گمانش رفتار خواهم کرد، اگر گمانش خوب باشد، به آن خواهد رسید، و اگر گمانش بد باشد، نیز به آن خواهد رسید)) [روایت احمد]، و اگر بنده نسبت به الله گمان خوب داشته باشد پس الله متعال او را هرگز ناکام نخواهد گذاشت، و روز قیامت کسی که گمانش نسبت به الله خوب بوده است می گوید:

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهٗ * إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ *

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ * فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ﴾

(اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود گوید بیاید و کتابم را بخوانید* من یقین داشتم که به حساب خود می رسم* پس او در یک زندگی خوش است* در بهشتی برین). [سورة الحاقة: ۲۱۲۲-۱۹۲۰].

وبعد، ای مسلمانان:

الله بخشنده و بزرگ وقوی و با عظمت است، هر گاه اراده انجام کاری را نماید به او می گوید: باش پس [فورا موجود] می شود، وعده نگهداری از کتاب خویش، و یاری مومنان را داده است، عاقبت نیک را سرانجام پرهیزگاران نمود، به هر کس هر آنچه بخواد عطا

خواهد کرد، و کسی که به او پناه ببرد سختی ها را از او خواهد زدود.

هر کس علم و آگاهی اش نسبت به الله بیشتر گردد، یقینش نسبت به او بیشتر خواهد گردید، و هر کس گمان بد به او ورزد لاجرم از روی جهل و نادانی او خواهد بود، الله متعال فرمود:

﴿يُظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ﴾

(و در باره خدا گمانهای ناروا همچون گمانهای [دوران] جاهلیت می بردند) [سورة آل عمران: ۱۵۴].

واز ثمره های ایمان به اسماء و صفات الهی می توان به: حسن ظن به او، و اعتماد کردن بر او، و واگذار نمودن امر به نام برد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

(پس گمانتان به پروردگار جهانها چیست) [سورة الصافات: ۸۷].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد...

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده و از او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، و از او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

ای مسلمانان:

در امتحان و آزمایش الهی با دشمنان؛ نوعی پاک شدن و آلایدن ایمان، و بالا رفتن درجات، و بخشش گناهان، و نایل شدن به درجه رفیع شهادت، و یاری و نصرت دین، و بازگشت مسلمانان به سوی خدا، و ظاهر گشتن مکر و نیرنگ دشمنان وجود دارد.

و هر مصیبتی که سراغ مسلمانان می آید؛ نوعی بیداری برای آنان، و محاسبه نفس های شان، و بازگشت به سوی الله، و زنده نگه داشتن اوامر او، و به دور انداختن اسباب ضعف و اختلاف میان آنان، و طلب نصرت برای دین الله محسوب می گردد.

سپس بدانید که الله شما را امر به دور و سلام بر پیامبر خویش نموده است...

خیر در آن چیزی است که الله اختیار نموده است^(۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جزء الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را همانگونه که شایسته اوست پیشه کنید؛ چرا که تقوا بهترین توشه در نهان و پنهان و بهترین همراه برای شما خواهد بود.

ای مسلمانان:

الله متعال برای ذات خویش نام هایی نیکی برگزیده است، و دارای شایسته ترین صفات می باشد، مخلوقات را تمام و کمال آفرید، و کاینات را در نهایت خلاقیت آفرید، هیچ متحرکی به حرکت در نخواهد آمد مگر با علم و اراده او، و اوست که حکم می کند و کسی توانایی اعتراض بر آن را نخواهد داشت، فیصله کرده و کسی حق اعتراض ندارد، چنان قدرت مند است که کسی را یارای رو در رویی با او نیست، بزرگ و تواناست: در آنچه [خدا] انجام می دهد چون و چرا

(۱) این خطبه در روز جمعه، دوازدهم ربیع الأول، سال هزار و چهار صد و بیست نه در مسجد نبوی شریف ایراد شده است.

راه ندارد ولی آنان انسانها سوال خواهند شد، با وجود تمام آنچه گذشت الله متعال مهربان است، بندگانش غرق در نعمت های او هستند، از مادر نیز نسبت به بندگانش مهربان تر است، شکرگذار است: هر کس امری را به خاطر او ترک گوید، به او در مقابل آن بیشتر عطاء خواهد کرد، نسبت به بندگانش مهربان است؛ ارزاق را برای آنان به گونه ای روانه می کند که هرگز متوجه نمی شوند، رزق دهنده وداناست؛ درهای رزق را از آسمان و زمین بر بندگان خویش گشوده است:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

(بگو کیست که شما را از آسمانها و زمین روزی می دهد بگو خدا) [سورة یونس: ۳۱].

در بخشش و کرم بی حد و حساب می دهد، بین او و بندگانش حجابی وجود ندارد.

در حالیکه بنده ضعیف و محتاج بوده و عجله کردن در کارها صفت ذاتی اوست، و جهل همیشه ملازم می باشد، نمی داند که فردا چه اتفاقی خواهد افتاد، و کجا خواهد مرد؟:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

(و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون

آورد و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید)
[سورة النحل: ۷۸].

وایمان داشتن به قضاء و قدر الهی: یکی از ارکان ایمان است، رسول الله ﷺ به صحابه خویش اسباب ایمان و رضایت نسبت به آنچه الله متعال برای آنان اختیار نموده است را می آموخت، همانگونه که قرآن را به آنان یاد می دادند، چرا که امور غیبی بر آنان پوشیده و حکمت کارهای الهی برای آنان معلوم نیست، جابر رضی الله عنه می گوید: ((رسول الله ﷺ به ما استخاره کردن در تمام شوون زندگی یاد را می دادند، همانگونه که سوره قرآن را به ما می آموختند)) [روایت بخاری]، آن چیزی که الله متعال برای بنده می پسندد، بهتر از چیزی است که بنده به دنبال آن است، چرا که الله نسبت به بنده از خود بنده مهربان تر است، و آنچه چیزی را که الله متعال برای بنده ذخیره می کند، بهتر خواهد بود از آنچه چیزی که خود بنده می خواهد، اگر چه بنده با تمام وجود خویش برای رسیدن به آن تلاش بکند، رسول الله ﷺ فرمودند: ((امر انسان مومن عجیب است؛ چرا که تمام امورش برای او خیر می باشد، واین امر برای کسی جز انسان مومن نیست، اگر به او خوبی برسد شکر گذار خواهد بود که این برای او خیر است، و اگر ضرری به او رسد صبر پیشه می کند که این هم برای او خیر است)) [روایت مسلم].

وهر آنچه از غم و اندوه هایی که سراغ انسان مسلم می آیند، الله متعال او را به آن مبتلا خواهد کرد تا پاک گردد، و با آن بنده را آزمایش خواهد

کرد تا بدین بهانه به او بیشتر بدهد، و او را باز خواهد داشت تا او را بالا ببرد، چه بسا که عاقبت و ثمره امر ناپسند شیرین و زیباست، و چه بسا ثمره امر دلپسند، تلخ و ناگوار است، الله متعال می فرماید:

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

(و خدا می داند و شما نمیدانید) [سورة آل عمران: ۶۶].

چه منزلت ها و جایگاه هایی که الله متعال برای بنده خویش به سبب آزمایشات و مصیبت ها فراهم نموده است ولی او نمیداند؟ الله متعال به ابراهیم علیه السلام فرزندش اسماعیل را در کهنسالی عطاء نمود، و ایشان فرزندش را بسیار دوست می داشت، و الله متعال ایشان به امر نمود تا فرزندش را قربانی کند، پس ابراهیم امر الهی را اجرا نمود، ولی الله متعال فرزند او را از این امر رهانید، و در نتیجه اسماعیل به همراه پدرش کعبه را بنا نهاد، و الله متعال بعد از اسماعیل اسحاق را به او ارزانی داشت، و از یعقوب فرزندش اسحاق به دنیا آمد، و هیچ پیامبری نیست مگر از نسل ابراهیم خلیل علیه السلام.

و ابراهیم همسر خویش هاجر را در بیابانی بی آب و علف، که در آن هیچ موجود زنده ای نبود، رها نمود، که تا سرحد مرگ پیش رفت، چرا که نه آبی بود، و نه جایی برای استراحت، لذا ایشان میان دو کوه می دویدند تا کسی را پیدا کند، ولی دریغ از موجودی زنده، پس خیر در آن چیزی بود که الله متعال اختیار کرده بود، بنا براین جبریل امین از آسمان فرود آمده و با

بال خویش بر زمین کوبید که بر اثر آن چشمه آب زمزم روان گشت، که تا امروز حجاج و معتمرین از آن آب می نوشند، -به برکت تو کل نمودن هاجر بر الله-، و جهت قدر دانی از او بین صفا و مروه همانند خود او می دونند.

و یوسف علیه السلام در آغوش پدری مهربان و دلسوز بزرگ شد، تا جایی که از بازی کردن او با برادرانش دلهره داشت:

﴿أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

(فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود) [سورة یوسف: ۱۲].

سپس از میان تمام این مهر و محبت به ناگه رهیده، و مهر و محبت پدری و دوستی برادران را از دست می دهد، و در چاه تنها می ماند، در حالیکه الله متعال به او نسب و زیبایی و جوانی عطاء کرده بود، سپس زنی بعد از نجات از چاه از او کام می خواست، ولی ایشان با وجود تمام اسباب گفتند:

﴿قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رِجِي أَحْسَنَ مَثْوًى﴾

(پناه بر خدا او آقاي من است به من جاي نيكو داده است) [سورة یوسف: ۲۳].

این شد که الله او را ستایش نموده، و ضرب المثلی در عفاف و پاکدامنی برای جوانان قرار داد، و بعد از چاه به ایشان رسالت الهی (پیامبری) را عطاء نموده، و گنجینه های پادشاهی را در دستان ایشان قرار داده، و به نام او سوره ای فرو

فرستاد که تا روز قیامت تلاوت خواهد شد.

وایوب علیه السلام با بیماری مورد آزمایش الهی قرار گرفت، تا جایی که یارانش از ایشان می گریستند، و در همین حالت بیماری بود که فرزندانش فوت کردند، ولی الله متعال با رحمت خویش شفا و نعمت ها را برای او ذخیره کرده بود، پس از آزمایش رهیده، والله متعال دوباره به اندازه همان فرزندان به او عطاء نمود، والله متعال ایشان را از ضرب المثلی برای صابران قرار داد:

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ﴾

(و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان * پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجددا] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت کنندگان [باشد]) [سورة الانبیاء: ۸۴، ۸۳].

و یونس علیه السلام از داخل کشتی به تاریکی دریا انداخته می شود، و ماهی دریا او را می بلعد، ولی الله متعال او را با عنایت خویش از بلا می رهاند؛ وبعد از چند روز در شکم ماهی، او را بر ساحل دریا می اندازد، و بر سر او درخت کدو را می رویاند، و او را روانه صد هزار و اندی آدم می کند، که بر اثر دعوت او ایمان آوردند و تا چندی برخوردارشان کرد، و این ابتلای و آزمایش مایه خیر و

خوشی برای او و قومش بود، لذا هیچ احدی دعای یونس را نخواهد خواند مگر اینکه الله متعال او را از منجلاب سختی ها خواهد رهانید:

﴿وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾

(و ذوالنون را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم * پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می دهیم) [سورة الانبياء: ۸۸، ۸۷].

رسول الله ﷺ فرمودند: ((دعای یونس که در شکم ماهی خواند: (لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)؛ هیچ مسلمانی در وقت مصیبت و بلا این دعا را نخواهد خواند مگر اینکه الله متعال دعای او را استجابت خواهد کرد)) [روایت ترمذی].

وزکریا علیه السلام از نعمت فرزند تا مدت زمانی طولانی محروم ماند، تا جایی که استخوانش نرم شده، و موی سرش سفید گشت، ولی او با خدای خویش راز و نیاز می کرد؛ و نتیجه این تاخیر این بود که فرشتگان او را بشارت به فرزندى دادند، فرزندى که خود الله متعال او را نام نهاد، و قبل از آن چنین اسمی بر کسی نهاده نشده بود؛

﴿يَزَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾

(ای زکریا ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می دهیم که قبلاً
همنامی برای او قرار نداده ایم) [سورة مریم: ۷].

وقبل از اینکه مادرش برای او حامله شود، الله متعال برای زکریا کیفیت
زندگی فرزندش را بیان نمود تا بدین گونه آرامش گیرد:

﴿وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾

(و بزرگوار و خوشتندار [=پرهیزنده از آنان] و پیامبری از شایستگان است
مژده می دهد) [سورة آل عمران: ۳۹].

والله متعال به مادر موسی امر می کند که فرزند شیر خواره خویش را در
دریا بیندازد، ظاهر این امر جز هلاک نیست، ولی الله متعال او را محافظت نمود،
تا جایی که تمام شیر دهندگان را بر او حرام گردانید، و او را دوباره به مادرش باز
گرداند که هم به او شیر بدهد و هم در مقابل از فرعون دست مزد بگیرد.
سپس موسی در قصر فرعون در عیش و عشرت زندگی می کند، کا ناگه
به مصیبتی گرفتار می گردد، آن هنگام که قومش بر علیه او توطئه چینی می کنند
تا او را به قتل برسانند، لذا از مصر با حالتی ترسان و هراسان خارج شده و در بیابان
بی آب و علف به راه خویش ادامه می دهد، به مدین - شهری که آن را نمی
شناسد - می رسد، و سر خویش را به سوی آسمان بالا برده و می گوید:

﴿فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾

(و گفت پروردگارا من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم)
[سورة القصص: ۲۴].

بنا بر این الله متعال به او بعد از این ابتلای و آزمایش پیامبری و نبوت را عطاء

نموده و ایشان را از پیامبران الو العزم قرار داد.

ومادر مریم آروزی فرزندی پسر را دارد، ولی الله متعال به او دختری عطا می نماید، وعاقبت این امر خیر وخوبی، بس بزرگ بود، واین دختر پیامبری از پیامبران خدا را به دنیا می آورد.

ومریم علیها السلام پاک دامن بود، لذا الله متعال از روح خویش در آن دمید، که به سبب آن بدون همسر باردار شد، واز ترس این مصیبت گفت:

﴿قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّذْنِيًّا﴾

(گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم) [سورة مریم: ۲۳].

ولی الله متعال دانای با حکمت است، و این فرزند را آیتی برای مردم قرار داد، حمل کردن بدون همسر، وآن فرزند نیز بعد از تولد پیامبری از پیامبران الهی می گردد، وتا روز قیامت ذکر مادر و فرزند در قرآن زنده خواهد ماند:

﴿وَجَعَلْنَاهَا وَأَبْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾

(و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم) [سورة الأنبياء: ۹۱].

وپيامبر ما محمد ﷺ یتیم وار بزرگ شد، نه پدر ومادر ونه برادری در کنار او بود؛ و تنها الله متعال بود که ایشان را در پناه خویش گرفت:

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾

(مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد) [سورة الضحی: ۶].

وبه سوی آسمان به همراهی جبریل بالا رفت، والله متعال بهترین مکان در بهشت را برای او مهیا نموده و فرمود:

﴿وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى﴾

(و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود) [سورة الضحی: ۴].

وصحابه رضی الله عنهم از مکه به مدینه هجرت کردند، سرزمین خویش را با سرزمینی دیگر و مردمانی غیر از قوم خویش عوض کردند؛ این شد که الله متعال آنان را حامل رسالت دین اسلام نموده، و از اهل بهشت قرار داد:

﴿وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

(خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است همیشه در آن جاودانه اند این است همان کامیابی بزرگ) [سورة التوبة: ۱۰۰].

و در سال ششم هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله به همراه یاران خویش به حدیبیه می آیند، در حالیکه تعداد آنان هزار و چهار صد نفر بود، پس مشرکین مانع ورود آنان به مکه شدند، و صلح بر این مبنا صورت گرفت که برای ادای عمره سال آینده بیایند، لذا قلب های صحابه به درد آمده و ناراحت و غمگین گشتند، چرا که در کنار کعبه از دخول به آن باز داشته شدند، ولی آنان امر رسول الله صلی الله علیه و آله استعجابت نموده و جهت صلح و عمره برای سال آینده، دوباره برگشتند، در مقابل الله متعال به آنان عمره ای با سربلندی تمام عطا نمود، و فاتحانه و بدون هیچ گونه

خونریزی وارد مکه شدند که در نتیجه مردم فوج فوج به اسلام گرویدند، و رسول الله ﷺ بت های کعبه را از شکسته و از بین بردند؛

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾

(و بگو حق آمد و باطل نابود شد) [سورة الإسراء: ۸۱]، و اینگونه بود که دین در دنیا منتشر گردید.

و هر کس در جوانی خویش بر طاعت و بندگی خدای متعال بزرگ شود، و هوا و هوس خویش را از پیروی نفس باز دارد، روز قیامت الله متعال او را در زیر سایه عرش خویش قرار خواهد داد، روزی که در آن سایه ای جز سایه عرش او نیست.

و هر کس که نفسش او را برای رسیدن به زنی نا محرم تشویق کرد، ولی او از ترس خدا از آن دوری نمود، الله متعال او را زیر سایه عرش خویش با بهترین بندگان خویش قرار خواهد داد، قتاده رحمه الله می گوید: «هر مردی که توانایی انجام کار حرام را دارد، ولی او فقط جهت ترس الهی آن را ترک می کند، الله متعال قبل از پاداش اخروی به او پاداش دنیوی عطا خواهد نمود».

و هر کس بینایی خویش را از دست دهد و در مقابل آن صبر پیشه کند؛ الله متعال آن چیزی را به او عطا خواهد نمود که هیچ چشمی مانند آنرا ندیده است؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((الله متعال می فرماید: من بنده خویش را به نابینایی مبتلا نمودم ولی او صبر پیشه کرد؛ در مقابل من نیز به او بهشت را عطاء می کنم)) [روایت احمد].

پس هر کس به خوبی انتخاب الله یقین کند؛ مصیبت ها بر او ناگوار نخواهند بود، وسختی ها او را از پای در نخواهند آورد، وپاداش کرده خویش را خواهد یافت.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

(و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمیدانید)
[سورة البقرة: ۲۱۶].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد...

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده و از او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، و از او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

ای مسلمانان:

الله متعال برای بندگان خویش جایگاهها و درجات رفیعی را مقدر خواهد کرد که با اعمال خویش هرگز به آن نخواهند رسید، پس آنان را دچار بلا و مصیبت ها می گرداند تا با آن به درجات والا نایل گردند، و هر کس در این مصیبت ها صبر پیشه نموده و امر خویش را به خدا بسپارد؛ الله متعال در عوض به او نعمت رضایت و یقین را عطا خواهد نمود، و او را عاقبت به خیر خواهد کرد، و هر گاه نفس انسان سرکش گشته و او را به سوی حرام بخواند، ولی بنده از هوای نفس پیروی نکرده و از فعل حرام دوری گزیند، پاداش او چندین برابر خواهد شد، و عوض بهتر و برتری در مقابل آن دریافت خواهد کرد.

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به سلام و درود فرستادن بر پیامبر خویش نموده است.....

صبر پیشه کردن در برابر مصیبت ها و سختی ها^(۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را پیشه کنید که تقوا باعث فراوانی نعمت ها و از بین رفتن مشکلات می گردد.

ای مسلمانان:

به راستی که الله اجل ها و تقدیر آنان را مشخص و محدّد نموده است، و ارزاق آنان را تقسیم کرده است، موت و زندگی را آفرید تا آنها را مورد آزمایش قرار دهد، که چه کسی عمل نیک انجام خواهد داد، و ایمان داشتن به قضا و قدر الهی رکنی از ارکان ایمان است، و بر روی کره خاکی نه چیزی حرکت می کند، و نه از حرکت خواهد ایستاد مگر اینکه با علم و اراده الله باشد، و در این کاینات هیچ مخلوقی نیست مگر اینکه الله متعال آفریننده آن است، و دنیا نیز سرشار از

(۱) این خطبه در روز جمعه، پنجم محرم، سال هزار چهار صد و بیست دو هجری، در مسجد نبوی ایراد

مصیبت و گرفتاری هاست، و طبیعت این دنیا آمیخته است با مصایب و بلاها عجین شده است، و سختی هایی نیز مانند سردی و گرمی نیز وجود دارد که انسان چاره ای جز تحمل آنان را ندارد:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾

(و قطعاً شما را به چیزی از [قیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می آزمایشیم و مژده ده شکیبایان را) [سورة البقرة: ۱۵۵].
و این سختی ها نوعی آزمایش می باشند که با آن راستگو از دروغگو مشخص خواهد گشت:

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

(آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند) [سورة العنكبوت: ۲].

و نفس انسان جز با ابتلا و آزمایش پاک نخواهد گشت، و بلا و مصیبت است که مردانگی مردان را نمایان خواهد کرد، ابن جوزی رحمه الله می گوید: «هر آنکس که خواست تا سلامت و عافیت او بدون هیچ بلا و مصیبتی دوام یابد، پس او از نه معنای تکلیف را فهمیده است، نه معنای تسلیم شدن را»، هر انسانی باید طعم سختی را بچشد، چه مسلمان و چه کافر، و اساس دنیا نیز بر تحمل سختی ها و دشواری هاست، پس کسی از شما هرگز تمنای رهیدن از سختی ها را نداشته باشد.

وانسان در زندگی خویش غرق نعمت ها، و در کنار آن پذیرای سختی هاست، آدم علیه السلام برای او به امر الهی سجده کرد، ولی بعد از مدتی از بهشت بیرون رانده شد، آزمایشات همیشه بر عکس آرزوها و تمنیات انسان می آیند، ولاجرم همگان باید تلخی آنرا بچشند، مومن مورد آزمایش قرار می گیرد تا از گناهان پاک گردد و نه آنکه عذاب ببیند، و آن تحمل سختی در هنگام خوشی و ناخوشی است:

﴿وَبَلَوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

(و آنها را به خوشیها و ناخوشیها آزمودیم باشد که ایشان بازگردند) [سورة الأعراف: ۱۶۸].

بسا امر ناپسندی که بعد از آن به آرزوی خویش خواهی رسید، و بسا امر دلنشینی که بعد از آن گرفتار خواهی گشت، پس امید به این نداشته باش که همیشه در خوشی خواهد بود و یا بیم داشته باشی که از منجلا ب سختی ها بیرون رهایی نخواهی جست.

همانگونه که الله متعال فرمود:

﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

(و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمیدانید) [سورة البقرة: ۲۱۶].

پس نفس خویش را قبل از وقوع سختی ها آماده گردان، تا وقوع آن بر نفس آسان گردد، با آمدن مصیبت ها ناراحت مشو، چرا که مدت آن نزد الله محدود است، و سخن ناشایست مگو، چه بسا کلمه ای که سبب هلاکت انسان گردد.

و انسان مومن همیشه در برابر مشکلات بزرگ پایدار است، و قلبش متزلزل نخواهد شد، و هرگز زبانش را برای شکوی نخواهد گشود، و مصایب را با امید اجر و پاداش و آسان گشتن آنها بر خویشتن سهل می گرداند، عاقلان همیشه هنگام سختی ها خویشتن را محکم و بی پروا گرفته تا در مقابل آنها ضعیف و ناتوان نگردند، و دشمنان شان شادمان نگردند، چرا که مصیبت دشمن را شاد و خوشحال می گرداند، لذا پنهان کردن آن از صفات انسان های عاقل است، پس در برابر سختی بردبار باشد که روزهای سخت دیری نخواهد پایید و با صبر همه دشواری ها به پایان خواهد رسید، و کسانی که هلاک گشتند، سبب هلاک شان چیزی جز ناامیدی و سستی نبود، و ثواب صبر کنندگان خیلی بالاست:

﴿وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

(و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل میکردند پاداش خواهیم داد) [سورة النحل: ۹۶].

و پاداش آنها دو برابر خواهد شد:

﴿أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا﴾

(آنانند که به [پاس] آنکه صبر کردند و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می نمایند) [سورة القصص: ۵۴]، بلکه بدون حساب و کتاب به آنان پاداش داده

خواهد شد، والله ناصر و یاور آنان خواهد بود.

و ای کسی که دچار بلا و مصیبت گشته ای، بدان که الله تو را گرفتار نکرده است مگر اینکه به تو بهترین ها را خواهد داد، و بیمار نکرد تو را مگر اینکه تو را شفا خواهد داد، و تو را آزمایش نکرد مگر اینکه تو را تصفیه و از گناهان پاک خواهد نمود، و بعضی اوقات با نعمت ها انسان را مورد آزمایش قرار داده، و با دچار کردن به بلاها به او بهترین نعمت ها را عطا خواهد کرد، پس وقت گرانبهای خویش را برای غصه خوردن در مورد رزقی که مضمون شده است، ضایع مکن، تا زمانی که اجل تو نرسیده است، رزق تو نیز قطع نخواهد شد، الله متعال فرمود:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾

(و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست) [سورة هود: ۶].

و اگر با حکمت خویش راهی از راه ها را بر تو بست، راهی بهتر و مفید تر را با رحمت خویش بر تو خواهد گشود.

با **ابتلا** و آزمایش های الهیست که درجه نیکان بالا برده می شود، و بر پاداش آنان افزون می گردد؛ سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می گوید: ((به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتیم: کدام انسان ها به بدترین بلاها گرفتار می شوند؟ فرمودند: پیامبران، سپس صالحین، سپس هر کس که نزدیک تر به آنان باشد، و هر شخصی بر حسب مستوای دینی اش مورد امتحان قرار خواهد گرفت، به هر اندازه که در دین او قوت و صلابت باشد، به همان اندازه به امتحان او افزوده خواهد شد، و کسی که در دینش سستی وضعف وجود دارد، در امتحان نیز بر او سخت گرفته خواهد

شد، و آزمایشات الهی همیشه سراغ بنده می آیند، تا اینکه هیچ گونه گناهی در این کره خاکی بر گردن او نماند)) [روایت احمد].

وراه ابتلا راهی بس سخت است، آدم در آن خسته شد، و ابراهیم به آتش انداخته شد، و اسماعیل برای قربانی شدن به پهلوی خوابانده شد، و یونس به شکم ماهی فرو رفت، و ایوب با بیماری چنگ و پنجه نرم نمود، و یوسف با پول ناچیزی فروخته شد، و به خاطر دشمنی و بدخواهی به چاه انداخته شد، و به زندان رفت، و پیامبر ما محمد ﷺ با انواع اذیت و آزارها دست و پنجه نرم نمودند.

و تو نیز بر این سنت پیش خواهی رفت، و دنیا برای هیچ کس بدون سختی نبود، و لو اینکه در آن به تمنای خویش رسیده باشد، رسول الله ﷺ می فرمایند: ((هر آنکس که الله نسبت به او اراده خیر کرده باشد، او را گرفتار بلا خواهد کرد)) [روایت بخاری]، اهل علم می گویند: «هر آنکس که الله او را برای بهشت خلق نموده باشد، پس بلا و مصیبت مرتب سراغ او خواهند آمد».

مصیبت حقیقی همان مصیبت دین می باشد، و مصیبت های غیر از آن چیزی جز عافیت نیست، که در آن درجات بالا رفته و گناهان بخشیده خواهند شد، و هر نعمتی که تو را به الله نزدیک نکند بدان که آن نعمت چیزی جز بلا نیست، ولی مصیبت زده آنکسی است که از پاداش محروم گردد، پس در دنیا بر آن چیزی که از دست رفته است غصه مخور، که دنیا گذراست، چیزی به جز غم و غصه در آن نیست، و انسان ها به اندازه گرفتار شدن به آن در عذاب و درد و غم و رنج قرار دارند، دردهای آن زائیده لذت ها و خوشی های آن است، ابو الدرداء رضی الله عنه می گوید: «از بی ارزش بودن دنیا نزد الله این است که فقط در آن مصیبت او انجام می گیرد، و آنچه نزد الله است حاصل نخواهد شد مگر با ترک

کردن آن».

پس به همان چیزی خویشتن را مشغول بگردان که برای تو مفید باشد، مانند: بر طرف کردن عیوب، و معذرت خواستن از لغزش ها، یا ایستادن کنار دروزاه پروردگار جهانیان، و به بلا و گرفتاری توجهی مکن تا اینگونه برای تو آسان گردد، اگر سختی ها و گرفتاری ها نمی بود هرگز امید به راحتی نیز وجودی نداشت، از هر آنچه نزد مردم است چشم خویش را بردار و در آن طمع مکن، تا بی نیاز ترین آنان گردی، و هرگز ناامیدی به خویشتن راه مده که رسوا خواهی شد، و زیادی نعمت های الهی را بر خویشتن هرگز فراموش مکن، و اندوه و غم را با رضایت به تقدیر نوشته شده الهی از خودت بر طرف کن، چرا که شب به هر اندازه که دور و دراز باشد باز هم سپیده دم صبح فرا خواهد رسید، و نهایت غم و غصه بدایت گشایش الهیست، چرا که این دنیا بر یک منوال نخواهد ماند، بلکه پشت سر هر اتفاقی، اتفاقی دیگر خواهد بود، هیچ سختی نیست مگر اینکه عاقبت آسان گردد، هرگز ناامید مشو اگر چه هموم دنیا بر تو چنبر بزند چرا که هرگز یک سختی بر دو آسانی غلبه نخواهد کرد^(۱)، و به سوی الله تضرع و زاری بکن که بدین گونه گشایش الهی به تو نزدیک تر می گردد، و کاسه صبر را هیچ پناه برنده ای به پروردگار خویش ننوشید مگر اینکه از تنگنای سختی بیرون آمد، و یعقوب علیه السلام آن زمان که فرزندش را از دست داد، و مدت زمان طولانی در این غم ورنج بود باز هم از فرج الهی ناامید نگشت، و بعد از گرفتار شدن فرزند دومش نیز امید او به الله یگانه و یکتا قطع نشد:

﴿فَصَبِّرْ جَمِيلًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا﴾

(۱) اشاره دارد به آیه قرآن کریم.

(پس [صبر من] صبري نیکوست امید که خدا همه آنان را به سوي من [باز] آورد) [سورة يوسف: ۸۳].

و پرودگار ما تنها شایسته حمد و ثناء بوده، و پیش او تنها شکایت و گلایه رواست، پس اگر زمانه تو را در دام سختی ها انداخته و گرفتار سختی ها و ناخوشی های آن گشتی، پس به خدای خویش روی بیاور، و اگر شبی به سراغت آمد که با تاریکی خویش دینا را فرا گرفته و پرده آن دنیا را پوشاند، صورت خویش را به طرف آسمان بالا برده و دستانت را به سوی او دراز بکن باشد تا امور زندگی را بر تو آسان گرداند، و سختی های زندگی را از دوش تو بردارد، و دعا هرگاه با قلبی حاضر و خاشع همراه باشد، هرگز رد نخواهد شد:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾

(یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می گرداند) [سورة النمل: ۶۲].

و به الله قادر و توانا توکل نمای، و با قلبی خاشع و فروتن سراغ او برو که دروازه رحمت خویش را بر تو باز خواهد کرد، فضیل بن عیاض رحمه الله می گوید "اگر از انسان ها نا امید گشتی به گونه ای که از آنان هیچ چشم داشتی نداشتی، بدان که الله هر آنچه را که بخواهی به تو خواهد داد».

و ابراهیم علیه السلام هاجر و فرزندش اسماعیل را در بیابانی بی آب و علف رها ساخت، که در نتیجه فرزندش پیامبری شد که اهل خویش را به نماز و زکات امر می نمود، و یونس در بیابان بی آب و علف گم نگشت، و هر کس امر خویش را به الله بسپارد به آرزوی خویش خواهد رسید، دعای ذی النون را زیاد بخوان:

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

(معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم) [سورة الأنبياء: ۸۷].

ابن قیم رحمه الله می گوید: «تجربه شده است که هر کس (رَبِّ اِنِّیْ مَسْنِی الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ) را هفت بار بخواند آسیب او برطرف خواهد شد».

پس خویشتن را به بارگاه الهی بسپار، وامیدت را به او معلق بکن، وامرت را به او بسپار، و فرج و گشایش کارها را از او بخواه، واز مردم هیچ چشم داشتی نداشته باش، و اوقات اجابت دعا را از دست مده، و بر حذر باش که زمان بلا را طولانی بینداری، و از رحمت خدا نا امید گردی، و با دعای زیاد شکوای خویش را پیشه کن، چرا که انسان مبتلا با صبر و دعا در حال عبادت است، واز گشاینده درها بخواهد که در رحمت خویش را بر تو بگشاید:

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ﴾

(و اگر خدا به تو زبانی برساند آن را برطرف کننده ای جز او نیست) [سورة الأنعام: ۱۷].

و او ذاتی است که هرچه بخواهد انجام خواهد داد، زکریا به سن کهنسالی رسید ولی الله متعال یکی از برترین انسان ها و پیامبری از پیامبران را به ایشان عطا نمود، و ابراهیم به فرزندی بشارت داده می شود در حالیکه همسرش از روز نا امیدی می گوید:

﴿إِلْدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا﴾

(همسر ابراهیم) گفت ای وای بر من آیا فرزند آورم با آنکه من پیرزنم و

این شوهرم پیرمرد است) [سورة هود: ۷۲].

اگر از کمبود رزق می نالی پس به توبه و استغفار روی بیاور، چرا که هر گناهی از رزق انسان خواهد کاست، اگر اجابتی نیافتی پس به دنبال اصلاح خویش باش؛ چه بسا که توبه ات صادقانه نبوده است، پس قبل از دعا کردن با توبه خویش را اصلاح کن، چرا که کریم و بخشنده ای بزرگ تر از او نیست، و به یاری و کمک مساکین و نیازمندان بشتاب، که صدقه بلا و گرفتاری را دفع خواهد کرد.

و با برطرف شدن بلا و گرفتاری حمد و سپاس الهی را بی جای بیاور، و بدان که مغرور شدن به سلامت و عافیت از بزرگترین بلاهاست، چرا که عقوبت الهی گاهی اوقات به تاخیر خواهد افتاد، و انسان عاقل از عاقبت و سرانجام امور بیم دارد.

پس به قدر الهی یقین داشته باش، و بر مصیبت هایی که بر تو می آورد صبر پیشه کرده و تسلیم امر او باش.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا﴾

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿

(بگو جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی رسد او سرپرست ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند) [سورة التوبة: ۵۱].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد...

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده و از او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، و از او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

ای مسلمانان:

أحوال این دنیا هرگز بر یک منوال نخواهند ماند، و خوشبخت آن کسی است که پرهیزگار باشد، که با تقوا و پرهیزگاری در حال فقر بی نیاز گشته و در حال دارایی آراسته، و در حال گرفتاری خوشحال می شود، پس همیشه تقوا را سر مشق زندگی خویش قرار بده، چرا که بدین گونه هر تنگی را برای تو آسان نموده، و هر مریضی را برای تو عافیت جلوه می دهد، و با تقوای الهی فقر برای تو بی معنا خواهد بود.

وامر مقدر شده هرگز چاره ای جهت رهایی از آن نیست، و چیزی که مقدر نشده است چاره ای برای به دست آوردن آن نیز وجود ندارد، و رضایت و توکل دو شانه تقدیر هستند، والله متعال در اختیار امور و تدبیر آنها یگانه و تنهاست، تدبیر او برای بنده بهتر از تدبیر بنده برای خویش است، چرا که او از خود بنده نسبت به او مهربان تر است، داود بن سلیمان می گوید: «با سه چیز می توان تقوای انسان مومن را سنجید: با توکل کامل بر آن چیزی که به آن نرسیده است، و رضایت کامل در آن چیزی که به او رسیده است، و صبر پیشه کردن در چیزی که از دست رفته است».

وهر کس به اختیار الهی راضی گشته، پس تقدیر الهی سراغ او خواهد آمد درحالیکه او مورد حمد و ثنا و شکر قرار خواهد گرفت، و اگر خلاف آن باشد، مورد هیچ لطف و رحمتی قرار نخواهد گرفت، بنابراین در چیزی که برای تو مقدر شده است، هیچ اشکالی وجود ندارد، به برخی از حکما گفته شد: «بی نیازی چیست؟ گفت: کم بودن آرزوها، و رضایت به آن چه برای تو کافیت»، شریح رحمه الله می گوید: «هیچ بنده ای به بلایی گرفتار نخواهد شد مگر اینکه در آن سه نعمت برای او قرار دارد: اول اینکه این مصیبت در دینش نباشد، و دوم بزرگتر از آن چه هست نگردد، و سوم الله متعال در برابر آن به او صبر عنایت نماید».

سپس - ای بندگان خدا - سلام و درود بفرستید بر بهترین بنده خدا محمد بن عبد الله، و بدانید که الله متعال شما را به این کار امر نموده است...

استوار بودن هنگام مصیبت (۱)

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می کنیم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست.

اما بعد:

ای بندگان خدا تقوای الهی را پیشه کرده و در نهان و پنهان او را مراقب خویش قرار دهید.

ای مسلمانان:

الله متعال قدرها و اجلها را مشخص نموده، و اعمال و کردار را ثبت کرد، و آسمانها و زمین را نیز برای ابتلا و آزمایش بندگان آفرید، می فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾

(و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر

(۸) این خطبه در روز جمعه، بیست و ششم محرم، سال هزار و چهار صد و سی هجری در مسجد رسول الله ﷺ ایراد شده است.

آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکو کارترید ([سورة هود: ۷].

و دنیا زاییده سختی ها و بدبختی هاست، یکی گرسنه و دیگری در حال بیم و هراس و دیگری فرزندان خویش را از دست داده است، و آن یکی دارایی اش را.

و سختی ها زمان و یا جنس خاصی، و یا مکان و سن مشخصی را نمی شناسند، الله متعال می فرماید:

﴿وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾

(و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوي ما بازگردانیده مي شويد) [سورة الانبياء: ۳۵].

وایمان داشتن به خیر و شر قدر الهی: رکنی از ارکان ایمان است، و انسان مومن هنگام سختی ها استوار است، بلا ها و سختی ها او را از پای در نخواهد آورد، پا به پای قضای الهی راه می رود، به آن ایمان داشته و امر خویش را به او می سپارد، و بر او توکل نموده است.

وآزمایش شدن شیوه بزرگان است؛ از رسول الله پرسیده شد: ((**کدام انسان ها به بدترین بلاها گرفتار می شوند؟** فرمودند: پیامبران، سپس صالحین، سپس هر کس که نزدیک تر به آنان باشد، و هر شخصی بر حسب مستوای دینی اش مورد امتحان قرار خواهد گرفت، به هر اندازه که در دین او قوت و صلابت باشد، به همان اندازه به امتحان او افزوده خواهد شد، و کسی که در دینش سستی وضعف وجود دارد، در امتحان نیز بر او سخت گرفته نخواهد شد، و آزمایشات الهی

همیشه سراغ بنده می آیند، تا اینکه هیچ گونه گناهی در این کره خاکی بر گردن او نماند)) [روایت احمد].

و آزمایش شدن انسان مومن فقط برای بالا بردن پاداش و منزلت اوست؛ رسول الله ﷺ فرمودند: (((هر آنکس که الله نسبت به او اراده خیر کرده باشد، او را گرفتار بلا خواهد کرد)) [روایت بخاری].

ابن رجب رحمه الله می گوید: « قدر بلا آنگاه فهمیده خواهد شد که روز قیامت پرده برداشته شود».

و مسلمان با عزت و سربلند است و در برابر بلاها شکست نخواهد خورد؛ رسول الله ﷺ فرمودند: ((انسان مومن مانند ابتدای روییدن گیاه است، باد آن را این طرف و آن طرف می برد، -یعنی مبتلا می گردد ولی دوباره به قوت خویش باز خواهد گشت-، بر این حالت خواهد بود تا جایی که افتادن او فقط یک بار صورت می گیرد، -یعنی قوی است تا جایی که در برابر بلاها استوار خواهد بود و اگر بیفتد همان یک بار است و بس-)) [متفق علیه].

منهج پیامبران علیهم السلام این است که: هنگام مصیبت قدرت مند هستند، و به وقت آزمایشات دینی استوار، از رسول الله ﷺ در دعای خویش می فرمودند: ((بار الها من از تو پایداری و استواری در امر دین، و نستوهی را برای هدایت خواهانم)) [روایت نسائی].

و ابراهیم علیه السلام بت ها را شکست، و دشمنانش گفتند:

﴿قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ﴾

(گفتند پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید) [سورة الأنبياء: ۶۱].

تا اینکه عذاب کشیدن او را با چشمان شان ببینند، ولی او از آنان نترسیده و فرمود:

﴿إِنِّي لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾

(اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می پرستید) [سورة الأنبياء: ۶۷].

و ایشان را تهدید به انداختن در آتش کردند، ولی این کار شان امید او را به الله بیشتر ساخته و فرمود:

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾

(ای پروردگار من مرا [فرزندی] از شایستگان بخش) [سورة الصافات: ۱۰۰].

پس الله به او بشارت فرزندى را داد.

و هنگامیکه پدرش به او گفت:

﴿يَا اِبْرَاهِيْمُ لَنْ لَمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ﴾

(ابراهیم آیا تو از خدایان من متنفری اگر باز نایستی تو را سنگسار خواهم کرد) [سورة مریم: ۴۶].

ولی ایشان از دعوت خویش باز نمانده و فرمود:

﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا﴾

([ابراهیم] گفت درود بر تو باد به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می خواهم زیرا او همواره نسبت به من پر مهر بوده است) [سورة مریم: ۴۷].

و یوسف علیه السلام - در حالیکه در زندان بود - غم و غصه او را از دعوت به توحید باز نداشت:

﴿يَصْلِحِي السَّجْنَءَ رَبِّابُّ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾

(ای دو رفیق زندانیم آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر)
[سورة یوسف: ۳۹].

و قوم لوط علیه السلام به ایشان گفت:

﴿قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَلُوطُ لَتَكُونَ مِنَ الْمُخْرَجِينَ﴾

(گفتند ای لوط اگر دست برنداری قطعاً از اخراج شدگان خواهی بود)
[سورة الشعراء: ۱۶۷].

ایشان نیز با عزت تمام فرمودند:

﴿قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ﴾

(گفت به راستی من دشمن کردار شمایم) [سورة الشعراء: ۱۶۸].

و قوم شعیب او را تهدید به اخراج کردن از شهرش کردند، ولی ایشان در جواب فرمودند:

﴿قَدْ أَفْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنَّ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ بَخَّعْنَا اللَّهُ مِنْهَا﴾

(اگر بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده [باز] به کیش شما برگردیم در حقیقت به خدا دروغ بسته ایم) [سورة الأعراف: ۸۹].

و غم و غصه یونس را در حالیکه در شکم ماهی بود از پای در نیاورد، و

ایشان در آن تاریکی یگانگی خدای خویش را بیان می کرد:

﴿أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

(که معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم)
[سورة الأنبياء: ۸۷].

و فرعون موسی را دیوانه می خواند، و می گوید:

﴿قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ﴾

﴿[فرعون] گفت واقعا این پیامبری که به سوی شما فرستاده شده سخت دیوانه است﴾ [سورة الشعراء: ۲۷].

ولی موسی توجهی به او نکرده و او را به سوی توحید الهی دعوت می داد:

﴿قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾

﴿[موسی] گفت پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آن دو است اگر تعقل کنید﴾ [سورة الشعراء: ۲۸].

و هنگامی که فرعون ساحران را جمع نمود تا موسی را به هراس افکند، موسی نیز فرمود:

﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ﴾

﴿[موسی] گفت موعد شما روز جشن باشد﴾ [سورة طه: ۵۹].

تا اینکه همه مردم ما را ببینند، و این واقعه در حالتی بسیار ترسناک رخ داد،

موسی به ساحران در حالیکه به یاری الهی و شکست ساحران یقین داشت فرمود:

﴿الْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ﴾

﴿آنچه را می اندازید بیندازید﴾ [سورة یونس: ۸۰].

و هنگامی بنی اسرائیل ایشان را نا امید کرده و از جهاد به همراه او سر باز زده و گفتند:

﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾

﴿تو و پروردگارت برو[ید] و جنگ کنید که ما همین جا می نشینیم﴾

[سورة المائدة: ۲۴].

هرگز سست و نا امید نشد بلکه با پیروانش به جنگ دشمنان رفت، والله متعال آنان را نصرت و یاری نمود، و هنگام خروج از مصر فرعون به دنبالش افتاد، پس:

﴿قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾

﴿یاران موسی گفتند ما قطعاً گرفتار خواهیم شد﴾ [سورة الشعراء: ۶۱].

ولی ایشان با ایمانی متین و راسخ و قوی به پروردگار خویش فرمودند:

﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾

(گفت چنین نیست زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی

خواهد کرد) [سورة الشعراء: ۶۲].

و پیامبر ما محمد ﷺ در دره ای از دره های مکه سه سال تمام حبس شده بود، ولی باز هم از دعوت خویش باز نمی آمد، ایشان را مورد مسخره قرار داده و می گفتند: ساحر، دروغگو و دیوانه است، ولی ایشان از آنان روی گردانی نمودند؛ و از سرزمینش او را بیرون راندند:

﴿إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ﴾

(نگاهی که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مکه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود) [سورة التوبة: ۴۰].

وایشان رسالت پیامبری خویش را در سرزمینی دیگر کامل نمودند. و در غزوه بدر با دیدن مشرکین می گوید: مقتل گاه کفار به من نشان داده شد، و در غزوه احد مسلمانان ضربه خوردند، و برای جهاد به خیبر رفتند، و احزاب گوناگونی در غزوه خندق بر علیه او جمع شده بودند؛ ایشان بعد از غزوه خندق فرمودند: ((بعد از این ما به جنگ آنان خواهیم رفت، و آنان به جنگ ما نخواهند آمد)) [روایت بخاری]، و مسلمانان در غزوه حنین ضربه خوردند، سپس برای جنگ با رومیان به تبوک رفتند.

دندان های شان شکسته و سر مبارکش خون آگین شد، تا جایی که خون بر چهره مبارک ایشان روانه گشت، و یهود ایشان را سحر کردند، و در غذای شان سم ریختند، و از شدت گرسنگی به شکم خویش سنگ بستند، و به همسرش بهتان روا داشتند، شش تا از فرزندان او از دنیا رفتند، فقط فاطمه ~ از آنها زنده ماند، و همه این مصیبت ها مانع نشر علم و نور ایشان نشدند.

والله متعال صبر و عزیمت پیامبران را مورد ستایش قرار داده است:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾

(و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم) [سورة السجدة: ۲۴].

وصحابه رضی الله عنہم از سرزمین خویش بیرون رانده شدند، و این امر مانع یاری دادن دین از آنان نشد؛ همین همت بالای آنان بود که در نهایت کنوز کسری و روم در دستان ایشان افتاد، و در غزوه خندق: از شدت سرما و گرسنگی و ترس از دشمن دل ها به تپش افتاده است؛ ولی در برابر آن جهت نشر دین صبر پیشه ورزیدند.

و مصیبت وفات رسول الله صلی الله علیه و آله صحابه را فرا گرفت، ولی این امر مانع باز ماندن آنان از جهاد در راه خدا و دعوت به سوی او نشد، پس برمنهج ایشان صلی الله علیه و آله حرکت کردند، همانگونه که ابوبکر لشکر مسلمین به رهبری اسامه را برای جنگ با مرتدین فرستاد، و با کسانی که از دادن زکات سر باز زدند جنگید، پس الله متعال دین اسلام را یاری داده و بر همه ادیان غالب و چیره گردانید.

وبعد ای مسلمانان:

دین خدا استوار و پایدار است، والله دین خویش و پیروانش را یاری خواهد داد، الله متعال فرمود:

﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي﴾

(خدا مقرر کرده است که حتما من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید) [سورة المجادلة: ۲۱].

واگر مسلمانان در برهه ای از زمان سست گردند: باز هم الله متعال آنان را یاری داد اگر به سوی او باز گردند:

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

(گر خدا را یاری کنید یاریتان می کند) [سورة محمد: ۷].

واگر مسلمانان در جایی شکست خوردند ولی آنان در حقیقت پیروز هستند، چرا که سختی انسان مومن موقت بوده و پایدار نیست، بر عکس کافر که سختی او ابدی و لا یزال می باشد.

و خوشحالی کافران با پیروز شدن بر ضعیفان چیزی جز خواری و ذلت برای آنان نیست؛ الله عزوجل فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ﴾

(در حقیقت کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی خیزند آنان در [زمره] زبونان خواهند بود) [سورة المجادلة: ۲۰].

ابن قیم رحمه الله می گوید: «آنچه از عزت و یاری و پیروزی که به کفار می رسد خیلی کمتر و پایین تر از آن چیزی است که به مسلمانان می رسد؛ بلکه در باطن این پیروزی آنان همان خواری و فلاکت است، گر چه در ظاهر خلاف آن گفته شود».

والله متعال به کفار در ظلم و ستم شان مهلت می دهد تا عذاب آنان بیتشر و درد ناک تر گردد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

(و البته نباید کسانی که کافر شده اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آنگاه] عذابی خفت آور خواهند داشت) [سورة آل عمران: ۱۷۸].

الله متعال در قرآن برای من و شما برکت قرار دهد...

خطبه دوم

سپای خدایی را که هر کس او را یاد کند او نیز او را یاد خواهد کرد، و هر کس شکرگذار او باشد او را فزونی خواهد داد، و هر کس توبه و استغفار نماید او را بخشیده و از او در می گذرد، سپاس می گویم او را بر نعمت های بی کرانش، و از او درخواست بیشتر و بیشتر را دارم.

ای مسلمانان:

در مقابله با دشمنان؛ ایمان آزموده شده، و سبب بالا رفتن اجر و پاداش، و بخشیده شدن گناهان، و شهادت مسلمین، و یاری دین، و برگشت مسلمانان به سوی الله، و آشکار گشتن مکر و حيله دشمنان، است.

و هر مصیبتی که سراغ مسلمانان می آید: جهت بیدار کردن آنان، و محاسبه نفس های شان، و بازگشت به سوی الله، و برپایی اوامر او، به دور انداختن اسباب ضعف و اختلافات، و یاری جستن از الله برای دین خویش است.

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به سلام و درود فرستادن بر پیامبر خویش نموده است....

فهرست موضوعات

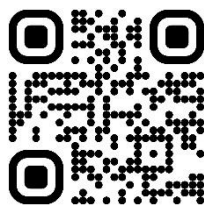
مقدمه.....	۵
ایمان به الله.....	۷
شناخت بنده نسبت به پروردگارش.....	۸
خطبه دوم.....	۲۱
ترس و بیم داشتن از خدا.....	۲۲
خطبه دوم.....	۳۶
ایمان به فرشتگان.....	۳۸
ایمان آوردن به فرشتگان.....	۳۹
خطبه دوم.....	۴۷
ایمان به کتاب های آسمانی.....	۵۰
قرآن عظیم الشان.....	۵۱
خطبه دوم.....	۵۷
بزرگی و عظمت قرآن.....	۶۰
خطبه دوم.....	۷۷
ایمان به پیامبران.....	۷۹
انبیاء و پیامبران.....	۸۰

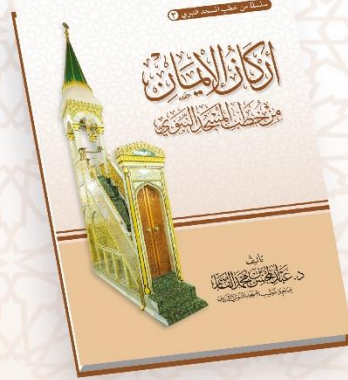
خطبه دوم.....	۸۸
حقوق رسول الله ‘.....	۹۱
خطبه دوم.....	۱۰۳
اجابت کردن الله متعال ورسولش ‘.....	۱۰۴
خطبه دوم.....	۱۱۶
ایمان به روز قیامت.....	۱۱۸
علامات روز قیامت.....	۱۱۹
خطبه دوم.....	۱۲۹
مسیح دجال.....	۱۳۳
خطبه دوم.....	۱۴۱
روز باز پسین: روز جزاء.....	۱۴۲
خطبه دوم.....	۱۵۰
سختی های روز قیامت.....	۱۵۳
خطبه دوم.....	۱۶۴
توکل.....	۱۶۶
خطبه دوم.....	۱۷۹
گمان نیک داشتن به الله.....	۱۸۱

- خطبه دوم..... ۱۹۴
- خیر در آن چیزی است که الله اختیار نموده است..... ۱۹۵
- خطبه دوم..... ۲۰۷
- صبر پیشه کردن در برابر مصیبت ها و سختی ها..... ۲۰۸
- خطبه دوم..... ۲۱۸
- استوار بودن هنگام مصیبت..... ۲۲۰
- خطبه دوم..... ۲۳۱

انتشارات طالب العلم

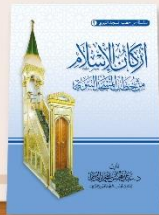
٠٠٩٦٦٥٠٦٠٩٠٤٤٨





از منشورات ما

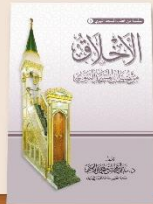
مجموعه ای از خطبه های مسجد نبوی



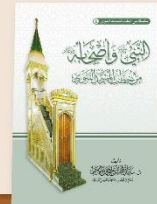
ارکان اسلام



توحید



رسول الله و صحابه ایشان



ارکان ایمان